

فراه پوهان:
کودار فقط به افق
پیروزی خیره است

آند شامو:
زینب جلایان سمبل مبارزه،
مقاومت و همزیستی خلق هاست

پده کپکان پیروست له
چاره سرریک بز خزان بگرین

شهید سرهنگدان
چاوک په کی پر له وزه و باوهری

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایډئولوژیک و اجتماعی

ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک

سال سیزدهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی بیست و پنجم

دی ۱۴۰۲

DECEMBER 2023

۲۵



آلترناتوو

آلترناتوو مجله، سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی
ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک





ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک

الترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

سال سیزدهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی بیست و پنجم

دی ۱۴۰۲

DECEMBER 2023

مرکز مطبوعات
حزب حیات آزاد
کوردستان



۲۵

آثار نوشتاری، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خویش را برای ما ارسال نمایید.

تحریریه حق انتخاب و ویرایش آثار را برای خویش محفوظ می‌داند.

telegram: jinjiyanazady
mail: ciyaviyan24@gmail.com

فهرست

	سخن آعازین	۵
رهبر آپو	همبستگی ترکیه - سوریه - ایران...	۶
فواد بریتان	کودار فقط به افق پیروزی خیره است	۱۰
آمد شاهو	زینب جلالیان سمبل مبارزه، مقاومت و همزیستی خلق هاست	۱۵
بیستون مختاری	گذار به سوی تشکلیابی دموکراتیک	۲۶
رامین گارا	در دو راهی انتخابات	۲۹
آهون چیاکو	در نتیجه مقاومت و درایت رهبر آپو در امرالی...	۳۳
شهید هزار بیکس	تکاب؛ آفریقای کوچک	۳۷
سرپرست چیا	دو ستاره‌ی جاودان	۴۱
آرگش آلاسور	قلمروزدایی از قاب	۴۳
سرپرست ادبی آترناتیو	در طریق عشق	۴۷
سرپرست ادبی آترناتیو	نقد و بررسی شعر هیوا	۴۸
میترا کورد	مندالانی شار و کهله‌بابه‌که‌ی گوند	۴۹
سهردار ستار	په‌ده‌که‌یه‌کان پیویسته له چاره‌سهریه‌ک بو خویان بگه‌پین	۵۳
هیوا ئه‌محمد	شهید رووناهی پیشه‌نگی شوپشی ژن ژیان نازادی	۵۹
نارام کهریم	شهید سهره‌لدان چاوگه‌یه‌کی پر له وزه و باوه‌ری	۶۳
حه‌قی باشووری	گهریلا تیشکی خوری نازادییه	۶۷
نومندی راگه‌یاندنی YRK	شهید ناربه‌ن و هیرش بوونه رینیشاندیری ریگه‌ی حه‌قیقه‌ت	۶۸

بخش فارسی

ادبیات و هنر

بهشی کوردی

سخن آغازین



به پایان سال ۲۰۲۳ میلادی نزدیک می‌شویم، سالی مملو از رنج‌ها، مشقت‌ها، ترازدی، سرکوب، جنگ و درگیری، اعدام، ویرانی، فقر، گرانی و نیز سالی پر از مقاومت، مبارزه، ایستادگی، جان‌فشانی، اعتراضات مردمی و اتحاد خلق‌ها. رژیم اشغالگر ایران در این سال مالمال از مبارزه، مشروعیت و پایگاه اجتماعی، سیاسی و مردمی‌اش را بیش از پیش از دست داد. چون انقلاب «ژن ژیان نازادی» اوج مطالبات دموکراتیک، مبارزه و آگاهی خلق‌های ایران در چند دهه اخیر است و گامی بزرگ در راستای رسیدن به اهداف و تعیین سرنوشت آحاد جامعه است. در مقابل رژیم با ترفندهای خویش درصدد نابودی و از بین بردن دستاوردهای عظیم انقلاب زن می‌باشد. با نمایش قدرت، خواهان فروپاشی دیوار مقاومت و تاریکی خورشید آزادی است. برای همین با ایجاد جو امنیتی شدید، برقراری رعب و وحشت در جامعه، سرکوب و اعدام‌ها به تحریف تاریخی می‌پردازد که قهرمان این سال دولت‌مردان نظام و گردانندگان ظالمش می‌باشد. علیرغم این نیرنگ و حقه‌های نظام، سال ۲۰۲۳ به سال خلق‌ها و بخصوص به عصر آزادی زن مبدل گردید و شعاع تابناک این انقلاب به هر چهار گوشه‌ی جهان رسید و موج عظیم این انقلاب، زن را به قهرمان اصلی سال مبدل کرد.

هرچند رژیم با فشارهای داخلی و منطقه‌ای و درپیش گرفتن سیاست مزورانه و منفعت طلبانه‌ی خویش با دولتهای منطقه‌ای و جهانی توانست تا حدودی نیروهای اپوزسیون ایرانی و کوردی را خارج از محوریت انقلاب قرار دهد و آنها را مجبور به سکوت کند، اما هنوز پیشگامانی در محوریت این انقلاب با برافراشتن پارادایم آزادی زن در سلسله کوهستان‌های زاگرس، در کف خیابان‌ها و زندان‌ها می‌درخشند که امید بخش بنیادنهان حیاتی آزاد و تجلی‌بخش مبارزه‌ای دموکراتیک اند.

با این احوال، درگرفتگی جنگ میان حماس و اسرائیل موج خشونت و نسل‌کشی، جامعه‌کشی و زن‌کشی را افزایش داد و آتش جنگ جهانی سوم را شعله‌ورتر نمود که آینده‌ی خلق‌های منطقه را به مخاطره انداخته و فرصتی دوباره را به دولت‌های سودجو، دیکتاتور و فاشیست داد که به نسل‌کشی، اشغالگری و غارت بپردازند. با آغاز این جنگ رژیم مستبد ایران، فرصت سرکوب داخلی و ملیت‌پزیه‌نمودن شهرها را پیدا کرد و همچنین از این مسئله به بهترین نحو احسن برای منافع خویش استفاده کرد و می‌کند. از سوی دیگر خواهان برقراری ارتباط با کشورهای همسایه و منطقه بوده تا با گفتمان نوین حمایت از غزه بتواند تهدیدات علیه خودش را کاهش بخشد. اما چنین سیاستهایی ممکن است در کوتاه مدت بداد رژیم برسد اما

در بلندمدت موج نوینی از نیروی عظیم انقلاب زن گریبانگیر رژیم خواهد شد و امواج سهمناک و درهم کوبنده‌اش نیرومندتر از سالی که گذشت، خواهد بود. علی‌الخصوص نتیجه‌ی انتخابات پیش‌روی نظام، بخشی از این موج محسوب می‌گردد که می‌تواند به سونامی سیاسی و اجتماعی نظام مبدل گردد.

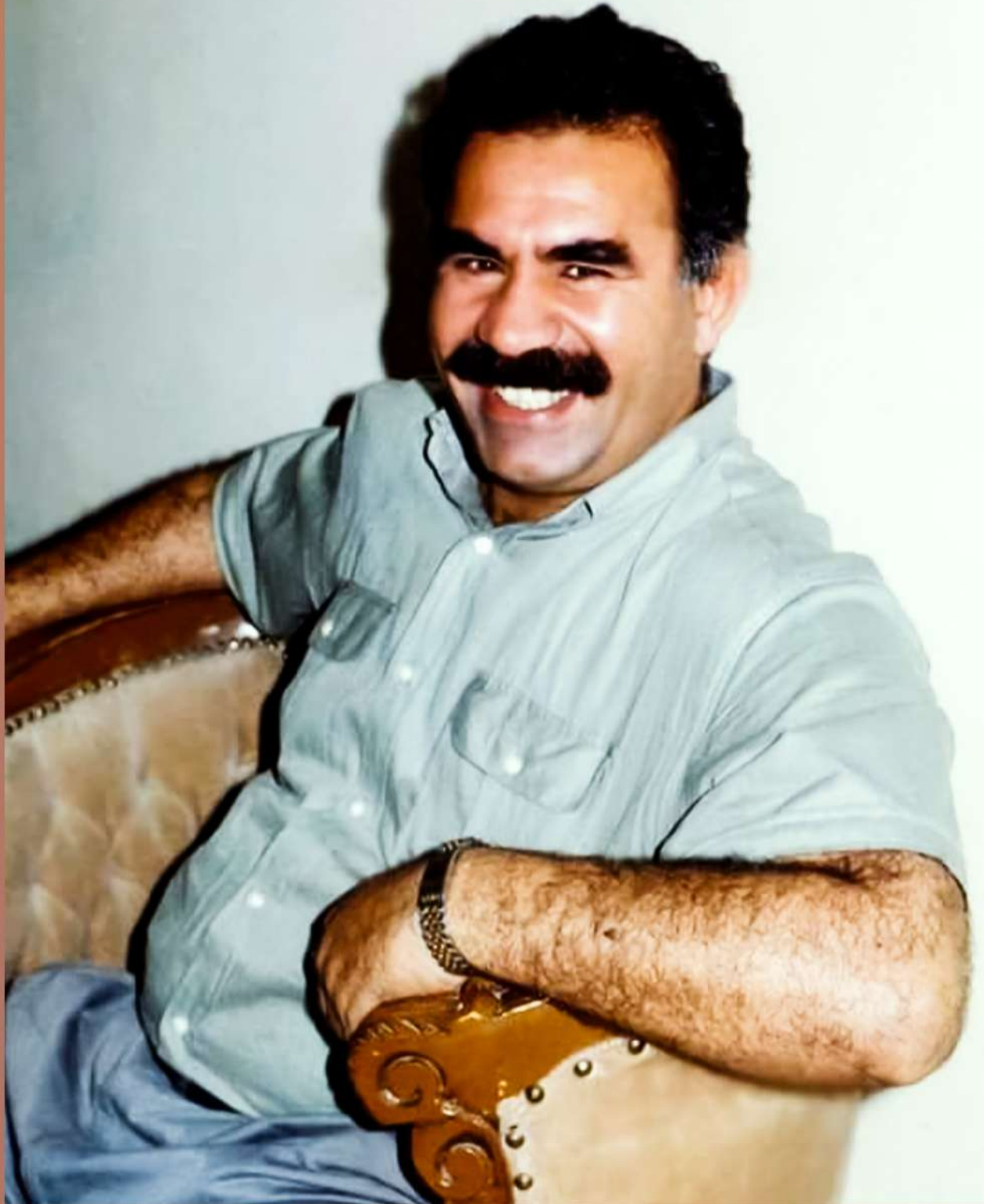
در عین حال رژیم، با سیاستهای کورد ستیزانه و زن ستیزانه دولت فاشیست ترکیه همسو شده و به پروژه خطرناک نسل‌کشی کوردها ورود کرده است. برای همین در این سال با هماهنگی دولت فاشیست ترکیه علیه نیروهای گریلا حملات متعددی انجام دادند.

دولت فاشیست ترکیه هم مثل ایران برای لاپوشانی اعمال جنایت کارانه و غیرانسانی خویش به مدافع حقوق بشر تبدیل شده و از وحشیگری‌های اسرائیل علیه غزه سخن می‌راند و هر از گاهی اشک تمساح می‌ریزد و این حملات را بعنوان جنایات جنگی قلمداد می‌نماید. حال آنکه این دولت فاشیست علیه خلق کورد بزرگترین جنایات جنگی انجام داده و می‌دهد و روزانه شهروندان مدنی را به خاک و خون می‌کشد و علیه خلق کورد از سلاح‌ها و مهمات ممنوعه استفاده می‌کند و بخصوص بزرگترین جنایات جنگی و بشری را علیه خلق شمال و شرق سوریه انجام می‌دهد. در سالی که گذشت دولت ترکیه تمامی تجهیزات جنگی و سیاستهای ضد بشری علیه خلق کورد و گریلاهای کوردستان را به کار گرفت و آتش جنگ جهانی سوم را در منطقه شعله ورت نمود.

در اصل امرالی جبهه اول جنگ حکومت آکپ و مه‌پ علیه ملت کورد و ملل تحت ستم منطقه است. امروزه جنگ بزرگ در امرالی است. تشدید انزوا و سیاست‌های اعمال شده علیه رهبر آپو در امرالی گواه این حقیقت است. سکوت افکار عمومی و سازمان‌های به اصطلاح حقوق بشری در قبال این مسئله، مصداق بارز تداوم توطئه‌ی بین‌المللی علیه رهبر آپو، خلق کورد و دیگر ملت‌های تحت ستم است. برای همین، سال پیش‌رو برای خلق کورد و خلق‌های آزادیخواه سالی سرنوشت‌ساز و تجلی‌بخش پیروزی خواهد بود و در این راستا مقاومت تاریخی گریلاهای کوردستان و خلق کورد در این برهه‌ی حساس تاریخی گامی بزرگ برای رسیدن به آزادی است. یعنی آغاز کارزار جهانی «آزادی جسمانی برای رهبر آپو و حل مسئله‌ی کورد» در ۱۰ اکتبر ۲۰۲۳، استارت آغاز مرحله‌ی نوینی از مبارزه است که با مشارکت فراگیر خلق کورد و خلق‌های خاورمیانه و جهان به پیروزی خواهد رسید و با این پیروزی صلح، آزادی و دموکراسی در منطقه و جهان برقرار خواهد گردید.

رهبر آپو:

همبستگی ترکیه - سوریه - ایران آبستن
نتایج بسیار خطرناکتر از موضع پاك می باشد



در دوازدهمین سالگرد مرحله‌ی زندگی در امرالی، جریانات و رویدادهای شکل‌گرفته را از منظر نیروهای ذریبط این‌گونه می‌توان ارزیابی نمود:

آ) از نظر هم‌پیمانی ایالات متحده‌ی آمریکا، انگلستان و اسرائیل که در رأس هژمونی کاپیتالیستی می‌باشند، پایه‌ی پ ک ک یی جریانات و رخدادهایی که در مثلث سوریه-ایران-پ ک ک پیش آمده‌اند، بی‌تأثیر گردانده شده است. اما می‌توان گفت که چنین رخدادها و اوضاعی چندان هم مطابق منافع نظام هستند. به‌جای پ ک ک، با هدفی هرچند تاکتیکی، ترکیه جایگزین گردید. همبستگی ترکیه-سوریه-ایران اگرچه در چارچوب گردستیزی باشد، اما جهت نظام هژمونیک بسیار ناخُرسندکننده است؛ حتی آسنت نتایجی بسیار خطرناک‌تر از موضع پ ک ک می‌باشد؛ به‌ویژه برای اسرائیل بیانگر وضعیتی است که به هیچ وجه قابل پذیرش نیست. ترکیه جهت نیرومندسازی کارت‌هایی که در دست دارد، وارد همبستگی مذکور گردید. انتظاری که ترکیه از بلوک ایالات متحده‌ی آمریکا-انگلستان-اسرائیل دارد این است که کنترل گُردهای عراق را به ترکیه واگذارد کند، ضمانت نماید که گُردهای عراق در پی هیچ نوع حاکمیتی اعم از اتونوم یا مستقل برنیایند، سهم بیشتری از رانت خاورمیانه به ترکیه بدهد و ایران را به وضعیتی نظیر عراق درنیفکند.

این انتظارات از منظر سیاست‌هایی که نظام هژمونیک طی دوپست سال اخیر اجرا می‌نماید، واقع‌بینانه نیست. ترکیه یا با نظام سازگار خواهد شد یا اجرای سیاست‌های اعمال‌شده بر عراق و ایران را علیه خویش متقبل خواهد گشت. سازگاری کامل ترکیه با نظام، مستلزم سازش او با گُردها و فاصله‌گیری‌اش از روابط خود با سوریه و ایران است. در صورتی که از نظام گسست یابد و در جستجوی محورهای نوینی بیفتد یا در پی ایجاد آن برآید، به‌طور قطع باید ریسک مواجهه‌شدن با عملیاتی مشابه عملیات عراق را متقبل شود. در این وضعیت، نظام با تمامی نیرویش از جنبش دولت-ملت گُرد پشتیبانی نموده و هسته‌ی دولت-ملت گُرد عراق را توسعه خواهد داد. می‌توان انتظار داشت بلوک "اسرائیل-حکومت اقلیمی گُرد عراق-ک ج ک" تشکیل شود که نتایج بزرگی در منطقه خواهد داشت و این نیز خاورمیانه را ناچار از تحولاتی بزرگ خواهد کرد. ترکیه هم‌اکنون در آمدوشد و برزخ است؛ ترجیحی قطعی انجام نداده و یک سیاست موازنه‌گرایانه‌ی سنتی را با هر دو طرف در پیش گرفته است. نظام هژمونیک نمی‌تواند در خاورمیانه گام به عقب بردارد. اگر بردارد، ناگزیر رخدادهای بسیاری از پاکسازی و نابودی اسرائیل گرفته تا نابودی بسیاری از دولت‌های کوچک عربی روی خواهند داد که دنیا را از بیخ و بُن به لرزه درخواهند آورد.

به هنگام بحث از جنگ جهانی سوم، این رویدادهای محتمل را نیز مدنظر قرار می‌دهیم. پیشرفته‌ترین تسلیحات و ازجمله جنگ‌افزارهای هسته‌ای به‌کار خواهند رفت. به نظر می‌آید

نتیجه تفاوت چندان‌ی با اروپای بعد از جنگ جهانی دوم نخواهد داشت؛ حتی بسیار سنگین‌تر خواهد بود. هنگام مقایسه با رویدادهای مقطوع ده ساله‌ی اخیر، دهشت‌انگیزی رویدادهای احتمالی بهتر قابل درک خواهد بود. نظام هژمونیک در صورتی که به موجودیتش در منطقه ادامه دهد، نمی‌تواند به وضعیت کنونی بسنده کند. در پی آن برخورد آمد تا همانند هر نظام هژمونیک دیگری غلبه پیدا کند. این نیز مستلزم دست‌کشیدن ایران از نفوذ منطقه‌ای شیعه‌محور خویش و درپی‌گرفتن موضعی سربراه و مطیعانه همچون دوران شاهنشاهی است. قبول احتمالی این وضعیت از جانب رژیم ایران، با مرگ وی مساوی است. تمامی علائم نشان می‌دهند که ایران بر تلاش‌های نفوذجویانه‌ی خویش بر روی منطقه افزوده و آن را ادامه خواهد داد. وقوع یک مرحله‌ی نوین از «جنگ جهانی سوم»، نامحتمل نیست. وضعیت متوازن ناپایدار کنونی، به مدتی طولانی نمی‌تواند ادامه داشته باشد. در هر سه وضعیت نیز موقعیت گُردها از نظر جغرافیایی و موقعیت گُردها از نظر هم‌پیمانی، استراتژیک می‌باشد. در چنان وضعیتی هستند که تعیین خواهند کرد توازن له یا علیه کدام جناح خاتمه خواهد یافت. گُردها و گُردها برای تاریخی که از این پس خواهد آمد، می‌توانند تخته‌ی شطرنج قدیمی و نقش «مُره‌ی پیاده»ی خویش را به کناری بنهند و به موقعیت سوژِه درآیند. سیاست و هم‌پیمانی‌های داخلی و خارجی‌ای که در این زمینه در پیش گرفته شوند، نقشی تعیین‌کننده ایفا خواهند کرد. سهم آزمون «زندگی من در امرالی» را نمی‌توان در پیشبرد اینگونه‌ی پروسه‌ی مزبور کوچک شمرد؛ جهت نیروهای توطئه‌گر نظام و ترکیه به یقین منفی بوده و جهت نیروهای سازش‌جو نیز فرصت مهمی را ارائه داده است.

ب) اگرچه همبستگی میان ترکیه-ایران-سوریه بر مبنای گردستیزی تحقق می‌یابد، اما نتایج آن بسیار مهم خواهد بود. این همبستگی، مستقیماً مرتبط با زندانی‌نمودنم در امرالی صورت گرفت. بیهوده نیست که ادعای «تغییر محور دادن» ترکیه مطرح می‌شود. اگر قرار باشد ترکیه در چارچوب نظام هژمونیک غربی باقی بماند، نمی‌تواند وضعیت موجود را به مدتی طولانی ادامه دهد. انتظار ترکیه این است که در ازای امتیازاتی معین، بلوک همبستگی سه‌گانه را به نظام الحاق نماید که در این وضعیت خطراتی متوجه عاقبت اسرائیل خواهد شد. احتمال هم وجود ندارد که جنبش صهیونیستی این وضعیت را بپذیرد. برعکس، اسرائیل به‌عنوان مهم‌ترین متفق و هسته‌ی هژمونیک نظام در منطقه، ناچار است تا پیوسته نفوذ خویش را افزایش دهد. ناگزیر خواهد شد تا به‌طور قطع نفوذ فزاینده‌ی ایران، ترکیه و سوریه را متوقف نموده و واپس برآند. میان ترکیه، ایران و سوریه با اسرائیل یک کشمکش برقراری هژمونی منطقه‌ای جریان دارد که به‌نوعی نام‌گذاری نشده است. موقعیت اسرائیل ستیز ایران و سوریه بسیار معلوم و مشخص است. اما ورود ترکیه به این

دموکراتیک می‌تواند صورت بگیرد. البته اگر سنت توطئه‌گرانه و کودتاگری که بسیار ریشه‌دار است، به این امر اجازه دهد!

ج) آوردنم به امرالی، رویدادی بود که تحت مسئولیت مستقیم اتحادیه‌ی اروپا صورت گرفت. اولین کسی که هنگام آوردنم به امرالی با او رویارو شدم، یکی از مقامات شورای اتحادیه‌ی اروپا بود و این خود بیانگر واقعیت مذکور بود. در مورد من با ترکیه به یک سازش دست یافته بودند. در چارچوب این سازش و مسامحه، به ازای نامزدی ترکیه برای عضویت در اتحادیه‌ی اروپا، انجام تغییر در بسیاری از قوانین و به‌ویژه مجازات اعدام مقرر شده بود. این سازش و مسامحه از لحاظ دموکراتیزاسیون و حقوق بشر، راهگشای برخی پیشرفت‌های هرچند محدودی گردید. پس از اینکه هژمونی غرب تحویل‌دادم به ترکیه را پذیرفت، ترکیه به این سازش تن داد. مقصودم از اینکه به‌طور مستقیم با قضیه‌ی آوردنم به امرالی مرتبط می‌باشد، همین سازشی است که مدت‌هاست آشکار شده است. اتحادیه‌ی اروپا در ازای سازش، «تورپیست» اعلان‌کردن پ ک را نیز پذیرفته بود و این را وارد مرحله‌ی اجرایی نمود. می‌خواست خلأ به‌وجودآمده را از طریق آلت‌ناتیوی متشکل از اشخاص و گروه‌هایی که مدتی طولانی‌ست تغذیه‌شان نموده یا در پی استفاده از آنهاست، پُر کند. در این موضوع نیز همراه ترکیه و به‌ویژه با همکاری دولت سوئد، فعالیت‌های چندجانبه‌ای صورت گرفته بودند. بنا بر آن بود که جنبش‌گردها از جنبش‌های انقلابی، دموکراتیک و آزادی‌خواه مجرد گردانده شود و به‌شکلی یکطرفه در چارچوب دموکراتیزاسیون و توسعه‌ی حقوق بشر قرار داده شود. از رویدادهای بعدی درک شده بود که تدارکات فراوانی از این لحاظ صورت گرفته‌اند. تجربه‌ی تاریخی لیبرالیسم انگلیس و پیشنهادات احتمالی‌اش، در این زمینه مدنظر قرار داده می‌شدند. بعدها باهم از رویدادهایی که پیش آمدند فهمیدیم که در این موضوع با حزب عدالت و توسعه (آ ک پ) پیمانی برقرار نموده‌اند که چهره‌ی درونی آن چندان معلوم نیست.

ترکیه در چارچوب روابطی که با اتحادیه‌ی اروپا داشت، رویکردی مبتنی بر اهداف تاکتیکی در قبال دموکراتیزاسیون و حقوق بشر در پیش گرفته بود. در زمینه‌ی انجام اصلاحات و رفم، صادق نبود. حتی اصلاحاتی را نیز که برای او نیازی مطلق بودند، به موضوع چانه‌زنی و معامله تبدیل می‌نمود. به همین جهت نیروهای توطئه‌گر و کودتاگر را همانند چماقی در دست نگه می‌داشت تا به هنگام لزوم از آنها استفاده نماید. یک مادّه یا عنصر دیگر و مهم سازش این بود که هرچند قضیه‌ی بی‌تأثیر نمودنم از طریق توطئه بسیار آشکار بود، دادگاه حقوق بشر اروپا حکم صحیحی در این راستا صادر ننماید. انگلستان در این مورد نیز طلایه‌دار بود. قاضی انگلیسی عضو دادگاه حقوق بشر اروپا، جهت عدم صدور حکم صحیح، یعنی جهت آنکه اثبات کند پروسه‌ی ربودنم با حقوق بین‌المللی همخوان بوده است،

سازگاری کامل ترکیه با نظام، مستلزم سازش او با گردها و فاصله‌گیری‌اش از روابط خود با سوریه و ایران است. در صورتی که از نظام گسست یابد و در جستجوی محورهای نوینی بیفتد یا در پی ایجاد آن برآید، به‌طور قطع باید ریسک مواجه‌شدن با عملیاتی مشابه عملیات عراق را متقبل شود

موقعیت، هرچند با اهدافی متفاوت هم باشد، علی‌رغم اینکه مطابق خواسته‌شان نباشد نیز بر آتش منازعه‌ی هژمونیک در منطقه دامن خواهد زد. یعنی انتظارش به احتمال قوی، بالعکس نتیجه خواهد داد.

این وضعیت، بر سیاست داخلی تأثیر تدریجاً فزاینده‌ای خواهد داشت. برهم‌خوردن هم‌پیمانی نیروهایی که حزب عدالت و توسعه (آ ک پ) را وارد عرصه نمودند، و به‌جای آن تشکیل یک ائتلاف نوین نیروهای داخلی را می‌توان انتظار داشت. از این نظر رویدادهایی که در درون حزب جمهوری‌خواه خلق (ج ه پ) روی می‌دهند، قابل توجه می‌باشند. در زمینه‌ی مسئله‌ی گُرد که ترکیه را به سمت این موقعیت چالش‌انگیز سوق داده است، دقیقاً یک دوراهی پدیدار گشته است. ترکیه یا به حل مسئله‌ی گردهای خویش از راه دموکراتیک صلح‌آمیز و منسجمی راضی می‌شود که مضمون آن حداقل به روی خودگردانی دموکراتیک باز باشد؛ به‌طوری‌که: این وضعیت به معنای آن خواهد بود که به‌شکلی صادقانه و برنامه‌ریزی‌شده و در چارچوب شرایطی متفاوت، بازگشت دوباره‌ای به هم‌پیمانی دوران رهایی ملی صورت بگیرد؛ جمهوری‌ای که از طریق توطئه‌گری منحرف شده بود دوباره به رژیم می‌بدل خواهد شد که به روی دموکراسی و تکوین ملت دموکراتیک باز باشد. یا اینکه [به‌عنوان راه دوم] رفته‌رفته به‌شکل فزاینده‌ای به ایران و سوریه وابسته گشته و جایگاه بیشتری را به جنگ با گردها اختصاص خواهد داد. سوریه و ایران جنگ با گردها را افزایش نخواهند داد. سیاست‌های سنتی خویش را بیشتر به سمت طرفداری از سازش تغییر خواهند داد و بار جنگ را بر دوش ترکیه خواهند نهاد. اگر ترکیه همان‌گونه که تاکنون روی داده، با شدتی فزاینده‌تر در جنگ و درگیری‌های گُردستان شرکت نماید، به وضعیتی نامتفاوت از افغانستان و عراق و شاید هم هرچه بدتر از آنها درخواهد آمد. ترکیه مسیری که از طریق نظامی می‌تواند طی کند را مدت‌هاست طی کرده است. مرحله‌ی بعد از این تنها به نفع دیالوگ سیاسی و

بسیار پافشاری نموده و گفته‌هایش را نیز قبولانده بود. اتحادیه‌ی اروپا برای اینکه ترکیه را هرچه بیشتر به خویش وابسته نماید، به شیوه‌ی بسیار نامطلوبی «من، پ ک ک و جنبش آزادی خواهی گرد» را به کار بست. ترکیه نیز جهت سازش با اتحادیه‌ی اروپا، به همان شیوه‌ی نامطلوب «من، پ ک ک و جنبش آزادی خواهی گرد» را به کار بست. خواستند سیاستی مشابه سیاست‌های سنتی معطوف به گردها را در زمینه‌ی پاکسازی من و پ ک ک نیز اجرایی نمایند. هیچ کدام از احکام حقوق بورژوازی خودشان که له من بودند را صادقانه به اجرا نگذاشتند. دعاوی اعتراضی فراوانی در این زمینه وجود دارند که هنوز هم در دادگاه حقوق بشر اروپا ادامه دارند. هرچند ترکیه حتی حقوق خویش را در موارد مربوط به من آشکارا پایمال نموده است، هنوز هم کنجکاوانه انتظار می‌رود که دادگاه حقوق بشر اروپا در برابر این اوضاع چه برخوردی در پیش خواهد گرفت.

در سازش میان اروپا و ترکیه موضوعات دیگری نیز وجود دارند. ترکیه در ازای [سکوت در مقابل] رفتار نامقید و دلخواهانه‌اش در قبال من، پ ک ک و گردها، در خصوص حل مسائلی که با ارمنستان، قبرس و یونان دارد موضع امتیازدهنده‌ای اتخاذ نمود. جمهوری ترکیه در این مورد تعهداتی جدی داد. از سیاست سنتی عثمانی پیروی نمود. در ازای این، خواست تا طرف‌های ذربط بر فشارهای خود علیه پ ک ک بیافزایند، مانع از فعالیت آزادانه‌ی آن گردند و محافلی که در سطح محدودی یاری‌رسان بودند نیز از این کار دست بکشند. در این زمینه، دوازده سال است که سیاست‌های دفع‌الوقت و معطل‌کننده اجرا گردیدند. ترکیه تصور نموده بود که بدین‌گونه من کاملا از پای درخواهم آمد، پ ک ک ازهم می‌باشد و گردها نیز دچار شکست و زیان خواهند شد. (د) ترکیه همچنین دارای برخی سیاست‌های معطوف به امرالی است که به‌تنهایی آن‌ها را اجرا می‌نماید. باید این‌ها را سیاست‌های ملی مربوط به امرالی نامید. ترکیه، آوردنم به امرالی را همانند دومین پیروزی ساکاریا می‌شمرد. به‌ویژه قشر توطئه‌گر- کودتاگر، پاکسازی من و پ ک ک را همچون «دومین جنگ یونان، که [این‌بار] در شرق [ترکیه] روی داده» به‌اسطوره تبدیل نموده بود. خصوصیات گردها که در تاریخ هزار ساله‌ی ترک‌ها نقشی بسیار قطعی و تعیین‌کننده ایفا نموده بودند را فراموش کرده و آن‌ها را در موقعیت دشمنانی خطرناک‌تر از ارمنی‌ها و یونانیان جای داده بود. زیرا به‌زعم خویش در آستانه‌ی آن بودند تا جنگی را که یک ربع قرن به پیش برده بودند، با «پیروزی» به انتها برسانند. آوردنم به جزیره را با حال‌وهوای یک پیروزی ملی، تا مغز استخوان‌شان جشن گرفتند. هنگامی که مرا به جزیره آوردند، به بازجویان گفتم: شما مرا دستگیر نکردید، توان این را نیز ندارید. با توطئه‌ای مرا به شما تحویل دادند که در طولانی‌مدت بسیار به ضرر شما خواهد بود! بازجویان خونسرد و عقلانی برخورد می‌نمودند. اما موج شوونیستی‌ای که طی سی

اتحادیه‌ی اروپا برای اینکه ترکیه را هرچه بیشتر به خویش وابسته نماید، به شیوه‌ی بسیار نامطلوبی «من، پ ک ک و جنبش آزادی خواهی گرد» را به کار بست. ترکیه نیز جهت سازش با اتحادیه‌ی اروپا، به همان شیوه‌ی نامطلوب «من، پ ک ک و جنبش آزادی خواهی گرد» را به کار بست

سال اخیر پدید آمده بود، همگان را بیش از حد به‌سوی گریز از اتخاذ موضعی عقلانی سوق داده بود. من برای اینکه آن‌ها از قضیه‌ی مزبور به‌عنوان یک فرصت صلح بهره‌برند، موضعی بسیار اعتدالی در پیش گرفتم. به‌نظرم بعد از جلسات بسیاری که در میان خویش برگزار نمودند، به خویش باورانده بودند که من در حال به‌زانو درآمدن و تسلیم‌شدن هستم، پ ک ک نیز در حال ازهم‌پاشیدن است، یک فروپاشی خودبه‌خودی احتمالی قوی می‌باشد و بدین ترتیب به پایان بیست و نهمین شورش گردها رسیده‌اند. همچنین با موضع بسیار منفی حزب جنبش ملی‌گرا(ام‌ه‌پ) که یکی از اعضای ائتلاف بود، اتمسفر به نفع صلح و چاره‌یابی دموکراتیک شکل نگرفت. به این امر فرصت ندادند.

سه‌گانه‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا- انگلستان- اسرائیل نیز این را نمی‌خواست. پیش‌تر نیز مواضع بازدارنده‌ی مشابه بسیاری مطرح بودند. سیاست «خرگوش بدو، تازی بگیر» تحمیلی بر ترکیه را با موفقیت ادامه می‌دادند. مسئولان «سیاست ملی مربوط به امرالی» به‌خوبی به خویش باورانده بودند که با دستگیری شخص من، این‌بار خرگوش دیگر توان گریز ندارد و به فروپاشی‌های خودبه‌خودی در جنبش امیدوار گشته بودند. اگر به میل نخست‌وزیر وقت بولنت اجویت می‌بود، شاید هم مانع از راه‌حلی صلح‌آمیز می‌شد اما به‌گمانم این فرصت را به او ندادند. زیرا پس از آن قضیه، نوبت به برنامه‌ی اشغال عراق می‌رسید. از دید نیروهایی که بولنت اجویت را سرنگون کرده و حزب عدالت و توسعه (آ ک پ) را آماده نمودند، صلح و راه‌حل دموکراتیک، خیالی خام بود. به‌ویژه وقتی پای موضوعی همچون اشغال عراق در میان بود، محکوم‌ماندن من در مقطع اشغال مزبور و بعد از آن، یک اجبار بود. به‌نظرم نیروهای گرد عراقی نیز انتظاری مشابه داشتند. در و تخته خوب به هم جور شده بودند!



فواد بریتان:

کودار فقط به افق پیروزی خیره است

در مصاحبه‌ی مجله آلترناتیو با رفیق "فواد بریتان" ریاست مشترک کودار در مورد تغییر و تحولاتی که در سال ۲۰۲۳ در ایران و شرق کوردستان، سیاست‌های رژیم در سرکوب خلق‌ها و نقش کودار در انقلاب "زن، زندگی، آزاد" در سالی که گذشت و برنامه‌های کودار در سال آینده در قبال ایران را مورد ارزیابی قرار داده‌ایم.

فواد بریتان در رابطه با تحولات یک سال گذشته، این چنین استدلال کرد؛ سال ۲۰۲۳ سال گسترده‌ترین تهاجم نظام فاشیست ایران به تمامی اقشار جامعه خصوصاً زنان و خلق‌های تحت ستم بود. افزایش شمار اعدام‌ها در این سال حکایت از جنگ همه‌جانبه رژیم در همه عرصه‌ها خصوصاً زندان علیه آگاهان و آزادیخواهان جامعه دارد. جامعه و خلق‌ها یک جنبش اجتماعی انقلابی علیه رژیم آغاز کرده‌اند که یک دوره از خیزش‌های خیابانی را تجربه کرد و بسیاری مسایل را شفاف ساخت. رژیم فقط برای بقای خود به جنگ و خشونت و اعدام دست می‌زند که یک بعد آن داخلی و بعد دیگر آن بین‌المللی است. ترس از بقا، حاکمان نظام و بخش تندرو آن را دچار جنون ساخته است. سیاست‌های خالص‌سازی و یکدست‌سازی را به این خاطر آغاز کرده‌اند چون از اقلیت بودن خود در میان جامعه هراس دارند. خیال‌واهی است اگر گفته شود که جنبش خلق‌های ایران پس از فروکش کردن خیزش‌های خیابانی، کاملاً سرکوب شده و به محاق رفته است.

در خصوص انقلاب زن، زندگی، آزادی فواد بریتان اینچنین می‌گوید؛ وقتی جنبش انقلابی «ژن، ژبان، آزادی» شروع شد و ماهها در بطن خیابان ادامه یافت و پس از آن در بطن اجتماع رویه‌ای هرچند نامنظم اما خاص برای تحولات ذهنیتی و فرهنگی به خود گرفت، ما بسیار خوشحال شدیم. روحیه گرفتیم. زیرا بالاخره چیزی که انتظار داشتیم در جامعه جرقه زد و شروع شد.

ریاست مشترک کودار، فواد بریتان در خصوص عملکرد کودار نیز چنین می‌گوید؛ اولین حرکت‌های برحق کودار در شرق کردستان، «جنبش آگاهی‌بخشی» نام دارد که به دنبال آن، «جنبش سازماندهی» و «قیام» را با خود به ارمغان خواهد آورد. در همه این جنبش‌ها هم دستاوردهایی حاصل شده هم ضعف‌هایی وجود دارد و هم موانع بسیارند. کودار فقط به افق پیروزی خیره است لذا موانع برایش بازدارنده نیستند.

متن کامل مصاحبه:

* رژیم ایران در سال ۲۰۲۳ در مقابل نارضایتی‌های خلق‌ها از سیاست خشونت‌بار بهره‌جست، این سیاست‌ها در بقای رژیم و ادامه سیاست‌های سرکوبگرانه او علیه خلق‌ها چه تأثیری داشته است؟

- سال ۲۰۲۳ سال گسترده‌ترین تهاجم نظام فاشیست ایران به تمامی اقشار جامعه خصوصاً زنان و خلق‌های تحت ستم بود. به دنبال فروکش کردن خیزش‌های انقلابی در زنجیره جنبش انقلابی «ژن، ژیان، آزادی» فاشیسم ایران این تهاجمات گسترده را آغاز نمود و بیشترین خشونت‌ها علیه زنان و زندانیان سیاسی صورت گرفت. افزایش شمار اعدام‌ها در این سال حکایت از جنگ همه‌جانبه رژیم در همه عرصه‌ها خصوصاً زندان علیه آگاهان و آزادیخواهان جامعه دارد. جامعه و خلق‌ها یک جنبش اجتماعی انقلابی علیه رژیم آغاز کرده‌اند که یک دوره از خیزش‌های خیابانی را تجربه کرد و بسیاری مسایل را شفاف ساخت. امروز این جنبش اگرچه در خیابان رنگ عوض کرده و بصورت تجمعات اعتراضی اقشار و اصناف ادامه دارد و جامعه در حال تهرین ذهنیتی است، ولی نه تنها پایان نیافته، بلکه خواست و اراده جامعه برای تحول بنیادین و ساختارین در ایران اتفاقاً افزایش هم یافته است. رژیم هم در مقابل جنبش اجتماعی انقلابی یک دوره سرکوب را آغاز نموده ولی هنوز به نتایج قطعی و شکست جامعه دست نیافته و خیالش راحت نیست. خیال واهی است اگر گفته شود که جنبش خلق‌های ایران پس از فروکش کردن خیزش‌های خیابانی، کاملاً سرکوب شده و به محاق رفته است. جامعه هیچگاه به محاق نمی‌رود و این خصلت آن است. یک جامعه فقط با نسل‌کشی کامل به محاق می‌رود.

بنابراین رژیم فقط برای بقای خود به جنگ و خشونت و اعدام دست می‌زند که یک بعد آن داخلی و بعد دیگر آن بین‌المللی است. ترس از بقا، حاکمان نظام و بخش تندرو آن را دچار جنون ساخته است. سیاست‌های خالص‌سازی و یکدست‌سازی را به این خاطر آغاز کرده‌اند چون از اقلیت بودن خود در میان جامعه هراس دارند. این خالص‌سازی نمی‌تواند اکثریت را حذف کند سرکوب می‌کند، خشونت به خرج می‌دهد ولی قادر نیست بطور کامل همه بخش‌های جامعه را تحت انقیاد درآورد. نشدنی است. پس

سال ۲۰۲۳ سال گسترده‌ترین تهاجم نظام فاشیست ایران به تمامی اقشار جامعه خصوصاً زنان و خلق‌های تحت ستم بود

بقایش همیشه درخطر است. اولین کسی که بقای رژیم را به خطر انداخته اتفاقاً رفتار و عملکرد و ذهنیت بخش تندرو و افراطی آن است. آنها از هرگونه تغییری در راستای حتی رفتار نرم رژیم با اقشار جامعه هم جلوگیری می‌کنند. این شیوه افراطی به دلیل زیان بسیار زیاد به توده‌های جامعه، با واکنش شدید روبرو می‌شود و بالاخره موجودیت این نظام را به باد خواهد داد. این واکنش اجتماعی همان حقیقت جنبش انقلابی است که آغاز شده. دیگر بازگشتی در کار نیست. بالاخره جامعه در برابر رژیم به پیروزی دست خواهد یافت. دیر یا زود این تحول تاریخی رخ خواهد داد. وقتی جامعه در حد قابل انتظاری از رژیم روی برگرداند، این رژیم دیگر مشروعیت کافی برای بقا ندارد. همه اپوزیسیون به این خواست و اراده جامعه تکیه می‌کنند، لذا بقای رژیم حفظ نشده، اصل نظام قادر به رفع خطر بقای خود نیست چون مردم تصمیم به تغییر و تحول گرفته‌اند. وقتی جامعه با جنبش انقلابی حکم نهایی را برای آینده نزدیک ایران صادر کرده، پس عدول از آن دیگر غیرممکن است. هم‌اکنون داریم یک دوره انقلاب ذهنیتی شگفت‌انگیز را تجربه می‌کنیم و جامعه بشدت عوض شده است. همین تحول برای ما، کودار خوشحال کننده است.

* نقش کودار در سال گذشته خصوصاً در چارچوب انقلاب «ژن، ژیان، آزادی» را چگونه ارزیابی می‌کنید و دستاوردهای کودار در سال گذشته برای خلق چه بودند؟ کار و فعالیت‌هایی کودار در سال گذشته تا چه حد توانست بر

ارزشمندترین دستاورد جنبش انقلابی ژن، ژیان، آزادی این است که جامعه را در مسیر تحول قرار داده و همه باید مدام روی آن بیاندیشند و بر آن تمرکز کنند. دیگر بعد از آغاز این جنبش، به همه یک وظیفه سپرده شده است



تحولات جامعه شرق کردستان و ایران تأثیر بگذارد؟

- وقتی جنبش انقلابی «ژن، ژیان، آزادی» شروع شد و ماهها در بطن خیابان ادامه یافت و پس از آن در بطن اجتماع رویه‌ای هرچند نامنظم اما خاص برای تحولات ذهنیتی و فرهنگی به خود گرفت، ما بسیار خوشحال شدیم. روحیه گرفتیم. زیرا بالاخره چیزی که انتظار داشتیم در جامعه جرقه زد و شروع شد. آن چیز، شروع تحولات زنجیره‌ای و پرباعاد جامعه در همه حوزه‌ها است. مزنه دست ما آمد که جامعه چه می‌خواهد، چگونه عمل خواهد کرد، تا چه اندازه می‌توان بدان تکیه کرد و چه توانایی در ایجاد تغییر و تحول دمکراتیک دارد. همه اینها روحیه عجیبی به ما، کودار داده است. می‌دانیم که کودار سیستم خاص جامعه برای مدیریت دمکراتیک و آزاد خارج از هرگونه انقیاد کانون‌های سلطه و ستم است. این سیستم تاکنون در خاورمیانه تجربه نشده. در سال جاری هم دیدیم که در سایه خیزش‌های خلق‌محور، زمینه‌های این سیستم هموار شده است. شاید بطور کامل درک نشده، اما جامعه در حال تمرین برای پذیرش آن است.

کودار هم به سهم خود در جنبش انقلابی «ژن، ژیان، آزادی» سهیم شد. بر جامعه و آگاه‌سازی آن تمرکز کرد. سعی کرد تا جایی که توان دارد و وظیفه او است، در جنبش بیداری یدی داشته باشد. در بسیاری حوزه‌ها به نتایج خوبی رسیدیم و در بسیاری جاها هم هنوز ضعف‌هایی وجود دارد که با توجه به موانع موجود، نیازمند مبارزه بیشتر است. راهمان در این جنبش انقلابی بسیار دشوار است اما پر از

شور و شغف و روحیه انقلابی می‌باشد. نبض میزان قدرت جامعه در جریان جنبش دستمان آمده. دیگر راهمان روشن شده و افق دیدمان وسیع گشته. این را جامعه به ما هدیه داده. ما هم در خدمت جامعه هستیم و تا آخرین نفس مبارزه خواهیم کرد.

ارزشمندترین دستاورد جنبش انقلابی ژن، ژیان، آزادی این است که جامعه را در مسیر تحول قرار داده و همه باید مدام روی آن بیاندیشند و بر آن تمرکز کنند. دیگر بعد از آغاز این جنبش، به همه یک وظیفه سپرده شده است. این جنبش همراه شده با افزایش جنگ جهانی سوم بصورت پراکنده در منطقه خاورمیانه. پس مشخص است که در کوران این جنگ، ایران هم گرفتار تلاطم‌هایی می‌شود. در این خروش منطقه خاورمیانه، جامعه ایران هم جنبش انقلابی خود را به جستجو برای یافتن نیروی اپوزیسیون پیشاهنگ و راهبر واداشته است. در واقع این جنبش در انتظار یافتن فرماندهان و راهبران و پیشاهنگان خود است تا به اوج برسد. اتفاقاً ضعف اپوزیسیون ایرانی در این است که قادر به پاسخگویی به این خواست جامعه و جنبش نیست. در شرق کردستان اما قضیه فرق می‌کند. وضعیت در هر دو فوق‌العاده است. همه چیز در حالت اضطراری قرار گرفته پس بدنبال فروکش کردن خیزش‌های خیابانی، جنبش فروکش نکرده. جامعه در حال غلیان است و جنب‌وجوش اقشار و توده‌ها شغف‌آور است. روزانه چندین اعتراض دمکراتیک اقشار و اصناف شکل می‌گیرد. کارگران، بازنشستگان، زنان، زندانیان سیاسی، هنرمندان و روشنفکران از حوزه نقد گرفته تا اعلام

موضع رادیکال فعالان و اقشار و اصناف، خواست جامعه برای تحول را می‌بینیم. پس نمی‌شود در خاورمیانه گرفتار جنگ جهانی سوم، ایرانی را تصور کنیم که نسبت به تحولات ساختاری خویش و جنبش خود بی‌تفاوت باشد. اتفاقاً جنبش اجتماعی و انقلابی کنونی خلق‌های ایران تحت شعار ژن، ژیان، آزادی چندلایه است. یک لایه در حوزه رسانه، یک لایه در حوزه روشنفکری، یک لایه در حوزه محیط‌زیست و نیز در حوزه‌های هنر، اصناف، اقشار، زنان، جوانان، دانشگاه و غیره بخوبی دیده می‌شوند. بنابراین غیرممکن است که یک الیت تندرو و افراطی در مرکز نظام حاکم قادر به جدال علیه چنین جامعه‌ای باشد. به همین دلیل است که خشونت و سرکوب و اعدام از سوی زمامداران افزایش یافته است.

همه آنچه بر زبان راندم نشان می‌دهد که در شرق کردستان جای پای کودار هم مستحکم است. اتفاقاً سالها سازماندهی خلق و گسترش جنبش آگاهی‌بخش و آزادیخواه کودار بالاخره نتایج امیدوار کننده دربرداشته. اینکه اولین افرادی که شعار «ژن، ژیان، آزادی» را سردادند متأثر از یک سازمان، جنبش شرق کردستان و یک اندیشه و فلسفه و پارادایم و یک ایدئولوژی رهایی‌بخش آن را اخذ نموده و آن را در بطن خیابان جسورانه فریاد زد، همان نتیجه‌بخشی است که بحث می‌کنم. اولین حرکت‌های برحق کودار در شرق کردستان، «جنبش آگاهی‌بخشی» نام دارد که به دنبال آن، «جنبش سازماندهی» و «قیام» را با خود به ارمغان خواهد آورد. در همه این جنبش‌ها هم دستاوردهایی حاصل شده هم ضعف‌هایی وجود دارد و هم موانع بسیارند. کودار فقط به افق پیروزی خیره است لذا موانع برایش بازدارنده نیستند. هنوز زود است که بگوییم کودار در شرق کردستان به چه چیزهایی خواهد رسید، زیرا مطابق برنامه‌هایش بر سازماندهی خلق تمرکز دارد. افت‌وخیزهای کودار هم به افت‌وخیزهای جامعه تحول‌خواه در درون جنبش انقلابی گره‌خورده است. کودار یک سیستم خاص جامعه است که همراه با آن بسوی اوج خیز برمی‌دارد و یا با فرازو نشیب‌ها روبرو می‌شود. اینکه بطور کامل نتوانسته‌ایم از فرصت جنبش انقلابی ژن، ژیان، آزادی برای سازماندهی خلق استفاده کنیم، صادقانه جای بسی خودانتقادی است. ما اگر می‌گوییم در پیشگاه خلقمان راستگو و شفاف هستیم، پس این خودانتقادی را با خلوص نیت انجام داده‌ایم. ما جنبش انتقاد و خودانتقادی هستیم، چون بزرگمان می‌کند و رشد می‌کنیم. در قبال جنبش ژن، ژیان، آزادی هم باید اینگونه

باشیم. دستاوردهایی حاصل کرده‌ایم ولی ضعف‌هایی هم داشته‌ایم. همین‌که این ضعف‌ها در حیطه استراتژیک و برنامه نیست، جای بسی رضایت است برای ما. پس باید از این پس ضعف‌هایمان در حیطه تاکتیک و نحوه عملکرد را برطرف سازیم. خلقمان نیز تاکنون چنین انتظاری از ما نداشته. اصل موجودیت ما بر صداقت و راستی در پیشگاه خلقمان است. دستاورد و ضعف هم بصورت دیالکتیک و توأمان فراروی هر جنبش آزادیخواهی وجود دارد، پس مهم رفع ضعف‌ها و ارتقای دستاوردها است.

* نقایص کودار در کار و فعالیت‌های سال ۲۰۲۳ چه بود و برنامه‌های کودار برای سال ۲۰۲۴ در زمینه‌های سیاسی و سازماندهی دارای چه محتوایی است؟

- در سال ۲۰۲۳ کودار با همه بخش‌های عضو خود یعنی پژاک، نیروی مدافع شرق کردستان (ی.ر.ک)، «نیروی مدافع زنان شرق کردستان (ه.پ.ژ)، جمعیت جوانان و نیز «جامعه زنان آزاد شرق کردستان (کژار) یک سال فینال را پشت سر گذاشت. در کنار جنبش ژن، ژیان، آزادی که در این سال ادامه یافت و انتظاراتی از کودار می‌رفت، حملات دشمن به مواضع نیروی گریلا، ستون دیگر جنبش آزادیخواهی کردستان، یک بعد مهم دیگر قضیه برای کودار بود. لازم بود کودار با تمامی سازمان‌ها و احزاب عضو خود این سال را در مقابل سیاست‌ها و جنگ نسل‌کشانه دشمن پست سر بگذرانند. با وجود حملات همه‌جانبه دشمن اما امروز ما کودار برسرپاییم و این سال به تنهایی یک فینال محسوب می‌شود که پشت‌سر گذاشتیم. دشمن خواست ما را کاملاً نابود کند، اما شاید حملاتی انجام داد و رفقایی از گریلا شهید شدند، ولی مقتدرانه پابرجاییم و حتی به پیشرفت‌هایی هم رسیده‌ایم.

بالاخره در این سال هم جنبش انقلابی ژن، ژیان، آزادی دستاوردهای داشت و تحولاتی حاصل نمود، هم نیروی گریلای شرق کردستان توانست مواضع خود را حفظ و به تحکیم پایگاه‌ها و موقعیت‌های خود دست زد. این برای خلقمان در شرق کردستان علی‌رغم حملات شدید دشمن، توطئه‌ها، سرکوب‌ها و خشونت‌ها، یک دستاورد ارزشمند است. درست است که در حوزه‌های نظامی، سازماندهی خلق در شهر و روستا، در حوزه‌های زنان و جوانان و غیره ضعف‌هایی وجود دارد و موانع دشمن بی‌رحمانه است، ما با وجود اینها، حفظ ایستار مستحکم کودار در شرق کردستان

سازماندهی خلق در یک بعد متمرکز کرده و در بعد دیگر بر رشد سازمانی و تکوین حزبی احزاب و سازمان‌های عضو خود از پزاک گرفته تا کژار و نیروی نظامی ی.ر.ک، اصرار دارد و با برنامه پیش می‌رود. وقتی آن نیروها یک گام بیشتر به جلو برداشته‌اند و پایگاه مبارزه گریلا قوی‌تر شده، این یک ارزش برای خلقمان است. کودار یک سیستم خلقی است و بر سازماندهی خلق کاملاً متمرکز کرده. می‌کوشد بر ضعف‌ها و نقایص فائق آید و در سال آینده مطابق نیازهای شرق کردستان و اوضاع و احوال ایران و خاورمیانه گام‌برداری و سیاست‌ها و برنامه‌های دیپلماتیک، گریلایی و اتحاد اینها را متفاوت‌تر تنظیم کند و پیشبرد دهد. یک وظیفه اصلی ما مطابق برنامه، پاسخگوبودن به خلقمان و سازماندهی خلق محور در چارچوب نیازهای جنبش انقلابی ژن، ژیان، آزادی است.

امیدوارکننده است. شاید از خیلی فرصت‌ها بخوبی استفاده نکرده‌ایم و موانع زیاد بود، اما مهم خودانتقادی نسبت به آن و گسترش مبارزه برای امروز و آینده است. خواست کودار در این زمینه هم از سوی دشمن قابل مهار نیست. هم خلق و هم گریلا چنین تصمیمی گرفته‌اند لذا مهار ما غیرممکن است.

رفتار و عمل و سیاست ما در سالی که گذشت موجب مهار دشمن شد و متفاوت از همه احزاب شرق کردستان عمل کردیم. چون خط و نیروی ما متفاوت است. حتی ما در میان اپوزیسیون شرق کردستان موجب برداشتن گام‌هایی در راستای همگرایی احزاب و نیروها شدیم. همه اینها بی‌جهت و بدون عامل روی نداده و برنامه‌های آینده کودار را تعیین می‌کنند. کودار برنامه‌هایش را از پیش تعیین کرده و بر

رفتار و عمل و سیاست ما در سالی که گذشت موجب مهار دشمن شد و متفاوت از همه احزاب شرق کردستان عمل کردیم. چون خط و نیروی ما متفاوت است. حتی ما در میان اپوزیسیون شرق کردستان موجب برداشتن گام‌هایی در راستای همگرایی احزاب و نیروها شدیم. همه اینها بی‌جهت و بدون عامل روی نداده و برنامه‌های آینده کودار را تعیین می‌کنند.



زینب جلالیان سمبل مبارزه، مقاومت و همزیستی خلق‌هاست

مصاحبه‌ای ویژه با
آمد شاهو



متن کامل مصاحبه:

**چرا به دست دولت ترکیه علیه نیروهای پژاک و یگان‌های
مدافع شرق کوردستان حملات پی‌درپی صورت می‌گیرد؟**

* اکنون جنگی همه‌جانبه در کوردستان جریان دارد و حملات پی‌درپی علیه مناطق حفاظتی میدیا و همچنین در این چند ماه اخیر حملات پهبادهای دولت فاشسیت ترکیه در منطقه‌ی آسوس و پنجوین افزایش یافته است شما این مسئله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- این جنگ با پیشاهنگی فاشیسم آکپ و م‌هپ اجرا می‌شود و در پشت سر آنان قدرت‌هایی از جمله آمریکا، ناتو، اتحادیه‌ی اروپا قرار گرفته‌اند و با پشتیبانی این نیروهاست که امروزه در کوردستان جنگی بدون وقفه و ناعادلانه وجود دارد که در جریان آن افراد مدنی

مجله‌ی آلترناتیو مصاحبه‌ای ویژه با آمد شاهو - عضو مجلس پژاک انجام داده است. در این مصاحبه شاهو سیاست نسلكشی علیه خلق كورد، تداوم توطئه بین‌المللی، كارزار آزادی جسمانی رهبر آپو و حل مسئله كورد، كارزارهای بلوط كاری در شرق كوردستان و وضعیت انقلاب زن زندگی آزادی و چرایی تشدید سیاست اعدام و زن‌ستیزی، فشار علیه زندانیان سیاسی بخصوص علیه زنان كورد و انتخابات آتی موجود در ایران را مورد ارزیابی قرار داده است.

آمد شاهو در خصوص حملات اخیر ترکیه علیه نیروهای شرق کوردستان بیان می‌دارد: «پژاک امروز بعنوان یک نیروی مستقل علیه نظام اشغالگر ایران مبارزه می‌کند، اما چرا آمریکا و ترکیه از ایران حمایت می‌کنند؟ نقش ایران و آمریکا و بخشی از احزاب کوردی در این وسط چه می‌باشد؟ ترکیه با این حملاتش چه نفعی می‌برد؟ چرا به دست دولت ترکیه علیه نیروهای پژاک و یگان‌های مدافع شرق کوردستان حملات پی‌درپی صورت می‌گیرد؟». جامعه‌ای که چقدر از نیروی سازماندهی برخوردار باشد، زوتر به آزادی خواهد رسید. برای همین خلق کورد در شرق کوردستان آزادی خویش را در آزادی جسمانی رهبر آپو می‌بیند و در این خصوص فعالیت‌های خویش را گسترش داده و دامنه‌دارتر خواهد کرد».

خزانه‌داری آمریکا که پژاک را در لیست سیاه خود قرار داد، دارد؟ همچنین چه ارتباطی با سیاست اعمال‌شده‌ی امرالی دارد؟ آیا این سیاست و نگرش با سیاست آمریکا علیه ایران در منافات نمی‌باشد؟ یعنی آمریکا از سیاست یک بام و دو هوا پیروی نمی‌کند؟

علیرغم اینها شعار انقلاب زن در ایران یک حقیقت را برملا ساخت که پارادایمی که امروز پژاک برای بر ساخت آن مبارزه می‌نماید به چراغ روشنایی انقلاب زن زندگی آزادی مبدل گردید و پژاک بعنوان پیشگام این انقلاب در تاریخ نوین مبارزات آزادیخواهی در ایران جای گرفت. با این حال چگونه امکان دارد که امروزه آمریکا همراه ترکیه و ایران، پژاک و جنبش آزادیخواهی خلق‌کورد را مورد هدف قرار دهند و در یک جبهه مشترک قرار گیرند و در قبال این حملات سکوت اختیار کنند؟ برای همین چنین عملکردی غیر از تداوم توطئه‌ی بین‌المللی و نسلکشی خلق‌کورد و مشارکت در این سیاست معنا و تعریفی جداگانه در بر نخواهد داشت و پژاک هم برای برملاسازی و خنثی‌سازی این سیاست منفعت‌جویانه و دوپهلوی به مبارزات دمکراتیک خویش ادامه خواهد داد.

توقف جنگ در منطقه به تغییر سیاست در امرالی بستگی دارد

* شما اشاره به تداوم توطئه‌ی بین‌المللی علیه خلق‌کورد کردید، در حال حاضر در سطح جهانی کارزار آزادی جسمانی برای رهبر آپو و چاره‌یابی حل مسئله‌ی کورد شروع شده است، به نظر شما این کارزار چه نقشی در خنثی‌سازی این توطئه ایفا خواهد کرد؟

- کارزار آزادی جسمانی رهبر آپو و حل مسئله‌ی کورد در ۱۰ اکتبر با پیشاهنگی افراد آزادیخواه بیشماری در سطح جهان آغاز گردید و با شور و شوق بزرگی ادامه دارد. یعنی مسئله‌ی کورد امروز دیگر به یک مسئله‌ی جهانی مبدل شده است. بدین خاطر تنها با یک کارزار بین‌المللی می‌توان این توطئه‌ی بین‌المللی را خنثی ساخت. برای همین امروز آغاز این کارزار جهانی که به ویژه از سوی کسانی که دارای افکار دموکراتیک و دیدگاه‌های موثری هستند و به اتحاد خلق‌ها و زندگی مسالمت‌آمیز اعتقاد دارند، کارزاری تاریخی و نایاب می‌باشد. برای همین ما این کارزار را مهم و بعنوان یک رویداد بزرگ تاریخی ارزیابی می‌کنیم. چون چنین

قربانی این حملات می‌شوند و همچنین منابع زمینی و زیر زمینی کوردستان مورد هدف این حملات قرار می‌گیرند. از سوی دیگر موج بازداشت‌ها و شکنجه‌ها و تهدیدهای پی‌درپی در حال افزایش است. این حملات هم در چارچوب نسلکشی کوردها به اجرا در آمده است. واضح‌تر بگویم یک توطئه‌ی بین‌المللی علیه کوردها در جریان است. اما این توطئه و طرح نسلکشی علیه خلق‌کورد به دلیل این که به نتیجه مطلوب این دولت‌ها نرسیده، به مهب‌های ممنوعه و جنگنده‌ها روی آورده‌اند. برای همین پهبادهای بدون وقفه بر آسمان کوردستان در حال پرواز هستند و روزانه شهرها و مناطق کوهستانی را بمباران می‌کنند و علیه این حملات هم سکوتی فراگیر وجود دارد و این سکوت هم شعله‌های این جنگ را فروزانتر کرده و به خطری جدی در منطقه مبدل شده‌اند.

برای همین امروز مناطق آسوس و پنجوین هم به بخش نوینی از این جنگ مبدل شده. البته حملات مداوم در این مناطق بدون مشارکت مستقیم یا غیر مستقیم آمریکا و نظام اشغالگر ایران غیرممکن است. گمانه‌زنی‌ها در اینجاست که چرا در این مرحله چنین سیاستی بر این مناطق اجرا می‌گردد و به دست دولت ترکیه علیه نیروهای پژاک و یگان‌های مدافع شرق کوردستان حملات پی‌درپی صورت می‌گیرد؟ ترکیه با این حملاتش چه نفعی می‌برد؟ نقش ایران و آمریکا و بخشی از احزاب کوردی در این وسط چه می‌باشد؟ پژاک که امروز بعنوان یک نیرویی مستقل علیه نظام اشغالگر ایران مبارزه می‌کند، اما چرا آمریکا و ترکیه از ایران حمایت می‌کنند؟ البته در وهله‌ی اول این حملات، مجزا از توطئه‌ی بین‌المللی علیه خلق‌کورد نیست. دوم؛ با سیاست نسلکشی کوردها ارتباط دارد. سوم؛ با انقلاب زن زندگی آزادی در ارتباط است. برای همین با دومین سال از این انقلاب شاهد افزایش فشار رژیم ایران بر اپوزیسیون ایرانی و کوردی بودیم و همچنین حملات دولت فاشیستی ترکیه علیه باکور و روژه‌لات سوریه و جنوب کوردستان تشدید یافته و دولت‌های موجود در قبال این اعمال سکوت اختیار کرده‌اند. در عین حال جای سوال و فهم این مسئله است که چرا ناتو، آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا از این سیاست کوردستیزی و زن‌کشی دولت ترکیه و ایران حمایت می‌کنند؟! آمریکا و ایران چه سهمی در بمباران‌های مناطق پنجوین و آسوس دارند؟ این مسئله چه ارتباط با تصمیم سال ۲۰۰۹ وزارت

کارزاری توانایی خنثی‌سازی توطئه بین‌المللی علیه خلق کورد را دارد و صفحه‌ی نوینی از حل مسئله‌ی کورد را به ارمغان خواهد آورد. از جهتی دیگر کارزار می‌تواند به اتحادیه اروپا، آمریکا و دولت فاشیست ترکیه و هم پیمان‌هایش فشار وارد کند، تا ابتدا انزوای تحمیلی بر رهبر آپو از میان برداشته شود و حصر ایشان در هم شکسته شود. دوماً؛ وکلا و خانواده‌ی رهبر آپو بتوانند با رهبر آپو ملاقات داشته باشند. سوماً؛ شرایط آزادی فیزیکی رهبر آپو میسر گردد و فرصت حل مسئله‌ی کورد فراهم شود. البته چنین مطالباتی تنها از طریق سازماندهی گسترده‌ی خلق‌ها میسر خواهد شد. این هم در منطقه فرصت گسترش صلح و توسعه‌ی آزادی و دمکراسی را فراهم خواهد کرد.

به نظر من توقف جنگ در منطقه بستگی به تغییر سیاستی دارد که علیه رهبر آپو بر سیستم امرالی تحمیل می‌گردد. یعنی تا چه حدی انزوا در امرالی سنگین‌تر شود، به همان اندازه میزان آتش جنگ در منطقه شعله‌ورتر می‌گردد. گسترش جنگ هم به معنای نابودی صلح، عدالت و آزادی است. اما رهبر آپو مبارزه‌ی خستگی‌ناپذیر برای حل مسئله‌ی کورد، دمکراسی و آزادی به انجام رساندند و در این راه هم مبارزه می‌کنند. برای همین تمامی آحاد جامعه بر این عقیده‌اند که آزادی رهبر آپو کلید راه‌گشای تمام مسائل و مشکلات گره خورده‌ی منطقه می‌باشد. به همین دلیل در ۱۰ اکتبر کارزاری جهانی آغاز گردید که در واقع کارزاری انسانی، وجدانی و اخلاقی می‌باشد که از یک ذهنیت دمکراتیک و آزادخواه برخوردار می‌باشد. لازم است شگفتی‌های این کارزار را خوب ببینیم که در ادامه‌ی این کارزار در ۱۰ دسامبر که مصادف با روز جهانی حقوق بشر بود، در سطح جهانی یک کمپین بین‌المللی برای خواندن کتاب‌ها و نوشته‌های رهبر آپو راه‌اندازی شد. این کمپین هم حاکی از آنست که آزادی جسمانی رهبر آپو با آزادی ذهن، فکر، باوری، اراده و وجدان در ارتباط است.

ما نیز همچون جنبش شرق کوردستان خود را بخشی از این کارزار می‌دانیم. چرا که ما نیز آزادی رهبر آپو را به مثابه‌ی آزادی خلق کورد و خلق‌های منطقه قلمداد می‌کنیم. برای همین انزوا علیه رهبر آپو را انزوا علیه خود و خلق‌مان می‌بینیم. چون مناطقی که امروزه بعنوان عرصه‌ی مبارزه و مقاومت مبدل شده‌اند، با حمله و انزوای شدید دولت فاشیست ترکیه روبرو هستند و سیاستی پلید بر این عرصه‌ها

اجرا می‌شود. این سیاست هم در آغاز در امرالی عملی می‌گردد و در مناطق دیگر نیز گسترش می‌یابد. بدین دلیل امروزه آزادی رهبر آپو و خلق کورد به همدیگر وابسته هستند. به عبارتی دیگر حتی در سطح بین‌المللی نیز چنین نگرشی وجود دارد که انزوا علیه رهبر آپو و زندانی کردن ایشان را در واقع زندانی کردن خود، آزادی و دموکراسی می‌بینند. یعنی قرارداد صلح، عدالت، همزیستی و چاره‌یابی در حبس. برای همین در هم شکست بندهای زندان امرالی، نیاز به یک سازماندهی جهانی دارد، که این امر نیز امروزه از طریق این کارزار محقق شده است. ما نیز در شرق کوردستان از این کارزار حمایت کرده‌ایم و برای پیروزی این کارزار هر چه از دستمان بریاید انجام می‌دهیم.

به ویژه در این مدت در شرق کوردستان مجموعه‌ای از فعالیت‌های مهم جریان دارند. یعنی جوانان، مادران و زنانی که در این شرایط سخت برای آزادی جسمانی رهبر آپو فعالیت می‌کنند. بیانیه منتشر می‌کنند. صیانت به عمل می‌آورند. کتاب‌ها، پوستر و عکس‌های رهبر آپو را منتشر می‌کنند. در مورد اندیشه‌های رهبر آپو به گفتگو می‌پردازند. اینها فعالیت‌های باارزشی هستند که زمینه‌ی سازماندهی در جامعه را افزایش می‌دهند. یعنی جامعه‌ای که چقدر از نیروی سازماندهی برخوردار باشد زوتر به آزادی خواهد رسید. برای همین خلق کورد در شرق کوردستان آزادی خویش را در آزادی جسمانی رهبر آپو می‌بیند و در این خصوص فعالیت‌های خویش را گسترش داده و دامنه‌دارتر خواهد کرد. همزمان در اروپا از سوی کمیته‌های پژاک، ک‌ج‌ر و ک‌ژار برای صیانت از این کارزار، فعالیت‌هایی به انجام رسیدند.

به نظر من توقف جنگ در منطقه بستگی به تغییر سیاستی دارد که علیه رهبر آپو بر سیستم امرالی تحمیل می‌گردد. یعنی تا چه حدی انزوا در امرالی سنگین‌تر شود، به همان اندازه میزان آتش جنگ در منطقه شعله‌ورتر می‌گردد. گسترش جنگ هم به معنای نابودی صلح، عدالت و آزادی است

را در ایران توسعه بدهد نیازمندیم. همزمان اندیشه‌ای که توأم با اندیشه و عمل باشد. می‌بینیم که امروزه اندیشه‌های رهبر آپو دارای سازمان و نیروی بزرگ انقلابی است که برای دست‌یافتن به اهدافش روزانه در تلاش است. نمونه‌ی آن در شرق کوردستان و ایران انقلاب زن زندگی آزادی است که متکی بر پارادایم رهبر آپو گسترش یافت. در لابلای این انقلاب نیز مجموعه‌ای از فعالیت‌ها تحت عنوان کارزار زاگروسانه و کاشت بلوط صورت گرفت. اینها کارزارهایی هستند که از بطن جامعه جوشیده‌اند. برای همین همیشه پویا و زنده هستند. کارزاری است که حفاظت و احیای محیط‌زیست کوردستان را مبنا قرار می‌دهد. در عین زمان چنین فعالیت‌هایی را به زمینه‌های جهت سازماندهی جامعه مبدل می‌سازد، تا همه‌ی سرزمین خود را سرسبز و آباد کند. کارزاری است تا هر کسی در آن مشارکت نماید. چون تا چه اندازه‌ای از محیط‌زیست خود حفاظت کنیم، به همان میزان فرصت آزادی و دموکراسی برای خلق و جامعه فراهم می‌شود. این چیزی است که حکام اقتدارطلب به ما نمی‌بخشند، بلکه چیزی است که خود جامعه به دست خواهد آورد. برای همین من این کارزار را در چارچوب پارادایم رهبر آپو تعریف می‌کنم. چرا که رهبر آپو نیز از جامعه‌ای دموکراتیک و اکولوژیک سخن می‌گوید و امروز این پارادایم در حال گسترش است. زیرا اگر جامعه‌ای دارای اخلاق و سیاست دموکراتیک باشد، مشارکت افراد در آن فعال باشد، از خوانش محیط‌زیستی برخوردار باشد، آن زمان به جامعه‌ای دموکراتیک و اکولوژیک مبدل می‌شود.

این کارزارها حاکی از آن است که خلق شرق کوردستان از لحاظ آگاهی زیست‌محیطی در سطح بلایی پیشرفت کرده است. خلق‌ها به پیشگامی زنان، یکی از ارکان پارادایم زن زندگی آزادی را توسعه داد. در گام دوم با چنین کارزارهایی درصدد توسعه‌دادن ارکان دیگر پارادایم جامعه‌ی اکولوژیک می‌پردازد. فراخوانی در بطن این کارزارها نهفته است. آنهم فراخوانی برای آزادی و دموکراسی و بنیاد نهادن جامعه‌ای اکولوژیک که به دور از ذهنیت سود و سرمایه و غارتگری باشد.

همزمان شاهدیم که دولت‌های اشغالگر در کوردستان محیط‌زیست کوردستان را آتش می‌زنند، غارت می‌کنند و درخت‌هایش را قطع می‌کنند. سیاست سدسازی را ترویج می‌بخشند. در کل محیط‌زیست کوردستان را تخریب و ویران می‌کنند. به نظر من کارزار

این فعالیت‌ها هم می‌تواند به بخشی از فرآیند چاره‌یابی مسئله‌ی کورد در منطقه مبدل شود و درگاهی دموکراتیک و صلح‌طلبانه بر مشکلات منطقه بگشاید و مکمل مبارزات بخش‌های دیگر کوردستان باشد. یعنی مکمل این مبارزه‌ای باشد که در سطح جهانی به راه افتاده است. برای همین عملیات‌هایی که چه در داخل و خارج ایران در چارچوب این کارزار صورت گیرد، جای تقدیر است و متمأنم که خلق کورد و خلق‌های موجود در ایران با مشارکت روزافزون‌شان مسئولیت تاریخی خویش را ایفا خواهند کرد. بدین معنا که با کارزار برای آزادی رهبر آپو، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها در شرق کوردستان و ایران گسترش می‌یابد. امیدواریم که در شرق کوردستان نیز خلق میهن دوست ما و انسان‌های آزادی‌خواه و دموکراتیک مشارکت خویش را در این کارزار افزایش دهند. لازم است اشکال فعالیت‌ها متنوع‌تر گردند و تا می‌توانند اندیشه‌های رهبر آپو را مطالعه نمایند و هم در مورد آن بحث و گفتگو نمایند و هم بتوانند که این اندیشه‌ها را در کلیه‌ی مناطق اشاعه دهند تا به کلید چاره‌یابی کلیه‌ی مسائل و بحران‌های داخل ایران مبدل گردد.

فقدان اندیشه‌ی دموکراتیک، سازماندهی و اراده‌ی مستقل، معضل اساسی ایران است

* شما در حرف‌هایتان از اندیشه‌های رهبر آپو به مثابه‌ی کلید چاره‌یابی مسائل شرق کوردستان و ایران نام بردید، اکنون کارزارهایی همچون زاگروسانه و کاشت بلوط در جریان است این کارزارهای مردمی را چگونه ارزیابی می‌کنید و چه نقشی در بنیاد نهادن جامعه‌ی دموکراتیک و اکولوژیک در برخواهند داشت؟

- اندیشه‌های رهبر آپو بر نیروی ذاتی خود و به نیروی خلق و جامعه متکی است. هر پروژه و فعالیت‌هایی که از بطن جامعه برخیزد، ما چنین فعالیت و کمپین‌هایی را مهم و تاریخی قلمداد می‌کنیم و برای جامعه الزامی هستند. بر این باورم که اندیشه‌ی رهبر آپو به کلید چاره‌یابی همه‌ی مسائل داخلی شرق کوردستان و ایران مبدل می‌شود. چون امروز معضل اساسی در ایران فقدان یک اندیشه‌ی دموکراتیک، سازماندهی و اراده‌ی مستقل است. بخصوص اندیشه‌ای که بتواند همه‌ی خلق‌ها را بدون تفکیک جنسیتی و ملیتی در آغوش بگیرد و آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم

زاگروسانه و کاشتن بلوط که در سطح همه‌ی شهرهای شرق کوردستان صورت گرفت، آغاز گامی نوین برای دستیابی به زندگی آزاد و دمکراتیک است که بسیار بزرگتر و باشکوه‌تر و معنادارتر از پروژه‌های تبلیغاتی دولت‌ها است. در حقیقت چنین کارزارهایی می‌تواند به پروژه‌ی چاره‌یابی تخریب محیط‌زیست مبدل شود و از محیط‌زیست دفاع نماید.

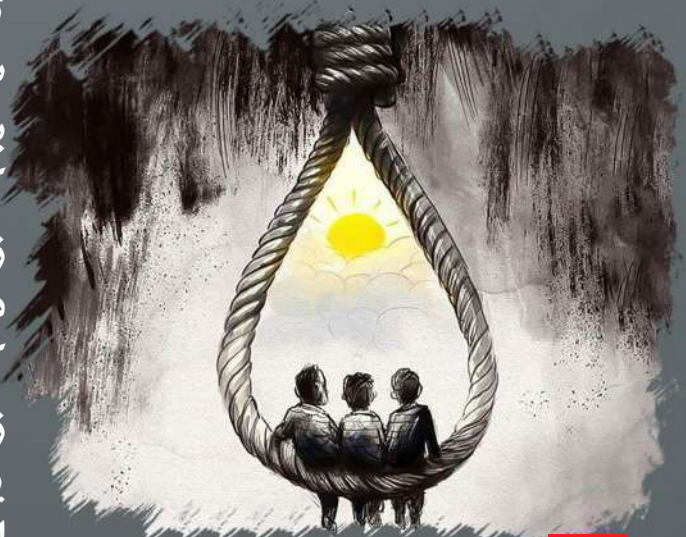
با کارزار «نا به اعدام، بله به دمکراسی» می‌توان ماشین سرکوب را از کار انداخت

* الان در دومین سال انقلاب زن زندگی آزادی قرار داریم، شرایط انقلاب زن زندگی آزادی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ اکنون در شرق کوردستان سیاست زن‌کشی و اعدام افزایش یافته است این مسائل را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- انقلاب زن زندگی آزادی رنسانسی نوین را در ایران، خاورمیانه و جهان به‌ر پا کرد. به ویژه موجب شد که تعریف سده‌ی ۲۱ به عنوان سده‌ی زنان را جامه‌ی عمل بپوشاند. یعنی هر انقلابی که پیروز گردد، با پیشاهنگی زنان میسر خواهد شد. پس در جغرافیایی همچون ایران که انقلابی در آن با پیشاهنگی زنان به پا گشت، بدون شک یک انقلاب ذهنیتی، وجدانی و اخلاقی است. انقلابی که بر تغییرات جامعه، آداب و سنت‌ها و بخصوص تغییر مردها متکی است. این انقلاب در این راستا برپا شد، توسعه یافت و امروز در سطح جهان می‌درخشد. در عین حال به سال دوم این انقلاب وارد

شده‌ایم. دومین سال نیز بدون شک با همه‌ی فشارهای رژیم علیه خلق و ترفندهای بسیاری که به کار برده شد، انقلاب به شیوه و فرم‌های متفاوتی تداوم دارد. در مرحله‌ی تجدد و خودسازماندهی و جمع‌آوری آگاهی و دانش قرار دارد. بیگمان هر انقلابی نیازمند پیشاهنگ است. این پیشاهنگ نیز می‌بایست به آزادی، دمکراسی و سوسیالیسم معتقد باشد. به تغییراتی که برشمردیم باید معتقد باشد. پس در این چارچوب انقلاب با وجود همه سختی‌ها و موانع پیش‌رو در فرم‌های متفاوت ادامه دارد. رژیم برای منحرف کردن این انقلاب جنگی ویژه به راه انداخته است. گاه‌گاهی می‌گویند انقلاب تمام و خاموش شده است! رژیم به تمامی جامعه را تحت سیطره‌ی خویش قرار داده است! مشکلاتی که در جامعه وجود دارند را تحریف می‌سازد و جامعه را با مشکلات ناچیز مشغول می‌کند. اما در حقیقت خلق فریب این نیرنگ و شایعه‌ها را نخورده و نخواهد خورد. با این انقلاب رژیم نیروی جامعه را دریافت که از چه نیروی عظیمی برخوردار است. رژیم در دومین سال انقلاب سرکوب و فشارهایش را بر سر جامعه و فعالان مدنی افزایش داد. آمار اعدام‌ها سیر صعودی بخود گرفت. البته نظام از جنگ حماس-اسرائیل برای اعمال

انقلاب زن زندگی آزادی
رنسانسی نوین را در ایران،
خاورمیانه و جهان به‌ر پا
کرد. به ویژه موجب شد که
تعریف سده‌ی ۲۱ به عنوان
سده‌ی زنان را جامه‌ی عمل
بپوشاند. یعنی هر انقلابی
که پیروز گردد، با پیشاهنگی
زنان میسر خواهد شد. پس
در جغرافیایی همچون ایران
که انقلابی در آن با پیشاهنگی
زنان به پا گشت، بدون شک
یک انقلاب ذهنیتی، وجدانی و
اخلاقی است



فشار رژیم بر شهروندان در داخل ایران به گوش ما می‌رسد. چرا هنوز رژیم از تجمع دوباره‌ی خلق و فروزان‌تر شدن شعله‌های انقلاب می‌هراسد؟ برای همین اینها همه‌اش خیالی باطل است و با کارزار «نا به اعدام، بله به دموکراسی» می‌توان ماشین سرکوب نظام را از کار انداخت و مانعی بزرگ در مقابل سیاست ضد بشری نظام ایجاد کرد. برای همین جامعه خواستار برقراری دموکراسی و آزادی است و رژیم هم خواستار اشاعه‌ی اعدام و جامعه‌کشی. یعنی با سازماندهی و مشارکت همه‌جانبه جامعه می‌توان علیه این سیاست به پا خواست.

زینب جلالیان؛ سمبل مبارزه، مقاومت و آزادی‌ست

* شما در مورد مبارزات زنان در انقلاب زن زندگی آزادی بحث به میان آوردید، اکنون فشار بر زندانیان سیاسی زن، بخصوص بر فعالان مدنی زن افزایش یافته است. در این چارچوب فشار و ستم بر زینب جلالیان ادامه دارد، چرا در این مرحله فشار و ستم بر زینب جلالیان، وریشه مرادی، پخشان عزیزی و ادريس فقیهی افزایش یافته است؟

- در آغاز به مقاومت تاریخی رفیق زینب جلالیان درود می‌فرستم. مقاومت رفیق زینب بی همتاست. به ویژه همچون یک زندانی زن که ۱۶ سال با همه‌ی فشارها و سختی‌ها، شکنجه و حتی انزوایی که بر ایشان روا داشته می‌شود، از اراده و باوری پولادینی برخوردار است. برای همین رفیق زینب سمبل مقاومت است. سمبل زنی است که در راه آزادی و در مقابل ظلم و ستم و اشغالگری قیام و مقاومت می‌کند. او سمبل آزادی، دموکراسی و همزیستی خلق‌هاست. در واقع زنی آزاد است. بدین معنا او حامل یک فلسفه و یک پارادایم و یک سازمان دموکراتیک است. رفیق زینب به اتهام عضویت در پژاک و بنا به این اتهام به صورت مداوم با وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها مواجه شده است. علیرغم اینها این رژیم نتوانسته است که اراده‌ی پولادین وی را بشکند. چون این اراده توسط شهید شیرین‌ها تعالی یافت و اکنون از سوی رفیق زینب می‌درخشد.

بنا به اطلاعاتی که در دست ماست، رژیم مصرانه در تلاش است تا مقاومت رفیق زینب را در هم بشکند. به همین جهت در این اواخر از سوی نهادهای امنیتی مورد تهدید قرار گرفته، تا خواست سردمداران رژیم

این سیاست سود جست. در مرحله‌ی نوین انقلاب زن، رژیم تعداد اعدام‌ها را افزایش داد. بر حسب برخی از آمارها گفته می‌شود که در طی یک سال بیش از ۷۰۰ انسان اعدام شده‌اند. به ویژه در ماه اخیر گفته می‌شود نزدیک به دویست تن اعدام شده‌اند. روزانه به صورت مکرر اخبار اعدام‌ها به گوش‌مان می‌رسند که ۳ تن، ۵ تن یا ۷ تن در زندان‌های رژیم اعدام شده‌اند. چرا چنین رفتاری از رژیم در چنین موقعیتی سر می‌زند؟ البته رژیم با ماشین اعدام می‌خواهد پیشاهنگان انقلاب و جامعه را از میان بردارد و رعب و وحشت را در بطن جامعه بیندازد، تا بار دیگر این انقلاب به وقوع نپیوندد. افزایش اعدام‌ها هم به معنای ترویج فاشیسم و دیکتاتوری است. اصرارورزی به عدم حل مسائل و مطالبات خلق‌هاست. نمایش قدرت و اقتدار رژیم برای خلق است. ابزار سرکوب و برده‌سازی جامعه است.

در حالی که امروزه انقلاب همچون روحی در کالبد انسان جای گرفته است. برای همین رژیم نمی‌تواند این روح را از این جسم خارج کند. رژیم نمی‌تواند جامعه را از شعاری که بدان اعتقاد دارد، جدای سازد. یعنی دیگر محال است که بتواند جامعه را از زن زندگی آزادی جدا کند. چرا که این انقلاب در بطن جامعه نهادینه گشته است. برای همین فلسفه و پارادایمی پشتیبان آن است. بدین دلیل غیرممکن است که رژیم اشغالگر ایران بتواند گفتمان خود را دگر بار بر جامعه مسلط کند و به نتایج دلخواهش برسد. برخلاف ادعاهای رژیم خلق در مرحله‌ی سازماندهی خویش قرار دارد و خود را برای مرحله‌ی نوین از انقلاب آماده می‌کند. ما شاهد آن بودیم که جوانان و دانشجویان در روز دانشجو (۱۶ آذر) تجدید پیمان کردند تا بر علیه فاشیسم و دیکتاتوری مبارزه‌شان را تشدید دهند و برای پیروزی اهداف انقلاب زن زندگی آزادی به مبارزاتشان ادامه دهند. این مورد بسیار مهمی است که جوانان و دانشجویان در این روز پیمان تداوم مبارزه را با خود بستند و آتش انقلاب را در گوشه و کنار ایران شعله‌ورتر نمودند. همچنین خانواده‌های شهدای انقلاب علیه گروه‌های سودجو و منفعت‌طلب کارزاری را تحت عنوان «هیچ‌کس نماینده‌ی ما نمی‌باشد» را براه انداختند. از دیگر جهت تظاهرات پی‌درپی بازنشستگان، کارگران، معلمان، زنان و جوان حاکمی از تداوم این انقلاب است. اگر چیزی به نام انقلاب وجود نداشت، پس به چه دلیل روزانه خبر بازداشت‌ها، شکنجه‌ها، اعدام‌ها، زن‌کشی‌ها و ظلم و

را به جای بیاورد، که اگر بدین خواسته تن ندهد از همه‌ی حقوق ابتدایی خود محروم می‌گردد. هر چند که وضعیت سلامتی‌اش با مشکلات جدی مواجه است. مشکل بینایی و مشکلات جدی‌تر سلامتی نیز دارد. اما از سوی رژیم هیچ اقدامی در جهت بهبود ایشان صورت نگرفته است. رژیم او را هر بار از زندانی به زندانی دیگر تبعید کرده است. این بخود مجازاتی غیرحقوقی است. در واقع سیاست رژیم علیه رفیق زینب سیاستی علیه همه زنان آزادیخواه، زنان دموکراسی‌طلب و سوسیالیست داخل ایران است. این سیاست پلید جهت درهم‌شکستن اراده‌ی زنان آزاد است که امروزه اجرا می‌شود. در واقع همان سیاستی است که علیه زندانیان آزادی‌خواه و علیه همه زنانی است که در راستای آزادی مبارزه می‌کنند. پس هر کس باید آزادی زینب جلالیان را همچون آزادی خویش قلمداد کند. هر کسی باید سیاست‌هایی که علیه زینب جلالیان اجرا می‌گردند، را همچون سیاست بر علیه خود درک کند. ما نگران این برخوردهای ددمنشانه‌ی رژیم هستیم و مسئولان نظام را مسئول وضعیت جسمانی ایشان می‌بینیم.

در عین حال نظام از آشکارسازی سرنوشت و وضعیت زندانیانی از قبیل؛ ادریس فقیهی که عضو حزبمان، وریشه مرادی عضو کژار و پخشان عزیززی فعال مدنی می‌باشند، ترس و دلهره دارد. سیاستی غیرحقوقی و غیر بشری علیه این زندانی‌ها اعمال می‌نماید. این زندانی‌ها را از حقوق طبیعی‌شان محروم نموده. ما برای وضعیت هر یک از این زندانی‌ها دل نگران هستیم و مقاومت هر یک از این رفقا را ستایش می‌کنیم. چرا رژیم اشغالگر ایران در مورد وضعیت هر کدام از این زندانیان سکوت اختیار می‌کند؟ چرا مابین زندانیان تبعیض قائل می‌شود؟ در حالیکه افکار عمومی خواهان شفافیت وضعیت هر کدام از این زندانیان هستند. اما نظام به این خواسته و اعتراضات گوش نمی‌دهد. به همین جهت زندانی سیاسی همچون ادریس فقیهی بعد از ۳ سال و وریشه مورادی نزدیک ۵ ماه، سرنوشتشان معلوم نباشد، گواهی ترس و خوف رژیم را از اعمال خویش و مقاومتی که در جریان است را نشان می‌دهد. البته تداوم و گسترش این مقاومت زنجیرهای ستم و قانون کوردستیزی را درهم می‌شکند و به جامعه شجاعت، امید و باوری خواهد بخشید. به همین دلیل سیاست موجود رژیم را علیه این زندانیان سیاسی کورد و بخصوص زنان محکوم می‌کنیم. به ویژه علیه زندانیانی

که در راستای آزادی و دموکراسی مبارزه می‌کنند، رژیم سیاستی وحشیانه علیه آنان اجرا می‌کند. بدون شک این سیاست‌های پلید از سوی خلق ناپسند است و اینها هم به دلیلی قاطع برای تداوم مبارزه‌ی جوانان و زنان کورد و سایر خلق‌های دیگر ایران خواهد بود و در نتیجه‌ی موج این مبارزات روزی فرا خواهد رسید که رژیم مجبور به پاسخگوی چنین اعمالش بشود.

قتل زنان، تداوم نسلکشی علیه زنان می‌باشد

* شما گفتید که انقلاب به پیشاهنگی زنان پیروز می‌شود یعنی سیاست زن ستیزی و کشتار زنان در این برهه‌ی حساس تاریخی توسط رژیم و نهادهای مربوطه‌اش چه تأثیری بر مبارزات آزادیخواهی زنان خواهد داشت؟

- ما در منطقه با ذهنیتی مردسالار روبه‌رو هستیم که به صورت گره‌کوری درآمدی که مانع چاره‌یابی تمامی مسائل شده است. بخصوص جهان سرمایه‌داری، جهانی ضد زن است که در داخل این جهان، رژیم اشغالگر ایران رژیم ضد زن و مدافع ذهنیت مردسالاری است. برای همین این ذهنیت در ایران برای زنان فرصت و امکان دستیابی به آزادی و مبارزه باقی نگذاشته است. به همین جهت به صورت روزانه فرصت زندگی آزاد برای زنان سیر نزولی دارد. بخصوص سرکوب زنان در فضاهای عمومی، خانواده و به ویژه در دانشگاه‌ها افزایش یافته است. این وقایع هم فارغ از ذهنیت مردسالاری نیست. در واقع ذهنیت مردمحوری رژیم علیه زنان سیستماتیک شده است، تا زنان از هویت حقیقتشان که در انقلاب زن زندگی آزادی نمود یافت، محروم گردانند. بدین دلیل هجمه‌های خویش را علیه زنان افزایش داده‌اند. اینها را هم بخشی از طریق قوانین و بخشی هم از طریق آداب و سنت و بخشی را نیز از طریق خانواده و دیگر سازوگرهای نظام علیه زنان پیش می‌برد. چیزی که جای شگفتی است خلق‌های ایران که تا به این حد جویای دموکراسی و آزادی هستند، چرا از ذهنیت نامدموکراتیک و مردمحور حمایت و تبعیت می‌کنند؟ منشا آن در واقع ذهنیت مردسالاری نهفته است. به ویژه که رژیم ولایت فقیه پیشاهنگ ذهنیت [مردسالاری] است و ثمره‌ی این ذهنیت بنابر آمار رسمی خود رژیم که در طی ۲۰ سال حکمرانی‌اش ۱۲۰۰ زن کشته شده‌اند و یا خودکشی کرده‌اند. بر همین اساس در طی دو

نظام از آشکارسازی سرنوشت و وضعیت زندانیانی از قبیل؛ ادریس فقیهی که عضو حزبمان، وریشه مرادی عضو کژار و پخشان عزیززی فعال مدنی می‌باشند، ترس و دلهره دارد. سیاستی غیرحقوقی و غیر بشری علیه این زندانی‌ها اعمال می‌نماید



حقوق خود، آزادی و دموکراسی می‌باشد. مشکلات را حل نمی‌کند. همیشه ناامیدی بر زنان مسلط می‌شود. در حالی که انقلابی که در جریان است، امیدبخش و انرژی‌زا است. رسیدن به اهداف والا مرتبه انسان است. برای همین اعمال نظام علیه زن، تداوم نسلکشی زن می‌باشد و نظام برای تحقیر و پرده‌پوش نمودن اهداف و آمل انقلاب سیاست زن‌کشی را افزایش داده است.

رژیم اکنون مسئله‌ی حجاب و قانون عفاف و حجاب را به بحث روزانه تبدیل کرده است. یعنی با سبک نوین زندگی خواهان کنترل و حاکمیت بر زنان می‌باشد. البته رژیم در پشت این قضیه، ذهنیت ضد زن را در جامعه پر رنگ‌تر می‌کند. واسه‌ی همین هم پلیس حجاب بانان زن را به کار گماشتند. در جایی که لباس زنان مطابق با سلیقه و سبک زندگی مدنظر نظام نباشد، دخالت می‌کنند و او را بازداشت و مورد سوء‌ظن و بی حرمتی قرار می‌گیرد. به عبارتی فضا را طوری بر جامعه و زنان تنگ می‌کنند که فرد را ناچار به انجام یک سری رفتارها می‌کنند. یا نظام زنان را مجبور به ترک میهن می‌کنند. بر این مبنا رژیم تعریفی از سبک زندگی ارائه می‌دهد این سبک نو چیست ک با گوهری انقلاب زن در تعارض است؟ سبکی که خا منه‌ای نماینده‌ی آن است. سبکی که مرد بر زن و جامعه مسلط است. به همین جهت زنان این سبک زندگی را قبول نمی‌کنند. سبکی که خودش مشخص کرده و از پارادایم زن زندگی آزادی برخوردار است. اصرار بر این سبک نظام را وادار کرد که بعد از ۴۰ سال زنان برای اولین بار در استادیوم حضور پیدا بکنند و مستقیماً مسابقه‌ی

سال از خرداد ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۲ بنا بر همان منابع آماری رژیم ۱۶۵ زن کشته شده‌اند. این در حالی است که آمارهای واقعی دو تا سه برابر را هم بیشتر از این آمارها نشان می‌دهد. حال چه کسی مسئول انجام این رفتارها می‌باشد؟ با چه ذهنیتی چنین اعمالی صورت می‌گیرد؟ با چه اعمال و نیرویی می‌توان این ذهنیت را از هم فروپاشید؟

علیرغم تحولات عمیق در منطقه و نقش پیشاهنگ زنان در این تحولات، ذهنیت مردسالاری رژیم هنوز زن را همچون ناموس می‌بیند. در حالی که چنین کسانی بعنوان ناموس قلمداد می‌شوند، پیشاهنگ انقلاب زن ژیان نژادی هستند. یعنی در ذهنیت مردسالار نظام، زن ناموس است و همچون یک پدیده‌ی منفی و زشت و ناپسند ارزیابی می‌گردد. اما با یک ذهنیت دموکراتیک و در جامعه‌ای دموکراتیک که انقلاب زن زندگی آزادی در آن می‌درخشد، زن پیشاهنگ انقلاب و مبارزه در راه آزادی، عدالت اجتماعی و دموکراسی است. حال نگاهی به این دو ذهنیت بیندازیم، ذهنیتی که مردسالاری بر آن سلطه دارد، بدون شک کشتار و خودکشی زنان در آن رشد می‌کند. به ویژه بعد از سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی رژیم آگاهانه سیاست [ضد زن] را در کوردستان گسترش داد. از راه نظام آموزشی و از راه نهادهای سرکوبگر چنین سیاستی را در پیش گرفته است. از راه جنگ و ویژه، اهرم‌های فشار و خشونت را علیه زنان توسعه می‌دهد. نهاد و اشخاص زن‌کشی را فعال می‌سازد. یا ذهنیتی را در جامعه ترویج می‌بخشد که زنان را وادار به خودکشی می‌کند. اما این ذهنیت مانع دست‌یابی زنان به احقاق

فوتبال را تماشا نکنند. هر چند که این خواسته‌ی نهایی زنان نمی‌باشد، اما در راستای مبارزاتی که روزانه انجام می‌دهد، اقدامی مثبت و دلیلی عینی برای ادامه‌ی مبارزه خواهد بود.

انقلاب زن زندگی آزادی، انقلاب علیه فساد است

* رژیم ایران ادعا می‌کند که تمامی مشکلاتش حل شده‌اند، به ویژه مشکلات اقتصادی. اما می‌بینیم که مشکل و فساد مالی داخل ایران موضوع روز است و اینها هم تأثیر مستقیمی بر زندگی افراد جامعه دارد، این مسئله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- مسئله‌ی فساد، مسئله‌ای سیستماتیک درون سیستم ایران می‌باشد. رژیم تظاهر به این مسئله می‌کند که مشکلاتش حل شده‌اند و به انقلاب پایان بخشیده‌اند و جامعه‌ای بدون مشکل در جریان است. در حالی که اگر به هر نقطه‌ای از ایران بنگریم، فسادهای رژیم برملا می‌شود. به ویژه در این ماه اخیر فساد در مسئله چایی، نهاد کشاورزی و دامداری به موضوع داغ مسئولان داخلی رژیم تبدیل شده. در حقیقت به موضوعی مبدل شد که مسئولان همدیگر را مورد تهمت قرار می‌دهند. گویا این فساد متعلق به کدام کابینه می‌باشد؟ یعنی ابراهیم رئیسی می‌خواهد که این تهدید بزرگ را به یک فرصت بزرگ تبدیل کند. اما گفتیم که مسئله‌ی فساد، تنها مسئله‌ای مختص به یک مقطع تاریخی نمی‌باشد. یعنی با ترویج فساد نظام هژمونی‌اش را بر جامعه استوارتر می‌کند. اما به دلیل شکاف، تضاد و تناقض‌های موجود در دولت گاه‌گاهی این فسادها آشکار می‌گردد. دوم اینکه؛ حقیقت از سوی مسئولان رژیم برای جامعه آشکار نمی‌گردد. برای همین رئیسی هر روز به یکی از استان‌ها سر می‌زند، با وعده و وعید جامعه را فریب می‌دهد، با افتتاح پروژه‌ها مزدهای چاره‌یابی مشکلات اقتصادی را می‌دهند. اما از سوی دیگر که به قضیه بنگریم حقیقت چیز دیگری است. امروزه مسئله‌ی فساد میان رئیسی و روحانی را مشکل‌ساز کرده است. چون رئیسی این فسادها را به گردن کابینه‌ی روحانی می‌اندازد و خودش را فارغ از این مسئله می‌داند. در حالی که مسئول قوه‌ی قضائیه این مسئله را تأیید کرده است که فساد چایی مربوط به دوره‌ی رئیسی می‌باشد. هرچند که هر کدامشان در این خصوص چندان فرقی با هم ندارند و هر کدامشون برای خلق‌های ایران کاسه‌ی داغ‌تر از آش می‌باشند. چیزی

که مایه‌ی حیرت است، امروز رئیسی ژست مبارزه با فسادکاران، به خود می‌گیرد. در حالی که رئیسی خود مفسد فی الارض است. بزرگترین مفسد تاریخ جمهوری اسلامی است. خود او یکی از اعضای گروه مرگ است. این همه جوان مبارز کورد و ایرانی را به پای طناب دار کشانده، در انقلاب زن زندگی آزادی این همه جوان و زن را به گلوله بستند. کسانی که در این انقلاب بازداشت و دستگیر شدند، مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. خوب فساد از این بزرگتر چیست؟

علیرغم اینها امروز میان قوه‌ی مجریه و قضائیه بر سر این مسائل نزاع و درگیری وجود دارد. برای مثال قوه‌ی مجریه می‌گوید، رئیسی در مورد فساد چایی ۶۰ متهم را از کار برکنار کرده‌اند و به قوه‌ی قضائیه تحویل داده‌اند. در حالی که رئیس قوه‌ی قضائیه می‌گوید چنین چیزی صحت ندارد. نام این افراد معلوم نیست و به قوه‌ی قضائیه تحویل داده نشده‌اند. این نشان می‌دهد که مسئله‌ی فساد تا خود رئیسی و خامنه‌ای را دربرمی‌گیرد. برای همین جسارت برملا کردن اسامی را هم ندارند، تا آنان را تحویل قوه‌ی قضائیه بدهند. یا هر بار مسائل را با چیزهای دیگری پرده‌پوش می‌کنند. دولتی که خودش تا خرخره در فساد است، نمی‌تواند خود را به عنوان علمدار مبارزه با فساد اقتصادی جای دهد. چون همین فسادها هستند که باعث گشته‌اند تا جامعه از دست پدیده‌ی فقر بنالد، تورم تا بدین اندازه بالا باشد. اگر آنان با فاسدان مبارزه می‌کنند، سپاه پاسداران بزرگترین سازمان فاسد و تروریستی داخل ایران است. این همه نهاد اقتصادی تحت سلطه‌ی سپاه پاسداران هستند. این همه فساد از سوی سپاه در کوردستان صورت می‌گیرد، چرا محاکمه نمی‌شود؟ چرا حساب و کتابی در کار نیست؟ چرا برای افکار عمومی آشکار نمی‌شود؟ اما امروزه با تبدیل کردن این موضوعات به موضوع روز می‌خواهند بار دیگر مسائل را پنهان نمایند.

جامعه‌ای که اگر زیرنمایش فساد و مردسالاری باشد، چیزی که در آن رشد کند، همان است که کاشته شده است! با این حال غیر از مردسالاری و فساد چه چیزی از این رژیم حاصل می‌شود؟ یعنی رئیسی با چنین کارنامه‌ای امروزه به هر جایی که سر می‌زند خودش را به قهرمان مبارزه با تروریسم، فساد و اغتشاشگران مبدل کرده است. به نظر من بهترین قهرمان اون کسی است که امروز مشکلات، زنان، جوانان، کارگران، بازنشستگان، کارمندان و معلمان و کولبران و ... را حل

است که مردم از میان اصولگرایان نماینده‌ی مورد علاقه‌ی خود را انتخاب کنند؟ با توجه به چیزی که رژیم سخن به زبان می‌راند، مجلس آتی مجلسی انقلابی‌تر است. یعنی ویران‌تر از مجلس کنونی خواهد بود. یا در مورد مجلس خبرگان نیز به همان صورت که مجلسی زن‌ستیز و ملت‌ستیز می‌باشد، چه امید و آرزویی برای جامعه به ارمغان خواهد آورد. در حالیکه انقلاب ژن ژیان نازادی در حقیقت انکار گوهری این مجلس‌ها می‌باشد، که قوانین زن‌ستیزی و خلق‌ستیزی در آنها تصویب می‌گردد. با این حال و احوال این مجالس مشروعیت خود را در میان خلق از دست داده است. پس این رژیم تاکنون در کجا و کدامین مصوبه و قانونی تغییری ایجاد کرده، تا مردم بدان دلخوش باشند؟ یا زخم‌های مردم را التیام بخشیده باشد، تا خلق با جوش و خروش به سوی صندوق‌های انتخابات بروند.

به نظر من در کوردستان مسئله‌ی انتخابات متمایزتر از سایر نقاط ایران است. چون ما شاهد رفتار رژیم با زینب جلالیان، وریشه مرادی، ادریس فقیهی، پخشان عزیز و نرگس محمدی و ده‌ها زندانی دیگر که در زندان‌ها مقاومت می‌کنند، هستیم. رفتار با خانواده و مادرانی که در انقلاب زن زندگی آزادی داغدار از دست دادن فرزندانشان هستند، یا فرزندان‌شان نقص عضو شده‌اند. یا عضوی از خانواده‌اشان در زندان‌اند. کولبرانی که روزانه در مناطق صعب‌العبور کوردستان غرق خون می‌شوند. آیا با یک مجلس انقلابی دیگر زخم‌های مردم التیام می‌یابند؟ یا رژیم بار دیگر بر زخم‌های مردم، نمک می‌پاشد؟ بالعکس رفتارهای نظام با مردم فرصتی دوباره برای شعله‌ورسازی انقلاب مردمی را مهیا خواهد نمود و طرحی که رژیم در سر می‌پروراند در راستای منافع مردم به مثمر ثمر خواهد رسید.

جایزه ساخاروف حاکی از فراگیربودن انقلاب و جهانشمول بودن انقلاب ژن ژیان نازادی می‌باشد

* جایزه ساخاروف به ژینا امینی و انقلاب ژن ژیان نازادی داده شد، شما این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- در حقیقت این دستاورد دیگری برای زنان آزادیخواه محسوب می‌شود. یعنی بزرگی این انقلاب را نمایان می‌سازد که پس‌لرزه‌های آن همچون در دیگر نقاط جهان در حال وقوع است و همچنان ادامه دارد. اینهم دلیل واضح دیگر تداوم انقلاب را نشان می‌دهد.

کند. به نظر من انقلاب زن زندگی آزادی، انقلاب علیه فساد است. انقلابی علیه زشتی، ظلم، بی‌عدالتی و ذهنیت مردسالاری است. برای همین این انقلاب برای خنثی سازی ذهنیت مردسالاری در صدد خودسازماندهی است و با این نیرو مسئله‌ی فساد ریشه‌کن خواهد شد.

مجلس آتی رژیم مجلسی انقلابی‌تر است. یعنی ویران‌تر از مجلس کنونی خواهد بود

* به انتخابات ایران نزدیک می‌شویم به نظر شما اهمیت این انتخابات برای رژیم و مردم چه می‌باشد؟ یعنی رژیم می‌خواهد این انتخابات را چگونه به کار ببرد، یا چگونه مردم را فریب دهد، تا مردم به پای صندوق‌ها بروند؟

- به نظرم رژیم برای اینکه بتواند موضوعات روز جامعه را تغییر دهد و انسجامی درون جامعه به وجود بیاورد، رژیم خود را یک‌دست جلوه دهد و آشفتگی درون قدرت را برچیند، مسئله‌ی انتخابات بسیار مهم و فرصت‌ساز است که می‌خواهد از آن بهره‌برد. در ۱۱ اسفند انتخاباتی که در مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی برگزار می‌شود، برای رژیم می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد. اما سوال اینجاست آیا میزان مشارکت مردم در این انتخابات چگونه می‌باشد؟ در حالی که مردم کارنامه‌ی رژیم را با انقلاب زن زندگی آزادی به دستان رژیم داد و نشان داد که رژیم تا چه حدی مورد قبول عموم است. بعد از این همه سرکوب انقلاب زن، سیاست اعدام، زن‌ستیزی، جوان‌کشی، کولبرکشی و ستم و فشارها علیه خلق کورد و خلق‌های دیگر ایران، سیاست‌هایی که علیه خلق‌ها اجرا می‌شوند، استقبال مردم از انتخابات پیش‌رو چگونه باید باشد؟

در حالی که کابینه و مجلس شورای اسلامی در دوران ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی به نام مجلس انقلابی بود. یعنی مجلس انقلابی دستاوردش برای مردم چه بود؟! چه تغییری در شرایط زندگی خلق‌ها به وجود آورد؟ و چه فشارهایی بر جامعه افزود؟ پس این ۴ سال از کارنامه‌ی مجلس انقلابی رئیسی نشان می‌دهد، که چه دستاوردی برای مردم در بر داشته است؟ چه مشکلی را حل کرد؟ آیا این انتخابات مشکلات مردم را رفع خواهد کرد؟ آیا در این انتخابات به مشارکت افراد مستقل فرصت داده خواهد شد؟ آیا این دسته افراد [مستقل] تایید صلاحیت خواهند شد؟ یا نه تنها لازم



در منطقه با ذهنیتی مردسالار روبه‌رو هستیم که به صورت گره‌کوری درآمده که مانع چاره‌یابی تمامی مسائل شده است. بخصوص جهان سرمایه‌داری، جهانی ضد زن است که در داخل این جهان، رژیم اشغالگر ایران رژیمی ضد زن و مدافع ذهنیت مردسالاری است

همین وکیل آنها صالح نیکبخت به نمایندگی از طرف این خانواده جایزه ساخاروف را دریافت نمود، این بخود ترس رژیم از این مسئله را نمایان می‌سازد. همچنین به نمایندگی از جنبش زن ژیان نازادی به افسون نجفی خواهر حدیث نجفی یکی از جانباختگان انقلاب زن ژیان نازادی و مرسده شاهین‌کار از آسیب‌دیدگان چشمی این انقلاب اهدا شد. سخنانی که در این مراسم چه از جانب وکیل ژینا و قرائت نمودن سخنان مادر ژینا و دیگر نمایندگان قرائت گردید، تداوم مبارزه را امیدوارتر نمود و تجلی‌بخش زندگی، مبارزه و مقاومت خستگی‌ناپذیر می‌باشد و حقانیت این انقلاب را آشکارتر ساخت. اهداء نمودن این جایزه یعنی تقدیر از روح مبارزه‌گری جوانان کورد و بخصوص زنان می‌باشد. برای همین من هم این موفقیت جهانی را به خانواده‌ی ژینا امینی، افسانه نجفی، مرسده شاهین‌کار و صاحبان حقیقی انقلاب زن ژیان نازادی تبریک می‌گویم.

یعنی ارزش و عظمت این انقلاب را نمایان می‌سازد که مورد جلب توجه عموم جهانیان می‌باشد. اهدا نمودن این جایزه بخصوص در مقر پارلمان اروپا در استراسبورگ فرانسه به ژینا امینی و انقلاب زن ژیان نازادی حاکی از فراگیربودن انقلاب و جهانشمول بودن آن می‌باشد. همچنین ادای احترام به شهدای انقلاب و تداوم راه‌شان و حمایت از ارزش‌ها و دیدگاه‌های نوین انقلاب قلمداد می‌شود. از دیگر جهت مشروعیت فکر و پارادایمی که به چراغ روشنایی انقلاب زن مبدل گردید، را نشان می‌دهد. این هم می‌تواند در آینده‌ای نزدیک تحولاتی را در قبال وضعیت رهبر آپو بوجود بیاورد. یعنی گام مثبت و مثمرتری خواهد بود. چونکه صاحب اصلی این انقلاب و شاهکار عظیم زن ژیان نازادی رهبر آپو در امرالی با توندترین شیوه‌های شکنجه در شکنجه‌گاه مدرنیت‌های سرمایه‌داری مواجه شده که امروز انقلاب جهانی زن ژیان نازادی را برپا کرد.

از جهتی دعوت نمودن از خانواده‌ی ژینا امینی به این مراسم و آماده بودن وکیل ایشان و چند تن دیگر از خویشاوند و آسیب‌دیده‌گان این انقلاب بعنوان نماینده‌گان مردم حضور داشتند و خانواده‌ی ژینا امینی به دلیل اینکه توسط حکومت ممنوع الخروج شده بودند، نتوانستند در این مراسم حضور پیدا کنند، برای

گذار به سوی تشکلیابی دموکراتیک

بیستون مختاری



یعنی حکومتی که علیه زن است، علیه زندگی و علیه آزادی است. به همین سبب امروزه خلق‌ها این حقیقت را خاطرنشان کرده‌اند و سمبل و نماد پیروزی خود را مشخص نموده‌اند. بر این اساس می‌گویند "زن، زندگی، آزادی"، چرا؟ زیرا می‌دانند حکومت علیه زنان است، به همین دلیل می‌گویند، زن. بر این اساس باید از حقوق، هویت و وجود زن‌ها صیانت شده و براساس حقیقت معنای آن مبارزه کنند. زن و زندگی به این دلیل است که حکومت و آخوندها هیچ معنا و مضمونی برای زندگی مردم باقی نگذاشته‌اند. خلقی که نان، کار و زندگی شرافتمندانه دارند، درحقیقت فلسفی، امروز نان ندارند، خانه ندارند و زندگی برای آن‌ها باقی نمانده است. آن‌ها خواستار آزادی و زندگی برابر هستند. اما حکومتی که اساس و بنیادش علیه آزادی است به هیچ‌وجه دموکراسی را نمی‌پذیرد و براساس اسارت و بردگی خلق حکومت خود را اداره می‌کند، به همین دلیل خلق سمبلی برای خود پیدا کرده و با جان و دل می‌گویند "زن، زندگی، آزادی" و این رمزی است برای مقاومت و برای پیروزی. بدون شک این موضوع بسیار باارزش بوده و باید برای آن ارزش بسیاری قائل بود؛ و اما در نقطه مقابل رژیم و عوامل استعمارگر جمهوری اسلامی در وضعیت کنونی هر رویکرد دموکراتیک را ضد امنیت ملی و تجزیه‌طلبی قلمداد می‌نماید. اشخاص وفادار رژیم که در سرکوب خلق‌های ایران نقش داشته‌اند، از سوی رژیم دوباره زنده و فعال شده و مسئولیت‌های را در نظام و نهادهای آن برعهده می‌گیرند. نبود شفافیت و وجود فساد فراگیر بنیان‌های وجودی رژیم را تا بیخ استخوانش فاسد نموده است. نظام پس از این شرایط دیگر به هر شخصی اعتماد ندارد. به همین دلیل تغییراتی در نهادهای امنیتی و دولتی خود به وجود آورده است. بعضاً تنش‌ها و بگومگوهای زبانی میان مسئولین رژیم نیز رخ می‌دهد که این تنها جنگی زرگری است.

عمده تغییراتی که در این مدت در بدنه ساختار مدیریتی رژیم ایجاد شده است، سیاست داخلی و خارجه را در راستای

مردم آزادی‌خواه ایران نزدیک به یک‌سال و نیم است که با تمام قوا، در برابر استبداد حاکم قد علم کرده‌اند. آنان هزینه آزادی را با خون خود، با خون فرزندان‌شان می‌پردازند. این انقلاب تمامی مرزهای طبقاتی، ملی-اتنیکی و سیاسی و حزبی را در هم شکسته است؛ زیرا که بر پایه آشکارترین چالش قرن یعنی آزادی زنان بنا شده است. "آزادی زن، آزادی جامعه است!" و این استراتژی شعار مشترک مردم در تمامی جغرافیای این سرزمین است؛ "ژن، ژیان، آزادی!". جامعه‌ای که در آن زنان فاقد حقوق برابر نباشند، هرگز به دموکراسی نخواهد رسید. مبارزهای که زنان نیز در صف مقدم آن نباشند، قطعاً به آزادی ختم نخواهد شد. بنابراین ژن، ژیان، آزادی، پرچم، فلسفه و شعار مشترک آزادی جامعه ایران است.

قیام پیشرو، مدرن و هدفمند مردم آزادی‌خواه ایران، نه تنها پایه‌های رژیم استبدادی موجود را به لرزه درآورده است، بلکه جهان را نیز در شوک فرو برده است. تمامی احزاب طبقاتی محور و ناسیونالیست محور نیز در پس گردوغبار برخاسته از مبارزات زنان، ناپدیدار گشته‌اند. مردم ایران و قیام آنان با محوریت آزادی زنان نشان داد که تئوری‌های قرون گذشته جهت آزادی‌های طبقاتی و رهایی ملی، دیگر قدیمی و اکسپایر شده‌اند. آزادی زنان در اولویت نباشد، زندگی و آزادی اجتماعی و طبقاتی نیز وجود نخواهد داشت.

دیگر بر همگان آشکار است که ماهیت رژیم ایران ماهیتی استبدادی، وحشیانه و فاسد است. جامعه و تمامی نیکاندیشان جهان به ماهیت این نظام پی برده است. اگر امروزه نگاهی چه در منطقه و چه در سرتاسر جهان بیاندازیم همه انسان‌ها، اقشار مختلف و حتی ملیت‌های مختلف دیگر، نه فقط خلق ایران بلکه همه خلق‌های جهان، حتی خلق‌های آزادی‌خواه و دموکراتیک دیگر در حال بلند نمودن صدای شعار علیه رژیم مرتجع و دیکتاتور جمهوری اسلامی و نشان دادن موضع خود هستند. آن‌ها می‌خواهند ماهیت این حکومت را محکوم نمایند.

حکومتی که اساس و بنیادش علیه آزادی است به هیچ وجه دمکراسی را نمی پذیرد و بر اساس اسارت و بردگی خلق حکومت خود را اداره می کند، به همین دلیل خلق سمبلی برای خود پیدا کرده و با جان و دل می گویند: زن، زندگی، آزادی؛ و این رمزی است برای مقاومت و برای پیروزی

عملی کردن سناریوهای سرکوب و خفقان به پیش می برد. دولت پنهان یا موازی نظام حی و حاضر بر سر قدرت است و سیاست های یکدست سازی و خالص سازی های رژیم تنها معنای سرکوب، تشدید گرسنگی و انقیاد خلق ها را می دهد. حاکمیت ایران و دول سازشگر و همسو با او می کوشند راهکارهای جنگ و بحران و نسل کشی را جایگزین اهداف و مطالبات اساسی جنبش اجتماعی و انقلابی ایران سازند. بنابراین جنبش اجتماعی و نافرمانی مدنی در ایران که یک حق دموکراتیک است نباید تحت تأثیر امواج متلاطم جنگ و بحران منطقه ای به سمت و سوی سرکوب و نابودی حرکت کند. راه کار این موضوع مورد بحث نیز توسل به سازماندهی مدنی است که می توان خطر نابودی را برطرف سازد این تنها شانس برای نابودی فاشیسم است.

در بخش اتفاقات منطقه ای، سیاست های خارجی و همچنین روابط بین الملل نظام جمهوری اسلامی به این نتیجه می رسیم که سیاست سرکوب در داخل و سازش مقطعی با قدرتهای جهانی، مسئله ای است که نظام ولایی در این مدت یک سال و نیم بدنبال آن بوده و این مسلما همیشه ادامه نمی یابد که حاکمیت را از سقوط نجات دهد.

رژیم ایران در داخل، جنگ سرکوب علیه جامعه و در خارج توافقاتی برای بقا امضا می کند. از طرفی هم گروه بازی و جریان سازی میان تندروهای اصولگرا به راه انداخته اند تا تحت نام انتخابات نمایشی، توده ها را مشغول سازند و ذهن شان را از توجه عمیق به سیاست و انقلاب ژن، ژیان، آزادی منحرف سازند. این یک فکت نه بلکه یک وضعیت پرمخاطره و نوعی مهندسی جنگ سرکوب علیه جامعه و ملیت هاست. در مقابل نیز اینطور نیست که خلق ها و ملیت ها هیچ برنامه و یا پتانسیل و نیرویی برای خنثی سازی برنامه های تهاجمی نظام

حاکم نداشته باشند و قطعاً بیداری جامعه، رژیم را به تقلا برای بقا بر سر قدرت واداشته است، پس بعید نیست که با این میزان از خشونتها، ورق علیه خود رژیم برگردد.

رژیم ایران حتی در روابط خارجی خویش نیز در مورد جامعه ایران و سرنوشت آن با قدرت های خارجی بر سر میز معامله مزورانه می نشیند. در خصوص گفتگوهایشان با آمریکا هیچ شفافیتی در قبال جامعه ندارند. واقعیت ها را از توده های خلقی پنهان می دارند. هم اکنون ایران در مقوله حفظ و بقای گروه های نیابتی اش در کشورهای عربی بویژه عراق، سوریه، فلسطین، لبنان و یمن با بزرگترین نگرانی ها و خطرات روبرو است. سران نظام می کوشند برنامه ریزی آمریکا برای تضعیف و نابودی گروه های نیابتی خود در آن کشورها را خنثی سازند لذا تمامی امکانات مالی و نیروهایش را از جامعه خود گرفته و در آن راه ها خرج می کند. ظاهرا در حوزه سیاست و روابط بین الملل، نظم روابطش با روسیه در شرف به هم خوردن است. در قضیه نوع برخورد با آمریکا و روسیه بر اساس اصل منافع کوتاه مدت و سیاست ورزی مرحله ای می اندیشد نه ایجاد هم پیمانی با برخی کشورها در راستای منافع درازمدت؛ زیرا در مرحله کنونی، مقوله هم پیمانیها در خاورمیانه بر هیچ اصل دوستانه ای استوار نیست. هم اکنون که یک نظم نوین در خاورمیانه در شرف شکل گیری است، ایران بیش از سایر کشورها مشکل آفرین و بیش از همه نیز آماج حملات ابرقدرت ها قرار دارد.

پیوستن رژیم به فلان گروه تجاری منطقه ای یا بین المللی برای تجارت تحریم شده و تشکیل بلوک های خاورمیانه ای گروه های نیابتی برای ایران کوتاه مدت خواهند بود. حتی سازش با آمریکا و اروپا هم جمهوری اسلامی را نجات نخواهد داد. این امر بدیهی بوده و هیچ شبهه ای در آن وجود ندارد زیرا رها کردن جامعه و اعلام همه اجتماع و خلق های ایران به عنوان دشمن معترض داخلی و سراسیمه حرکت کردن به سوی برخی قدرتهای جهانی و منطقه ای و دادن امتیازهای به ناچار فقط برای آنها شاید یک مُسکن مقطعی بوده و تنها می تواند چند صباحی بر عمر منحوس رژیم بیافزاید. گذشته از این موارد، دخالت های ایران در کشورهای همسایه و منطقه و تشکیل گروه های نیابتی مسلح از فلسطین تا یمن و سوریه و عراق، یک تهدید بلندمدت علیه خود ایران است که حتما در آینده ای نزدیک ورق را علیه خود بر خواهد گرداند. تبلیغاتی سوء با این ادعا که خیابان و خیزش های انقلابی ژن، ژیان، آزادی شکست خورده، صرفا با اهداف جنگ روانی علیه جامعه مدنی انجام می گیرد. زنده بودن جامعه ایران امروز به زنده بودن جنبش اجتماعی ارزشمند آن بستگی دارد. باید همه اقشار و توده ها قدر این جنبش خود را که امروز در مرحله تغییر تدریجی ذهنیت و فرهنگ ادامه دارد، بدانند. این جنبش اجتماعی در واقع همان انقلاب تدریجی و دموکراتیک خلق ها در

ایران و شرق کوردستان و تداوم خیزش‌های خیابانی است. این تبلیغات که سرکوب مطلق و کنترل کامل اوضاع و همه‌چیز در دستان حاکمیت فاسد است، یک دروغ محض می‌باشد. همه فعالیت‌های مدنی قابل‌مهار نیست و در این برهه رژیم حتی از آن توان مطلق نیز برخوردار نمی‌باشد.

زیرا فعالیت هسته‌های شهری آزادی‌خواه به طرق نافرمانی مدنی و حتی به صورت مخفیانه نشان از مهارناپذیری آن دارد. واقعیت این است که جامعه مدنی ناراضی و تحول‌خواه ایران فراروی یک انتخاب بزرگ دیگر و برداشتی یک گام مهم‌تر قرار دارد. وضعیت کنونی نشان می‌دهد که در این اوضاع، بزرگترین اپوزیسیون، تشکلهای جنبش اجتماعی هستند که باید میل به سازماندهی بیشتر و منسجم‌تر داشته باشد. این اپوزیسیون خودبنیاد جنبش اجتماعی، موتور محرکه همه اپوزیسیون‌های خارج نیز می‌باشد. جامعه آزادی‌خواه ایران نیک می‌دانند که تنها راه پیروزی، زنده نگه‌داشتن سازماندهی‌های مدنی و تقویت آن با اتحاد و اهتمام سراسری است و فقط با این رویه پیروز خواهند شد. همه این رویکردهای انحرافی رژیم چه در داخل و چه در خارج در قبال انقلاب نه‌تنها در آینده مانع شکل‌گیری و فوران مجدد نخواهد شد، بلکه زمینه‌ایست برای ادامه انقلاب در ابعاد وسیع‌تر، زیرا هم‌اینک و در این برهه از زمان با اینکه موج خیزش‌های خیابانی جنبش انقلابی ژن، ژیان، آزادی فروکش نموده، اما در ابعادی دیگر، در مرحله‌ی دیگر، به صورت اعتراضات مدنی دموکراتیک توسط زنان، نسل نو جوانان و اقشار کارگران، باننشستگان و زندانیان سیاسی ادامه دارد. قاعده این جنبش این است که شاید رژیم بتواند با تغییر در ساختار مدیریتی خود بُعد خیزش خیابانی آنرا برای مدتی سرکوب کند و خشونت عریان بکارگیرد، اما بُعد مدنی آن هرگز قابل سرکوب نیست. باتوجه به اینکه اقشار و توده‌ها به نسبت پایگاه و جایگاه‌شان روزانه به ضرورت تحول ساختاری در ایران فکر می‌کنند و لحظه‌به‌لحظه در فکر، ذکر و عمل خویش به جوانب مختلف جنبش انقلابی ژن، ژیان، آزادی می‌اندیشند، امیدوارکننده است که جنبش در بعد اجتماعی ادامه خواهد داشت. یک تحول ذهنیتی و فرهنگی در سراسر ایران پروسه‌ای انقلابی است که نزدیک به یک‌سال و نیم است تحت اندیشه و فلسفه ژن، ژیان، آزادی آغاز گردیده و برگشت‌ناپذیر است.

همانگونه که واقفیم یک پروسه تحول‌سازی ذهنیتی و فرهنگی در یک جامعه مخالف حاکمیت در هر وضعیت و کشوری آغاز گردد، آن حاکمیت فقط قادر است در زمینه‌های خیابانی آن را سرکوب کند یا فشار امنیتی و سیاسی وارد کند. هرگاه این پروسه به یک جنبش مبدل گشت، دیگر سرکوب کامل آن ناممکن است. جنبش وقتی دارای ابعاد کامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ایدئولوژیک - پارادایمی و مدنی باشد، اگر تمام دستگاه‌های سرکوب‌گر حاکمیت سلطه‌گر ایران

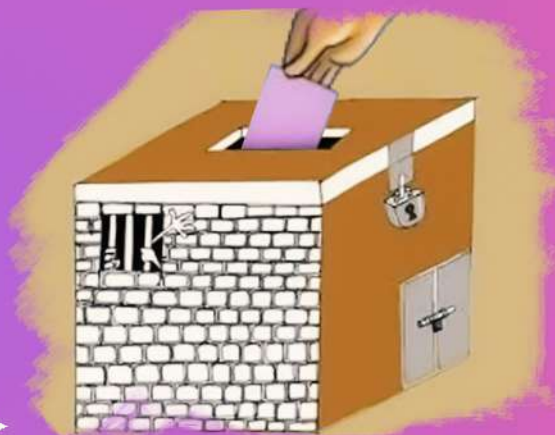
نیز بسیج شوند، باز شکست این جنبش ناممکن است. به عنوان نمونه، جنبش مشروطه در ظاهر سرکوب شد، اما امروز آن جنبش بصورت کاملاً تحول‌یافته و به‌روزتر مطابق خصوصیات زمانه، ادامه دارد. پس نتیجه اینکه سرکوب مطلق یک جنبش فکری و سیاسی مترقی، یک خیال خام است.

مؤلفه‌ی دیگر تحول‌ساز در هر جامعه‌ای بحران و رکود مستمر است. همانا که در ایران چنین وضعیتی با شدت و حدت هرچه بیشتر ادامه دارد و جامعه و حاکمیت را مقابل یکدیگر قرار داده است. انقلاب ژن، ژیان، آزادی اثبات کرد که خلق‌ها هرگاه بخواهند و اراده نمایند، می‌توانند همه مشروعیت‌ها را از رژیم سلب نمایند، حتی قدرت نظامی‌گری را. رژیم سرکوب‌گر جمهوری اسلامی در این مدت یک‌سال و نیم گذشته در تمامی موجودیت دستگاه‌ها و نهادها تجدیدنظر کرده و ساختار و برنامه‌های مدیریتی خود را مطابق تشکل یک رژیم دسپوتیک و فشار نظامی بازتنظیم نموده است. جامعه باید با هوشیاری خود متوجه این جنبه‌های خطرناک رژیم باشد. اپوزیسیون باید عمیقاً هوشیار بوده و نیروهای دموکراتیک نیز مرتب برنامه‌های متناسب با تحولات داخل ایران را باز تنظیم نماید.

جان کلام اینکه با تمامی این اوصاف و نظریه‌ها باید واقف بود که به موجب گسترش مبارزات، مقوله آزادی خلق‌ها در ایران و بخصوص خلق کورد به‌نوعی به آزادی فیزیکی رهبر آپو گره خورده و این یک واقعیت انکارناپذیر است، زیرا آفریدگار شعار و فلسفه ژن، ژیان، آزادی ایشان هستند که امروزه تمامی ایران را نیز درنور دیده، پس اگر به پاس احترام به آزادی و حیات آزاد در کارزارهای آزادی فیزیکی رهبر آپو مشارکت شود، فضای فعالیت روشنفکری و آزادی‌خواهی در میان آنها هم گسترش خواهد یافت. جوامع روژملات کوردستان و ایران، جوامع روشنفکری پیشتاز در خاورمیانه هستند پس لازم است به صورت گسترده در کارزارهای آزادی‌خواهی و روشنفکری عقب نمانند. حمایت از رهبر آپو حمایت از خلق کورد و حمایت از خلق کورد هم پشتیبانی از پروسه آزادی خلق‌های ایران است.

باید واقف بود که به موجب گسترش مبارزات، مقوله آزادی خلق‌ها در ایران و بخصوص خلق کورد به‌نوعی به آزادی فیزیکی رهبر آپو گره خورده و این یک واقعیت انکارناپذیر است

در دو راهی انتخابات



رامین گارا

و باندگرایی حتی درون‌سازمانی خود، قدرت را بصورت کامل در همه حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره قبضه کنند. در طول ۴۴ سال گذشته، تمامی کابینه‌ها، احزاب و گرایش‌های مسلط باندگرایی سلطه‌جویانه در ایران توسط جناح‌های رقیب وابسته به تنه نظام تعیین شده‌اند. در چنین فضایی نباید انتظار داشت که مشارکت جمعی جامعه تبلور یابد، زیرا مردم اساساً توسط جناح افراطی اصولگرایی حذف شده‌اند. فرهنگ و عقلانیت هم بخاطر این رفتار انحصارجویانه رخت بر بسته‌اند. آنچه امروز دیده می‌شود، بخاطر سیاست خالص‌سازی و حذف دیگران، گروه‌های سیاسی در میدان نیستند زیرا حذف شده‌اند. حتی اصلاح‌طلبان و اصولگرایان نرم‌رفتار هم که از تنه خود نظام هستند، توسط اصولگرایان افراطی حذف شده‌اند. یک انتخابات در شرف برگزاری است که رقابت‌های آن فقط میان باندهای درون جناح اصولگرایی انجام می‌گیرد و در درون آن جناح افراطی‌ها ارجح‌تر از سایرین نیز شده‌اند. به دلیل اینکه اصل نظام جمهوری ولایی ایران بخاطر سلب مشروعیت آن از طرف جامعه در خطر است و تهدیدات خارجی هم مدام آن را می‌آزارد، رفتارشان بشدت خشن و خشونت‌بار گشته، لذا به حذف دیگران دست زده‌اند تا بقای خود را تضمین کنند.

امروز اگر از منظر یک رشته کاملاً تازه مطالعاتی تحت نام «پسفولوژی» به معنای مطالعه انتخابات و رفتار رأی‌دهندگان، به قضیه انتخابات اسفندماه ایران بنگریم،

انتخابات مجلس ایران و مجلس خبرگان در ۱۱ اسفندماه آینده برگزار خواهد شد. در سپهر سیاسی یک کشور، برگزار انتخابات آن هم بصورت دمکراتیک و برابر برای تمامی نیروهای سیاسی، بسیار ضروری است، اما امروز در ایران به دلیل حاکمیت تندروهای فاشیست و شوونیست، انتظار برگزاری یک انتخابات دمکراتیک غیرممکن است. چه‌بسا اصل نظام جمهوری ولایی ایران بیمار است و دچار سرطان انحصارطلبی کامل شده و آن را با سیاست حذف غیرخودی‌ها و نیز توسل به سرکوب و خشونت عریان انجام می‌دهد. این سیاست را نیز خالص‌سازی عنوان می‌کنند که توسط افراطی‌ها با هدف کسب انحصارات قدرت و سرمایه انجام می‌شود. انتخابات هم در جریان این ذهنیت ضاله و سیاه رژیم صرفاً بخشی از سیاست حذف جامعه و دگراندیشان می‌باشد. اصولگرایان که سوار بر موج این انحصارات کامل هستند، افراطی‌ترین اشخاص را بصورت جنون‌آمیز و افسارگسیخته وارد میدان کرده‌اند و قصد دارند با جناح‌بازی

نشان می‌دهد که شاید اصولگراها هم تا به اینجای کار با چند لیست وارد میدان انتخابات شوند. بنابراین همه سازوکارهای معرفی کاندیداهای به تعبیر خود آنها «اصلاح» و شناساندن لیست، همه یک بازی عوامفریبانه بیش نیست. همه، نمایشی مزدورانه برای کشیدن مردم به پای صندوق‌های رأی است تا به افراطی‌ها رأی بدهند. نه جامعه و نه رقبای از رمق انداخته شده اصولگرایان افراطی، هیچکدام در تبوتاب انتخاباتی نیستند. حتی اردوگاه اصلاح‌طلبان و اعتدالیون دیگر بخاطر اوج‌گیری روزافزون سیاست خالص‌سازی و بکدست کردن قدرت، امیدهایشان را از دست داده‌اند. چهره‌های شاخص هم اصلاح‌طلبان و هم میانه‌روها یکی یکی ردصلاحیت می‌شوند. حتی اصولگراها در نظر دارند که اجازه ندهند که حسن روحانی در انتخابات مجلس خبرگان کاندید شود.

ردصلاحیت‌ها و تغییر خودسرانه قوانین انتخابات به نفع اصولگرایان، کاری کرده که ممکن است اصلاح‌طلبان و اصولگرایان حتی با ایجاد ائتلاف هم قادر به کسب موفقیت نگردند. این دو جناح بالاخره تصمیم گرفتند که انتخابات را تحریم نکنند و شرکت کنند، اما با طرح پیش‌ثبت‌نام که در مجلس رژیم تصویب شد، امکان حضور را از اصلاح‌طلبان گرفته‌اند.

مسئله فوق‌بحران‌های زنجیره‌ای و دامنه‌دار در ایران هم خود مزید بر علت است. وقتی اینهمه بحران ساختاری و سیستماتیک در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره وجود دارد، وقتی مردم از خیابان تا زندان سرکوب، شکنجه و اعدام می‌شوند، دیگر انتظار برگزاری یک انتخابات سالم که در چنین نظام دیکتاتوری اصلا محلی از اعراب ندارد.

هم‌اکنون دشمنی اصلاح‌طلبان و جبهه‌پایداری بسیار عمیق است. پایداری بدنبال حذف کامل اصلاح‌طلبان است. اصلاح‌طلبان با صراحت کامل اصولگرایان افراطی را به عدول از خط خمینی و اصل نظام متهم می‌کنند. در آن سو، اصولگرایان هم به بهانه همراهی اصلاح‌طلبان با دشمنان خارجی و اصلاح‌طلبی مخرب، آنها را حذف می‌کنند و با سیاست خالص‌سازی، سعی می‌کنند رقیبی در قدرت برای خود باقی نگذارند. همه اصلاح‌طلبان و میانه‌روها را از فیلتر شورای نگهبان خودساخته می‌گذرانند و مهره‌ها و چهره‌های اصلی آنها را از میدان به‌در می‌کنند. می‌کوشند افراطی سطح‌پایین که مشهور نیستند ولی مثل موم در دستان خود آنها هستند را بعنوان کاندید به اصلاح‌طلبان بسیار ضعیف شده تحمیل کنند. با این طرفند مهارشان می‌کنند. این وسط جامعه

می‌بینیم که چیزی از نظارت استصوابی گرفته تا ردصلاحیت‌ها و حذف همه رقبای حتی اصلاح‌طلبان که از جنس خود آنها هستند، و نیز حذف مردم و شهروندان، وضعیت پیش آمده که انتخابات نه بلکه یک جریان پریهایوی انتصابات از پیش تعیین شده با سردواندن جامعه و عوامفریبی، انجام خواهد گرفت. اردوگاه افراطی اصولگرایان هم موج‌سوار این جریان می‌باشد. بنابراین در چهاردهه و اندی از عمر نظام جمهوری ولایی تاکنون به اندازه امسال شاهد «حذف مشارکت سیاسی» هم در جامعه و هم در میان جناح‌های خود رژیم نبوده‌ایم. عملاً فرصت انتخاب را از جامعه گرفته‌اند. اصولگرایان همه مظاهر یک انتخابات عادی را هم از میان برده‌اند. وقتی بصورت استصوابی و با نظارت شدید حذف‌گرایانه تمامی طیف‌های مخالف و یا رقیب حذف شده‌اند، دیگر نه نظارت بر سلوک نامزدهای انتخاباتی مهم است و ناظر بودن بر روش انتخاباتی رأی‌دهندگان، زیرا فقط یک جناح و باند افراطی حق برنده شده دارد و این حق از پیش برایش توسط شورای نگهبان و اصولگرایان حاکم نظام، تعیین شده است. نه شخص و نه حزب و نه جریان سیاسی در یک فضای رقابتی به سر نمی‌برند پس انتخاباتی وجود برگزار نخواهد شد که در آن، برون‌دای به نام «رأی» وجود داشته باشد. همه آرای مردم از پیش دزدیده شده‌اند.

اصولگرایان، اصلاح‌طلبان و میانه‌روها هم با صف‌آرایی باندهای خود و منافع کثیف‌شان مشغول ایجاد اردوگاه‌های خود و خط‌کشی‌های انتخاباتی منفعت‌پرستانه خودشان هستند. رقابت مافیایی میان باندهای نظام کاری کرده که حذف رقبای توسط افراطی‌ها این انتظار را ایجاد کند که تا روزهای نزدیک به انتخابات هم همچنان لیست‌های این باندها مدام تغییر کند و بسیاری ردصلاحیت و از میدان خارج گردانده شوند.

هم‌اکنون گفته می‌شود که سه اردوگاه سیاسی تحت نام «اصولگراها»، «اصلاح‌طلبان» و سایر اردوگاه‌های احزاب کوچک وجود دارند، اما با توجه به سیاست خالص‌سازی، ردصلاحیت‌ها و فقدان یک فضای دموکراتیک، مسلم است که فقط اردوگاه اصولگرایی از همه حقوق برخوردار است و سایرین تحت فشار هستند. برای نخستین بار در تاریخ نظام دیکتاتوری و فاشیستی مشاهده می‌کنیم که حتی اردوگاه اصولگرایان در مسایل درون‌سازمانی خود با هم وحدت ندارند. زیرا رقابت میان خود اصولگرایان هم براساس منافع باندهای درونی آن انجام می‌گیرد. تمامیت‌خواهی اینبار اصولگراها که جنون‌آمیز شده،

عریان علیه جامعه و شکنجه و زندان و اعدام علیه فعالان سیاسی و مدنی، دیگر دست آنها را رو کرده و رأی مردم را می‌سوزاند.

هم‌اکنون طبق معمول، دعوای رسانه‌ای پایداری‌ها و تیم قالیباف ادامه دارد. همه آنها به فانتزی‌گرایی و خیالبافی برای انحصار کامل قدرت و سرمایه علاقه جنون‌آمیز دارند. شاید این اختلافات درون اردوگاه اصولگرایی از زاویه دید از خارج، شکاف محسوب نشود، اما در درون سازمانی نوعی شکاف به حساب می‌آید. بخاطر اینکه اصولگرایان افراطی وابسته به اصل نظام فاشیست به وجود یک فرد انتصاب‌شده در قدرت و نهادهای حکومتی و دولتی اعتقاد دارند و در عمل هم به آب و آتش می‌زنند تا آن را عملی سازند، بنابراین در آن‌روی دیگر سکه خالص‌سازی، به تعبیر خود آنها «ناب‌گرایی» را ترویج می‌دهند. ناب به آن معنی که فقط یک اصولگرای افراطی دارای حق است و می‌تواند انتصاب شود و یا در یک انتخابات نمایشی برنده اعلام شود و از رأی مردم هم سوء استفاده ابزاری می‌شود. پس مشخص است که کمشکس و هوس به قدرت چقدر میان آنها که فقط خود در میدان مانده‌اند، شدید است.

امروز اصولگرایان که دیگر رقبا و مخالفان خود را از میدان بیرون رانده‌اند، خود علیه یکدیگر به دسیسه و توطئه دست می‌زنند. دو جریان به نام‌های «جبهه پایداری» و «شریان» از آن طیف از اصولگرایان هستند که بشدت به هم می‌تازند و با هم رقابت حذف‌گرایانه دارند. طیفی از اصولگرایان به نام شریان اخیراً در افراطی‌ترین گروه بشدت به باند دیگر خود آنها یعنی به باند محمدباقر قالیباف بشدت می‌تازد. قالیباف از آن

هم بطور کلی حذف شده است و رأی آن فقط نقشی نمایشی خواهد داشت. اساساً اصولگرایان افراطی به سطح بسیار پایین مشارکت مردمی راضی هستند. همه چیز در این نظام یک بازی نمایشی است. وقتی اصلاح‌طلبان هم‌ذات خود را در درون نظام واحد فاشیستی‌شان به «غریب‌گرایی» متهم می‌کنند، یک ضربه و فرار رو به جلو است. ریشه این افراطی‌ها به «مصباح یزدی» و «انجمن حجتیه» برمی‌گردد که به هر ترفندی برای فریب مردم به نام اسلام دست می‌زنند.

جبهه پایداری بعنوان قوی‌ترین جناح اصولگرا می‌کوشد در همه استان‌ها افراد نخبه و توانا را برای کاندیدکردن آنها در انتخابات مجلس اسفندماه شکار کند تا آبروی ریخته شده اصولگرایان در دو سال گذشته را جمع کند. در این دو سال اصولگرایان تمامی نخبگان و شایستگان و توانمندان متخصصان را حذف و پاسداران و نوچه‌خوران خود را در نهادها به کار گماردند ولی انتقادات و مخالفت‌ها و دشمنی‌های شدیدی علیه آنها صورت گرفت. باید متوجه شد که وضعیت اکنون جناح‌های ایران چگونه است و شکاف‌ها و جدال‌ها در چه حدی می‌باشد.

موتور محرکه اردوگاه اصولگرایی یعنی «جبهه پایداری» که بخاطر سیاست یکدست‌سازی و خالص‌سازی همه رقبا را سرکوب و از میدان به‌در کرده‌اند، بسیاری آنها را پیروز نهایی انتخابات ۱۱ اسفند مجلس ایران می‌دانند. این جبهه مافیایی رفته‌رفته برنامه‌های انتخاباتی خود را رسانه‌ای می‌کند. صادق محصولی دبیرکل جبهه پایداری است و آقاظهرانی یکی از مهره‌های شیدان آن می‌باشد که هم‌اکنون نماینده مجلس می‌باشد.

اختلاف عمیق جریان قالیباف با جبهه پایداری ریشه‌های مختلفی دارد اما ریشه اصلی آن اختلافاتی بر سر سهم لیست‌ها و البته سرلیستی در انتخابات مجلس یازدهم است. ماجرای که از پیش از ایام انتخابات مجلس یازدهم شروع شده بود و پایداری‌ها از همان زمان هم رضایتی برای سرلیستی قالیباف نداشتند. این روزها پایداری‌ها مکرراً بر مساله عدم الزام برای وحدت با ادبیاتی مختلف تاکید می‌کنند؛ صادق محصولی، دبیرکل جبهه پایداری با صراحت از در دستورکار قرار دادن استراتژی قدیمی این تشکل و میراث مصباح‌یزدی برای پایداری‌ها یعنی اهمیت «انتخاب اصلح» گفته است که منظور آنها حذف دیگران و انحصار کامل قدرت با توسل به یکدست‌سازی است. پس بنیان خود رژیم با این باندبازی‌های درون‌سازمانی اصولگرایان لرزان شده و آخرین حربه آن یعنی سرکوب

اصولگرایان با این سیاست خالص‌سازی و خیز برداشتن برای قبضه کامل انحصارات، یک جریان برن‌دینگ‌سازی برای خود به راه انداخته‌اند. مسلماً این جریان و این بازی آخر سر ختم به خیر نخواهد شد زیرا با واکنش مردم ناراضی مواجه می‌شوند

که شدت آسیب‌دیده می‌شوند، ناچار به واکنش‌های جدی خواهند شد. انتخاباتی که با سیاست خالص‌سازی و انحصارات کامل، مهندسی می‌شود، هدفش فقط مهندسی اجتماعی است و مردم را بعنوان موجودیت و هویت سیاسی، له می‌کنند. جامعه تاحدی توان تحمل این فشار مخرب را خواهد داشت و در یک جایی مجبور به واکنش جدی خواهد بود. آنجا که اصلاح‌طلبان و میانه‌روها از سوی افراطی‌های اصولگرا «ضدانقلاب» خوانده می‌شوند، دیگر باید چه انتظاری داشت که مردم ایران که اکثرا ناراضی هستند، اغتشاشگر خوانده نشوند و سرکوب عریان نگردند.

با توجه به شرحی که در فوق آوردیم، باید دید که چه کسی علیه چه کسی کودتا کرده و یا می‌خواهد کودتا کند. آنچه میان باندهای درون جناح اصول‌گرایان تحت نام‌های «شریان»، شورای وحدت، جبهه پایداری، مؤتلفه اسلامی، پیروان خط‌امام و رهبری و طیف قالیباف» روی می‌دهد، کودتای سیاسی علیه یکدیگر است. در واقع صحنه‌آرایی باندهای درون جناحی اصول‌گرایان برای کودتا علیه جریان قالیباف و طرفدارانش، ماهیت اصل نظام را در برهه کنونی نشان می‌دهد. اینجاست که نقش مردم دیگر محلی از اعراب ندارد. جامعه کاملا حذف شده و صرفا می‌کوشند از آن بعنوان زینت‌بخش ویتترین انتخابات استفاده کنند تا افکار عمومی را فریب دهند. هرکدام یک جریان قدرت‌طلب ایجاد کرده‌اند که به دیکتاتوری خودمحرورانه درون نظام دست می‌زنند. این است واقعیت این رژیم که ملغمه‌ای است از جریان‌های قدرت‌بازیرگر در درون یک نظام دیکتاتوری و دولت‌های موازی آن.

در چنین دولتی که نابودی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی رخ داده، مقوله انتخابات بشدت منقضی گشته. پس اصل کار این است که به دنبال تغییر کامل ساختاری بود و نظامی دمکراتیک و خلق‌محور آینده ایران را تعیین کند. تفکر اصول‌گرایی فراتر از یک انتخابات، به معنای تورم، فروپاشی اقتصادی، بیکاری، فقر، گرسنگی، ستم علیه خلق‌ها و نسل‌کشی فرهنگی آنها و سرکوب عریان خیابان، اقشار و اصناف. اینجاست که انتخابات در چنین نظام و کشوری به یک بازوی سیاسی میدل شده است، پس آنچه روی می‌دهد فراتر از بازی سیاسی که خلق را ناچار به فکری عمیق در این خصوص وامی‌دارد. برای همین در لوای انتخابات خلق‌های ایران برای احقاق حقوق انسانی به تداوم جنبش ژن ژیان‌نازادی خواهند پرداخت.

دسته از اصول‌گرایان است که در قوه مقننه که مجری سیاست‌های «خالص‌سازی» است، در واقع «دیکتاتوری پارلمانی» ایجاد کرده. اصول‌گرایان این روزها در رقابت درون جناحی خود خصوصا در جریان رقابت میان «جبهه پایداری» و «باند قالیباف» یکدیگر را به «کودتا علیه همدیگر» متهم می‌کنند. چنین فضایی که توسط باندهای مخوف درون جناحی شکل گرفته، چگونه می‌تواند نقشی به مردم و مشارکت آنها بدهد! این بازی‌های کثیف یعنی حذف بی‌رحمانه رأی مردم. حتی اگر ائتلافی میان خود باندهای اصول‌گرایان شکل گیرد، بازهم یک بازی قدرت بیش نخواهد بود.

این روزها در جریان بازی رقابت و حذف در درون جناح اصول‌گراها، حتی دولت هم مورد هدف قرار می‌گیرد. هم دولت رئیسی و دولتی‌ها علیه قالیباف فعالیت می‌کنند و هم قالیبافی‌ها علیه دولت و جبهه پایداری. پس یک بازی کثیف چندلایه و چندباندی در جریان است که حرف زدن از نقش مردم در انتخاباتی که اینها برگزار می‌کنند بادهواست. سهم‌خواهی هرکدام از این باندها چنان خوفناک است که وجود چیزی به نام جامعه و مشارکت مردمی و نیز احزاب رقیب را کاملا به فراموشی می‌سپارد چون آنها از نظر اصل نظام افراطی، حذف شده تلقی می‌گردند و موجودیت‌شان صرفا نمایشی و دکوری است.

اصول‌گرایان با این سیاست خالص‌سازی و خیز برداشتن برای قبضه کامل انحصارات، یک جریان برندنینگ‌سازی برای خود به راه انداخته‌اند. مسلما این جریان و این بازی آخرسر ختم به خیر نخواهد شد زیرا با واکنش مردم ناراضی مواجه می‌شوند. اقشار و توده‌ها و اصناف هم

تفکر اصول‌گرایی فراتر از یک انتخابات، به معنای تورم، فروپاشی اقتصادی، بیکاری، فقر، گرسنگی، ستم علیه خلق‌ها و نسل‌کشی فرهنگی آنها و سرکوب عریان خیابان، اقشار و اصناف. اینجاست که انتخابات در چنین نظامی و کشوری هیچ فایده‌ای ندارد

در نتیجه مقاومت و درایت رهبر آپو در امرالی جنبش زن، ژین، آزادی جهانی شد



کهاون چیاکو

بعد و در نتیجه درک خلاء سیاسی و اجتماعی منطقه به فکر در انداختن طرحی نو شد. در این راستا وضعیت را تحلیل کرده و تحلیلات ارزنده و جدیدی ارائه داد. البته به غیر از طرح آلترناتیو برای حل مسائل ملی و از جمله مسئله‌ی کورد تحلیلات جدیدی نیز در زمینه سوسیالیسم ارائه دادند. چرا که در آن زمان رثال سوسیالیسم شکست بزرگی متحمل شده بود و یأس و ناامیدی بر فضای چپ و سوسیالیستی مستولی گشته بود.

میتوان گفت آلترناتیوی که رهبر آپو در حال طرح ریزی آن بود بر پنج پایه استوار بود. از این قبیل:

۱- طرح تئوری و ایجاد بستر امکان حیات مسالمت‌آمیز فرهنگ‌ها و ملت‌های خاورمیانه با همدیگر با گذار از دولت - ملت و طبق معیارهای ملت - دموکراتیک.

۲- حل مسئله‌ی کورد بعنوان یک مسئله کلیدی در خاورمیانه خارج از مدل دولت - ملتی و طبق اصول ملت دموکراتیک. با اعتقاد به این که اگر این مسأله به شیوه‌ای درست و منطبق با بینش کورد آزاد چاره‌یابی گردد، فواید آن نه تنها برای کوردها بلکه تأثیر چشمگیری بر خاورمیانه و همه دنیا خواهد گذاشت.

۳- ایجاد جامعه‌ای سوسیالیستی و دموکراتیک که هم امکان تحقق خواسته‌های اجتماعی را داشته باشد و هم

به راستی وقوع توطئه ۱۵ فوریه ۱۹۹۹ و ربوده شدن رهبر آپو، به اندازه‌ی ترور ولیعهد اتریش در سارایوو که بهانه‌ای برای شروع جنگ جهانی اول شد، مهم و قابل تأمل است. اساساً میتوان گفت توطئه‌ی ۱۵ فوریه نیز نقطه‌ی آغاز جنگ جهانی سوم است. به چه دلیل؟ به سبب اینکه قدرت‌های سرمایه‌ جهانی که در صدد بازترسیم نوین خاورمیانه‌اند، تاب و تحمل آلترناتیو (جایگزینی) و مدل جدیدی جز آنچه که خود می‌خواهند را ندارند. آنها می‌خواهند با تمام توان از آلترناتیوهای انقلابی که می‌تواند جوابگوی وضعیت و خواسته‌های مردمان خاورمیانه باشد جلوگیری کنند. نمی‌خواهند ملت‌های این منطقه بتوانند آینده خود را به دست خود رقم بزنند و همیشه محتاج آلترناتیوهای وارداتی و تحمیلی این قدرت‌ها باشند. رهبر آپو در صدد ایجاد آلترناتیوی بود که خلق‌ها، ملل و جوامع خاورمیانه را از قید و بند اسارت استعمار و استثمار نجات دهد و یک آلترناتیو انقلابی، سوسیالیستی و دموکراتیک که منطبق با وضعیت تاریخی و اجتماعی خاورمیانه و کوردستان باشد را ارائه دهد.

میتوان گفت رهبر آپو در اوایل دهه ۹۰ میلادی، بعد از فروپاشی رثال سوسیالیسم و بخصوص از سال ۱۹۹۳ به

حکم اعدام صادر شد و در سال ۲۰۰۰ با لغو اعدام از سوی دولت ترکیه به طمع پذیرفته شدن در اتحادیه اروپا حکم اعدام رهبر آپو به حبس ابد تغییر یافت. در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ اردوغان به فاشیست‌های ترک در مورد سرنوشت رهبر آپو گفت: شما وظیفه‌ی خود را به درستی انجام ندادید. اگر شما او را در آن زمان اعدام کرده بودید، ما امروز دچار بلایی اینچنینی نمی‌گشتیم. رهبر آپو در چنین شرایطی با شیوه‌ای بسیار زیرکانه و هوشیارانه عمل کردند. یعنی هم پرنسیب‌ها و اصول را حفظ کردند و هم برای به اتمام رساندن پروژه‌های خود و بویژه برای آنکه بتواند با تلاش خود ملت کورد را به سرمنزل آزادی برسانند، با صبر و شکیبایی قابل ستایشی با قضیه رفتار کردند.

رهبر آپو در آثار خودش و بویژه در دفاعیات پنج جلدییش موسوم به مانیفست تمدن دموکراتیک می‌گوید: در ابتدا می‌خواستیم، احساسی با این قضیه برخورد کنیم و در نظر داشتیم من هم اعتصاب غذایی همچو شهید کمال پیر و یارانش در زندان آمد (دیاریکر) را آغاز کنم و تا شهید شدن آن اعتصاب را نشکنم. اما بعدها با تعمق فراوان به این نتیجه رسیدم که نباید چنین کاری کرد. نباید احساسی تصمیم بگیرم. حتی موقعیت و وظیفه‌ی خودم را با رفقای زندان متفاوت برشمردم.

ایشان می‌افزایند: وقتی که روزهای اول من را در زندان امرالی حبس کردند هر چند می‌دانستم که روزها و سال‌های سختی در این تنهایی به سر خواهم برد، اما به سبب این که یک ملت و هزاران انسان آزادیخواه در زیر لوای رهبری من قیام کرده‌اند و هزاران

زمانی که عیسی را به صلیب کشیدند، یارانش تنها برای او گریستند. آن وقت که محمد وفات کرد، نزدیکترین یارانش سه روز جنازه او را بر زمین نگاه داشتند و بر سر قدرت با همدیگر نزاع کردند و جنگیدند. زمانی که لنین مرد، هوادارانش حتی برایش هم اشک نریختند. اما هنگام توطئه بر علیه من و با به اسارت گرفتن من، ده‌ها انسان تن خود را به آتش کشیدند

آن که میل بسوی سوسیالیسم بروکراتیک و سرمایه‌داری دولتی نکند.

۴- ایجاد جامعه‌ای اکولوژیک که در آن در راستای سود و قدرت، طبیعت و محیط‌زیست تخریب نگردد.

۵- رهایی زن و ایجاد جامعه‌ای با برابری جنسیتی. در واقع مسأله زن که مسئله‌ای کاملاً، مهم و تأمل برانگیز است، رهبر آپو پایه‌های تئوریک اجتماعی و سیاسی خود را بر پایه آن بنیاد نهاد.

رهبر آپو دربدو اسارت خود در امرالی اشاره میکند که وقتی به امرالی آورده شدم به این فکر میکردم با کارهایی که تاکنون در راه مبارزه سوسیالیستی و همچنین در مورد مسئله‌ی کورد انجام داده‌ام می‌توانم تا حدودی به تثبیت وضعیت موجود امیدوار باشم یعنی با تلاش‌هایی که انجام داده‌ایم رفقا و خلق به آن سطح از آگاهی و هوشیاری رسیده و نهادهای ملی و اجتماعی هم در این زمینه به وجود آمده‌اند که اگر من هم نباشم، راهمان ادامه پیدا خواهد کرد و پیش خواهد رفت. اما تمام نگرانی من پروژه‌ی ناتمامی بود که در مورد آزادی زن شروع کرده بودیم و ترس من آن بود که با اسارتم متوقف گردد و کامل نشود و به سرانجام خود نرسد.

رهبر آپو در آستانه‌ی پنجاه سالگی به اسارت دولت فاشیست ترکیه و سیستم امرالی درآمد. اما با این وجود در آن شرایط سخت زندان امرالی هم دست از تداوم فعالیت‌های خود در عرصه‌ی اندیشه برنداشت. امرالی جزیره‌ای در دریای مرمره با هوای مرطوب جان‌فرسایش که در سال ۱۹۳۵ میلادی و در دوران جمهوری ترکیه به زندانی برای انقلابیون، آزادی‌خواهان، چپ‌گرایان و سوسیالیست‌ها تبدیل شد.

زمانی که رهبر آپو را به امرالی منتقل کردند بلافاصله حکم اعدام ایشان را صادر کردند و چنین گمان میکردند که رهبر آپو بعد از چند سال در این شرایط جوی و روانی از لحاظ جسمی، روحی و ذهنی توانش را از دست میدهد و حتی این وضعیت موجب مرگ ایشان می‌شود؛ به همین دلیل به خاطر اعمال فشار روانی مضاعف بر رهبر آپو حکم اعدام ایشان را تا مدتی به تعویق انداختند. بانیان سیستم امرالی فکر میکردند که درکنار شرایط آب و هوایی نامتعارف جزیره امرالی، در انتظار اعدام ماندن رهبر آپو فشار را بر رهبر آپو مضاعف خواهد کرد و مسئله چنان رقم خواهد خورد که آنان خواهانش میباشند.

لازم به ذکر است که سال ۱۹۹۹ برای رهبر آپو

نفر در این راه جان باخته‌اند، من نمیتوانم از این مهم صرف نظر کنم و بجای ادای وظایف انقلابی در قبال آنها به خود بیندیشم. پس می‌مانم و مقاومت می‌کنم و تا پایان به تلاش خود ادامه خواهم داد.

البته رهبر آپو قبل از زندانی شدن صاحب اندوخته بزرگ تئوریک و پراکتیکی در مبارزه بودند یعنی به هیچ‌وجه چنین نیست که همه چیز از دوران زندان امرالی آغاز شده باشد. اما نمیتوان این را هم انکار کرد که در دوران امرالی به آن اندوخته افزوده شد و تکوین یافت. درواقع رهبر آپو تهدید را به فرصت تبدیل کرد. یعنی این وضعیت را که میتوانست سبب از بین رفتنشان شود را به موقعیتی تبدیل کرد تا فکر و اندیشه‌ی خود را توانمندتر سازد. چون ایشان آگاه بودند که اگر جنبش به صورت بهتری منسجم نگردد و فکری به حالش نشود عرصه‌ی گریلا و درکل روش جنبش مورد تهدید قرار خواهد گرفت.

بطور معمول هرجنبشی که رهبران به اسارت درآید و یا کشته شود، به کج‌راهه رفته و ازهم فرومی‌پاشد و ازبین می‌رود. در زمان وقوع توطئه‌ی بزرگ بین‌المللی علیه رهبر آپو، خلق کورد قیام کرد و ثابت کرد که به رهبری خود پایبند است و وجود او را یک نیاز حیاتی و مبارزاتی میداند و درمسیر انقلاب راه پیمود و دست‌آوردهایی را هم کسب کرد، ولی هنوز به خواسته‌های نهایی خود نرسیده است.

رهبر آپو دراینباره بعد ازبرودنشان به همگان و بویژه به آنانی که به ناروا او را محاکمه کردند، چنین گفت: زمانی که عیسی را به صلیب کشیدند، یارانش تنها برای او گریستند. آن وقت که محمد وفات کرد، نزدیکترین یارانش سه روز جنازه او را بر زمین نگاه داشتند و بر سر قدرت با همدیگر نزاع کردند و جنگیدند. زمانی که لنین مرد، هوادارانش حتی برایش هم اشک نریختند. اما هنگام توطئه بر علیه من و با به اسارت گرفتن من، ده‌ها انسان تن خود را به آتش کشیدند و صدها اعتراض و راهپیمایی در هر چهار بخش کوردستان و خارج از کوردستان به راه افتاد که مبین دونکته است. اول این که حتما من ارزش و هویتی را به آنها بخشیده‌ام که چنین میکنند. ارزش و هویتی که اشغالگران از آنها سلب کرده بودند که با مبارزه‌ی من دوباره مالک و صاحب آن شدند. بدون شک این بهای آزادی و رهایی و دست‌یابی به هویت انسانی و ملی آنها بود که بعد از سال‌ها ترس و انکار دوباره صاحبش شده بودند که باعث تبدیل شدن فرد و جامعه‌ی کورد به یک مقام

انسانی، اجتماعی و ملی توأم با ویژگی آزادی و ارزش انسانی بود.

دوم آنکه، ملتی که اینچنین وفادار است را چگونه میتوان به حال خود رها کرد و پشتشان را خالی کرد و به آنها پشت کرد. در نتیجه من نمی‌توانم بطور احساسی تصمیم بگیرم و به همه چیز خاتمه دهم.

به همین سبب رهبر آپو تصمیم به مقاومت می‌گیرد و به تعمق بیشتری دراندیشه‌هایی که قبل از دستگیری داشتند، می‌پردازد به‌تغییراتی که دگماتیسم فرهنگ خاورمیانه، گرایش به‌ملی‌گرایی دولت - ملتی درون جامعه کورد و پ. ک. ک، همچنین دگماتیسم رئال سوسیالیسم بر سر راه تحقق این تغییرات مانع ایجاد کرده بودند، اندیشید و به تعمق؛ جهت یافتن راه و روش مناسب در راستای این امر مهم پرداخت. در این زمان بود که رهبر آپو برای جلوگیری ازاحتمال آسیب رسیدن به جنبش و تمهیدات لازم جهت تجدید قوا چند تصمیم استراتژیک و تاکتیکی را اتخاذ میکند.

اول؛ فرمان عقب نشینی به نیروهای گریلا از مناطق شمال کوردستان و ترکیه به مناطق کوهستانی تحت نفوذ گریلا در جنوب کوردستان در سال ۱۹۹۹ که توسط وکلای رهبر آپو به جنبش ابلاغ شد. بی شک این تصمیم سخت و دشواری بود. انجام فرمان عقب نشینی ازسوی گریلایی که سالها در شمال کوردستان فعالیت داشت و اکنون رهبرش به اسارت درآمده بود بسیار تلخ و ناگوار بود. فرمانی که اگر اجرا نمی‌گردید، خسارات جبران‌ناپذیری برجانبش وارد می‌آورد.

این تصمیم از سویی سبب اغفال دشمن هم شد آنها فکر می‌کردند این عقب‌نشینی برای همیشه آنان را از دست گریلا، خلاص می‌کند. رهبر آپو با این تصمیم در صدد بود که گریلا را از لحاظ روحی - فکری و تاکتیکی تجدید قوا کند و درنهایت دوباره به شمال کوردستان برگرداند. سرانجام این عقب نشینی با یک بحث و گفتگوی عمومی و همگانی در درون گریلا به اجماع کلی رسید.

در همین دوران و در سال ۲۰۰۰ رهبر آپو کتابی را تحت عنوان - چاره‌یابی دموکراتیک نوشتند و تعدادی ازتغییرات پایه‌ای پارادایمیک و جوهری از پارادایم نوین را روشن و معین نمودند. یعنی گذار از پارادایم قدرتگرا و دولت محور به سوی پارادایم دموکراتیک و جامعه محور. که بعدها و در نوشته‌های بعدی رهبر آپو تحت عنوان پارادایم جامعه‌ی دموکراتیک، اکولوژیک و مبتنی بر آزادی زن فرمول بندی گشت.

رهبر آپو درصدد ایجاد آلترناتیوی بود که خلق‌ها، ملل و جوامع خاورمیانه را از قید و بند اسارت استعمار و استثمار نجات دهد و یک آلترناتیو انقلابی، سوسیالیستی و دمکراتیک که منطبق با وضعیت تاریخی و اجتماعی خاورمیانه و کوردستان باشد را ارائه دهد

درمقابل تشعشع افکار و اندیشه‌های رهبر آپو قرار گیرد. وظیفه‌ی ملی، انسانی، اخلاقی، رفیقانه و انقلابی هریک از ما و همه‌ی مدعیان راه آزادی و سوسیالیسم فعالیت برای آزادی فیزیکی رهبر آپو از زندان امرالی و تلاش جهت گسترش هرچه بیشتر اندیشه‌های آزادیخواهانه و انتقال آنها به عرصه پراکسیس اجتماعی میباشد. یعنی پیوستن به کارزار آزادی فیزیکی برای رهبر آپو و رهایی کوردستان از یوغ استعمار است.

به هرروی در نتیجه‌ی مقاومت و درایتی که در طی این بیست و پنج سال از سوی رهبر آپو در زندان امرالی صورت گرفت امروز ما شاهد انقلاب روزآوا و اراده‌ی مبارزه‌ی عظیم ملی و اجتماعی در هر چهار بخش کوردستان هستیم. از سویی دیگر در نتیجه خیزش عظیم شرق کوردستان و سایر نقاط ایران بعد از قتل ژینا امینی شعار ژن، ژیان، آزادی با جاذبه‌ی افسونگرانه‌ی خود و محتوای فلسفیک و پارادایمیک خود به نیروی محرکه‌ی جنبش تبدیل شد و در سرتاسر ایران، خاورمیانه و جهان طنین انداز گشت.

کسی نمی تواند نقش رهبر آپو را در خلق فلسفه ژن، ژیان، آزادی انکار کند و این به نوبه‌ی خود حاصل مقاومت و درایتی بی نظیری است که در امرالی توسط رهبر آپو، مقاومت زندانیان آپویی در زندان و گریلاهای راه آزادی در کوهستانهای کوردستان و خلق کورد در هر چهار بخش کوردستان و جهان و سایر افراد و گروه‌های انترناسیونالیستی است که در اقصی نقاط جهان به این مقاومت پیوسته‌اند.

تمام این حقایق همه‌ی ما مدعیان آزادی را در برابر آزادی فیزیکی رهبر آپو مسئول میگرداند. در واقع رهبر آپو از لحاظ ذهنی و فکری لحظه به لحظه آزادی را زیست می نماید. به این معنی که اگر آزادی بعنوان عدم وجود موانع خارجی بر سر راه حرکت تفسیر گردد، سر دادن شعار ژن، ژیان، آزادی در اقصی نقاط جهان نشانگر آن است که هیچ گونه مانع خارجی نتوانسته



تکاب؛

آفریقای کوچک

شهر شهید هزار بیکس

تکاب یکی از کهن ترین شهرهای شرق کوردستان می باشد و در منطقه‌ی جغرافیایی ای به اسم هوشار که اسم باستانی آن هوت‌شار (هفت شهر) است، قرار گرفته است

هدف از نگارش این سطور شناساندن و تأمل بر ویژگی‌های اصیل بخشی از کهن دیار کوردستان به گونه‌ای موجز که به درازای تاریخ بشریت، نقش گهوارگی خویش را در اوج ایفا نموده و بعد از هزاره‌های متمادی از این زیبایی و هیجان حیات، شاهد روزهای شومی هستیم که چنین جغرافیایی را به دوزخی برای ساکنان آن بدل گردانده‌اند. مردمان این سرزمین غنی در حسرت پیدا کردن لقمه‌ای نان، آواره و دربدر غربت‌های دوردست گشته‌اند، تا که زیر بار خفتبار مستعمرگی به خائنان خلق‌شان بدل نگردند و در مقام کاسه لیسانی برای استعمارگران در نیایند و در انتظار بازگشت و یا به عبارتی دیگر بر ساخت دگر باره‌ی روزهایی که زندگی را در معنای واقعی آن می‌زیستند و نمود واقعی انسانیت بودند به حفظ ارزشهای اجتماعی و تاریخی‌شان بپردازند.

تکاب یکی از کهن ترین شهرهای شرق کوردستان می‌باشد و در منطقه‌ی جغرافیایی‌ای به اسم هوشار که اسم باستانی آن هوت‌شار (هفت شهر) است، قرار گرفته است. تکاب مابین شهرستان‌های سقز، دیواندره، بیجار، زنجان و شاهیندژ قرار گرفته است و دارای آب و هوایی معتدل با کوهستانهای بلند و برف گیر که با چشمه‌های جاری در منطقه، بهشتی وصف ناشدنی را در اذهان مجسم می‌سازد. بنا بر آثار باستان شناختی‌ای که از این دیار بدست آمده، تاریخ حیات بشری در آن به زمان‌هایی خیلی دورتر از ماقبل تاریخ (تاریخ نوشتاری) برمی‌گردد. بر مبنای آثاری که از دل خاک و بر روی خاک این کهن دیار یافته شده، قدمت سکونت انسان‌ها در آن به اعصار دیرینه سنگی برمی‌گردد. نقوش برجای مانده صخره‌ عقربلو که مابین شاهین دژ و تکاب قرار گرفته، تأییدی بر این ادعا است. در تاریخ نوشتاری نیز از این دیار به عنوان خواستگاه گوتی‌ها و لولوبی‌ها نام برده شده و بنا به آثار برجسته‌ای که می‌توان بر آنها سرپوش گذاشت و به کتمان آن پرداخت، از مراکز مهم سیاسی، آیینی و اقتصادی ماناها، مادها، ساسانیان و سلسله پادشاهی‌های بعد از آن بوده و امروزه نیز کماکان این موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک بودنش را حفظ نموده است.

بخشی از اهالی ساکن در شهرستان تکاب و روستاهای حومه‌ی آن مهاجرانی‌اند که از مناطق کرماشان، موصل و زاخو به آنجا نقل مکان کرده‌اند و همراه با آنان لهجه‌هایی از زبان کوردی، اعم از؛ گورانی، کلهری، لکی، چارداولی و کرمانجی در بسیاری از نقاط منطقه‌ی هوشار به گوش میرسد که این ویژگی سبب گشته که لقب کوردستان کوچک را بر منطقه بگذارند. بخشی از مردم قدیم این منطقه؛ گروس و اکثریت نیز سوران هوشار را شامل می‌شوند. همچنین ۲۰



چشم میخورد و علیرغم تاریخ کهن و ریشه داری که در بطن خویش دارد، هیچگونه فعالیت باستان‌شناسی گسترده‌ای در این خطه صورت نگرفته است و اگر هم فعالیتی انجام شده در راستای تاریخ‌سازی متقلبان‌ه‌ای است که منافع دولت-ملت حاکم را برجسته سازد که هیچ همخوانی‌ای با اصل تاریخ منطقه و مردمانش ندارد. این نیز بدان دلیل است که ریشه‌دار بودن و اهمیت منطقه از دیدگان نهان باشد و زمینه‌ساز اجرای دیگر جنگ‌های ویژهای که جهت کوچاندن و به یغما بردن ثروت و منابع این دیار گردد. از دیگر سو و در همین دوران معاصرمان؛ رژیم‌های اشغالگر حاکم بر جغرافیای ایران شش سد بزرگ را بر روی آبهای جاری و همیشگی این دیار احداث کرده اند و علیرغم غارت و چپاول تمامی منابع روزمینی و زیرزمینی، آب منطقه را نیز از ساکنان آن با قهر و غلبه دریغ داشته اند و آن را به کیلومترها دورتر از شرق کوردستان، جهت آباد سازی و افزودن بر درآمدهای سرمایه‌داران کشانده‌اند.

مردم این منطقه به آداب و رسوم کهن خود پایبندند، و به اموری از قبیل کشاورزی و دامداری مشغولند و از لحاظ ساختار اجتماعی به شیوه‌ی قبیله‌ای و عشیره‌ای زندگی می‌کنند. صنایع دستی اصلی این منطقه فرش هوشار می‌باشد که از بازرشترین فرشهای جهان محسوب می‌گردد و در بازار جهانی فرش به یکی از کاراکترهای اصلی آن بدل گشته است. خلق کورد و حتی دیگر خلق‌های هوشار؛ با زبان، لهجه و ملیس به لباسهای محلی خود و حتی ابراز آزادانه‌ی عقاید و باورداشت‌هایشان، زندگی می‌کنند و با دیدن آنها شمایی از موزائیک خلق‌ها را لمس می‌کنیم و با دیدن این همزیستی متعالی می‌توان یکی از اصول کیهانی و قوانین حاکم بر هستی که همان معناداربودن و کمال‌یافتگی حیات است را در این جغرافیا به عینه دید. به همین خاطر علی‌رغم صرف هزینه‌های هنگفت و تمامی دسایس و نقشه‌ها و سیاست‌های مودیانه‌ی دولت اشغالگر ایران برای وادار کردن مردم به کوچ و مهاجرت از منطقه یا بسیج‌سازی خلق، نتیجه‌ای عایدشان نشد، و مردم این منطقه به هیچ قیمتی دستبردار جوهر و معنای وجودی‌شان نگشتند چرا که به معنای آزادی و خودبودگی پی برده‌اند و با آن عجین گشته‌اند. با نگاهی به حیات و طرز نگرش این خلق در جاهای دیگر کوردستان و جغرافیای ایران، خواهیم دید که کماکان با همان عادات و رسوم و خودبودگی‌شان به حیات‌شان ادامه می‌دهند و به هیچ وجه از خاک و ریشه‌های خود

جمعیت منطقه را خلق آذری تشکیل می‌دهند. از دیگر خلق‌هایی که در این منطقه اسکان یافته‌اند، یهودیها و فارس‌هایی هستند که در مقاطع مختلف تاریخی در این دیار پر برکتی که آغوش ساکنان اصیلش بر همگان باز است، بصورتی مسالمت‌آمیز و همزیستانه، سکنی گزیده‌اند. آیین و زبان اکثر مهاجرین بنا به دلایل تاریخی و زورگویی‌های حاکمان، تغییر یافته؛ به صورتی که دین اسلام جایگزین آیین زرتشتی و یارسان منطقه گردیده و به جای لهجه‌های مادری خود، به لهجه‌ی سورانی هوشار تکلم می‌کنند. حتی زبان ساکنان دیگری که از یارسان‌های تبعیدی کرمانشاه بودند، به دلیل فشار زیادی که بر آنها وارد آمده به زبان آذری تغییر یافته است. با این اختلاف که دست بردار آیین یاری خود نگشته‌اند و همچنان با همان عقیده در میان خلق خویش و خلق آذری، ابراز وجود می‌کنند. در این شهر و حومه‌ی آن اماکن تاریخی زیادی به

مردم این منطقه به آداب و رسوم کهن خود پایبندند، و به اموری از قبیل کشاورزی و دامداری مشغولند و از لحاظ ساختار اجتماعی به شیوه‌ی قبیله‌ای و عشیره‌ای زندگی می‌کنند. صنایع دستی اصلی این منطقه فرش هوشار می‌باشد که از بازرشترین فرشهای جهان محسوب می‌گردد و در بازار جهانی فرش به یکی از کاراکترهای اصلی آن بدل گشته است



قطع نشده‌اند و همچنان با زمین و خویشاوندان‌شان در ارتباطند؛ این نیز دلیلی بر اثبات این ادعا است که نمی‌توان انسان‌های این سرزمین را فتح نمود و آنها را به بردگی کشاند.

این منطقه کوهستانی دارای انواع مختلفی از گیاهانی دارویی است و گیاهشناسان بسیاری از شرق کوردستان و ایران، برای جمع آوری آنها به این منطقه رهسپارند. منطقه کوردان هوشار دارای سی و پنج معدن سنگ تراوتن، مرمریت، گرانیت و... می‌باشد. همچنین دارای دو معدن آهن ۷۰٪ است که دولت خود قادر به ذوب آن نیست و برای این منظور آن را به چین صادر می‌کند. مزاریکی از صحابه حضرت محمد به نام ایوب انصاری؛ مابین دورباش و سبیل که در جاده‌ی بیجار-تکاب قرار دارد، زیارتگاه مریدان و ارادتمندان وی از اقصا نقاط ایران و شرق کوردستان است. در مرکز شهر تکاب محله یهودیان وجود دارد که اکنون به خرابه‌ای بدل گشته است و به کسی هم اجازه‌ی ساخت و ساز در این محله داده نمی‌شود، چرا که اشیای تاریخی ارزشمندی در دل خاک این محله مدفون است و قسمتی از آن توسط دولتی‌ها ربوده شده است. در منطقه‌ی شریف آباد تکاب جایی به نام تپه مسیحی وجود دارد که در اینجا هم گنجینه‌ی زیادی مدفون است و اجازه‌ی ساخت و ساز به اهالی این منطقه هم داده نمی‌شود چرا که تابه‌حال اشیای تاریخی زیادی در این منطقه یافت شده است.

همانطور که اشاره کردیم؛ از لحاظ سیاسی-اجتماعی این منطقه دارای تاریخی کهن بوده و بنا بر اسناد مکتوب و غیر مکتوبی که در رابطه با زردشت وجود دارد، تکاب را خواستگاه و زادگاه زردشت به حساب می‌آورند. چرا که این اقلیم از مراکز اصلی مادها بوده است و مورخان ایرانی و عربی مانند ابن خردادیه، بلاذری، ابن فقیه، علی بن حسین مسعودی، یاقوت حموی، زکریای قزوینی و ابوالفدا و حمزه اصفهانی، شهرشیزیا تخت سلیمان امروزی را زادگاه زرتشت دانسته‌اند و به این مناسبت شرحی از آتشکده‌ی آذرگشپ در شیز و مقام تقدس آن ضبط کرده‌اند. میتولوژی(افسانه)های بسیاری در رابطه با این منطقه و به ویژه تخت سلیمان وجود دارد که نسل به نسل گفته شده و امروزه نیز با همان هیجان و شور و حماسه به بازگویی آن می‌پردازند. تخت سلیمان در نزدیکی تکاب؛ قرار دارد. تخت سلیمان دارای حوضی در مقیاس هفتاد متر در هفتاد متر و به عمق هفتاد متر می‌باشد، آب آن گوگردی است و تا این اواخر کسی قادر به رسیدن به کف حوضچه نگشته است. اما

زمین شناسان و مهندسانی توانستند از راه زیردریایی کف حوضچه را اگر چه به صورتی گنگ هم باشد، ببینند. جنازه‌ی چهار شخص در زیر آب یافت شد که متعلق به غرق شدگان می‌باشد. تخت سلیمان دارای زندانی در نزدیکی‌های روستای تازه‌کند می‌باشد. این زندان شصت متر پهنا و عمق دارد که هیچ موجود زنده‌ای قادر به زندگی در آن نیست و روباز است، چرا که گاز گوگرد از آن متصاعد می‌شود و تنها می‌توان از طریق ماسک شیمیایی در داخل آن به تماشا و تجسس پرداخت. در نزدیکی زندان، روستایی به نام احمدآباد وجود دارد، آبی که از زیر زندان سلیمان(کوه زندان) جاری است برای استحمام جهت درمان مریضی‌های پوستی مفید می‌باشد. به خاطر موجودیت تخت سلیمان و اهمیت باستان‌شناسانه‌ی آن رفت و آمدهای توریستی و زیارتی بسیاری از دیگر کشورها صورت می‌گیرد. برای اجرای یکی از مراسم اصلی زرتشتیان جهان، یکبار در طول سال، تمام زرتشتیان جهان در این مکان گرد هم می‌آیند. این مکان محل اسکان سلیمان بوده، بلکه آتشکده و معبد آخرین زردشت است، ولی در عین حال از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای نزد یهودیان نیز برخوردار است و افسانه‌های زیادی هم از یهودیان در باب این مکان ذکر می‌شود. دیوارهای این معبد از سنگهای دو در دو متری ساخته شده است و اشیاء تاریخی موجود در آن به نمایش گذاشته می‌شود. در روستای زره‌شوران و چند روستای دوروبر که اولین معادن طلا و اورانیوم شناخته شده در سطح خاورمیانه است؛ یافت شده است، که از سوی دولت اشغالگر ایران در حال غارت و تاراج است. این معادن در زمان رضاشاه دیکتاتور یافت شدند و مهندسان آن آمریکایی بودند. اما در عصر احمدی نژاد دیکتاتور، چینی‌ها کار مهندسی آنرا برعهده گرفتند، واز شهر ربط در سردشت، خاک طلا به این معدن می‌آورند تا تصفیه شود. در این معدن جایی به نام پارسانی وجود دارد که در آن شمش طلا تولید می‌کنند. سه روستای دیگر به نام آقده (بالا-میانی-پایین) وجود دارد که معدن طلا در آن وجود دارد. دومین معدن بزرگ طلای ایران است که قبلا در تصرف فائزه رفسنجانی قرار داشت که درون این معدن نیز شمش طلا تولید می‌شود. این در حالیست که در این روستاها حتی یک نفر از ساکنین آنها، حق کوچکترین کارهای عمرانی از جمله عادی ترین کلنگ زنی به زمین را بدون مجوز سپاه پاسداران را ندارد و در صورت انجام آن تخلف قلمداد می‌شود، و این بدان معناست که مردم منطقه بر خاک خود هیچگونه حقی ندارند! چرا



شهید هزار بیکس

با خیانت داخلی تصفیه شدند این جنبه‌ی شوم تاریخ کوردستان در عصر حاضر نیز مانع از پیروزی نهایی در برابر جلاان و نیروهای اهریمنی گشته است. هنگامی که سربازان رژیم اشغالگرایران اسم دو فرماندهی افسانه‌ای یگان‌های هوشار که نام‌شان مظفر و عبدالکریم بود را می شنیدند؛ از ترس زانوهایشان به لرزه درمی‌آمد. این یگان در عرض ۲۴ ساعت شهر تکاب را به کنترل خود درآوردند، اما در سرانجام تلخ آن با شهادت مظفر و فلج کردن عبدالکریم دوباره شهر به دست اشغالگران، اشغال گشت.

امروزه نیز با وجود اینکه سازماندهی سیاسی مردم این منطقه در سطح پایینی است، لیکن بسیاری از جوانان منطقه جستجوی‌شان در راستای آزادی و خود بودگی‌شان ادامه دارد و با شناخت‌شان از جنبش آزادیخواهی خلق کورد و اینکه تنها راه رسیدن به این مهم مبارزه و خودسازی مطابق با فلسفه‌ی رهبر آپوست در صفوف گریلاهای آپوئی جای گرفته‌اند. با این اوصاف در صورتی که در منطقه هوشار به سازماندهی خلق پرداخته شود، جوانان آزادیخواه این منطقه همانند گذشته فوج فوج به صفوف گریلاهای راه آزادی و مبارزه خواهند پیوست.

که زمین این منطقه پر از اشیا و آثار تاریخی ارزشمندی است که بیانگر تاریخ و گوهر حقیقی این مرز و بوم و مردمانش است. برای نمونه چند سال قبل در این منطقه جسد مومیایی شده و آسیاب بزرگ طلائی یافت شد که هنوز هم از دیدگان نهان است و این نیز تنها قطره‌ای از دریای بیکران تاریخ و گذشته این منطقه است.

اگر از نقطه نظر میهن‌دوستی به مردم این منطقه از کوردستان بنگریم تاریخ معاصر سرشار از روحیه میهن دوستی مردم این منطقه است. در برهه‌ی انقلاب خلقهای ایران، مردم این منطقه با تمام داشته‌هایشان در احزاب سیاسی کورد آنزمان، جای گرفتند و بسیاری از جوانان منطقه در صفوف پیشمرگه‌های کوردستان جای گرفتند و جان پاک‌شان را نثار اتحاد خلق‌ها و آزادی‌شان کردند. نیروهای مخصوص پیشمرگه حزب دموکرات کوردستان با نام یگانهای هوشار تا سال ۱۳۶۲ که زمان شکست ایدئولوژیکی و سازمانی‌یشان بود و توان و پتانسیل پیروزی در برابر دولت را از دست داده بود به صورتی رسمی وجود داشتند. یگان‌های هوشار در حوالی رودخانه‌ی ساروخ دارای کمپ‌های آموزشی نظامی بودند. این رودخانه به قبرستان پاسدارها مشهور بود. و در نهایت

دو ستاره جاودان



سر بست چیا

نیز در کلاس‌های آموزش امدادگری در شرایط جنگی شرکت کرد. این دوران حضور در روزآوا نقش بارزی در شکل‌گیری شخصیت مصمم، با اراده و دارای اصول و پرنسیپ‌های حرکت آپویی او دارد و از او رزمنده‌ای دارای امید و آرمان بزرگ و صاحب پروژۀ ساخت و او با دست پر و دلی پر از امید به منطقه پنج‌جین بازگشت. پاییز امسال برای طی کردن آکادمی خود را آماده می‌کند اما دریغ و افسوس که در واپسین ماه پاییز سال ۲۰۲۳ بهار زندگانی او و شهید ریدور؛ پایمال تپاول و ظلم خزانی شد و گل وجودشان پرپر دست تجاوزگری وتوحش ارتش ددمنش ترکیه می‌گردد و در منطقه پنج‌جین مورد حمله هوایی قرار می‌گیرند و به خیل شهداء و جاودانگان راه آزادی می‌پیوندند. شهید حسن صبوری با کد ریدور باز؛ در ماکو و در خانواده‌ای میهن دوست چشم بر این جهان پر از جور و ستم گشود. با ماجراها و داستانهای گریلاهای راه آزادی بزرگ شد و در خانواده و منطقه‌ای که صاحب شهید و اعضای بسیاری در جنبش آپویی است رشد کرد و بالید. خانواده و محیط تأثیرات عمیقی بر این شهید بزرگوار بر جای نهاد چنانکه از همان دوران نوجوانی چهره واقعی رژیم اشغالگر ایران بر او آشکار می‌گردد و تمامی این عوامل باعث میشوند تا شهید ریدور به خط مبارزان آپویی وارد شود و در این عرصه با پرورش و آموزش خود هر روز بیش از پیش با حقیقت رهبرآپو آشنا شده و در مسیر رشد و تعالی قرار گرفت. شهید ریدور به

در سال ۱۳۵۹ ه. ش، در شاپاد از توابع کرمانشان به دنیا آمد در خانواده‌ای پاییند به میراث فرهنگ کوردی. شهید برخوردار نیزطعم تلخ محرومیت و تنگی معیشت را از همان دوران اولیه کودکی همچون دیگر کوردکان شرق کوردستان می‌چشد و از همان دوران وارد سختی‌ها و ممرات‌های زندگی می‌شود و با آن دسته و پنجه نرم کرد و آن را با گوشت و پوستش حس می‌کند و همین سبب شکل‌گیری شخصیت مقاومتی در او می‌شوند و بی‌جهت نیست که نام سازمانیش برخوردار است و برخوردار در معنای مقاومت و پایداری است تلخی‌ها و ناکامی‌های زندگی او را نیز مانند هر انسان اهل فکری به تفکر و تأمل و می‌دارد و او را به تکاپو و جستجوی یافتن اسباب ناملایمات و ناهجاری‌های زندگی و ریشه‌یابی و برطرف کردن آنها و می‌دارد اما به تنهایی نتوانست راه به جایی برد تا اینکه با کتاب عشق کورد با منظومه فکری رهبرآپو آشنا می‌شود. در دانشگاه نیز به واسطه رشته تحصیلی‌اش که جامعه‌شناسی است با مفاهیم علوم اجتماعی آشنا می‌شود و با پیوند خوردن با رفقای میهن دوست آپویی و شناختن پروژۀ کنفدرالیسم دموکراتیک رهبر آپو و انقلاب روزآوا (غرب کردستان) به مقصود و گم گشته خود می‌رسد و با پیوستن به صفوف گریلاهای راه آزادی در بهار سال ۲۰۱۷ م. وجودش با کیمیای جنبش آپویی به طلا مبدل شد. شهید برخوردار چند سالی را در روزآوا به نبرد با مزدوران و تبه‌کاران داعشی به سر برد و بعد از آن

در میان غباربخت و ناباوری رفتت را با هزار درد تماشا میکنم. تو که کوله بار سفرت عشق و آزادی بود در برابرم همچنان با چشمان پر امید ایستاده‌ای و آزادی را نوید می‌دهی



اخلاقی شهید برخوردار صفای دل و پاکی درون بود. دارای حسی بسیار قوی بود یا به اصطلاح حس ششم بسیار قوی‌ای داشت و این نه تنها برای من بلکه برای رفقای دیگری که با شهید برخوردار بودند به اثبات رسیده بود؛ چنانکه دو سه ماه پیش از شهادتشان یعنی آن‌ها همین سال به دنبال ناخوشی جسمی‌ای که عارض من شده بود، برای پیگیری حال و روز من بی آنکه کسی او را آگاه کرده باشد به محل اسکان ما آمد و پیگیر سلامتی من شد. افتخاری که نصیبم شد این بود که شبی با هم باشیم دیداری شاید از جنس ملاقات شمس و مولوی! و آواز خود و از گذشته‌اش گفت. از علاقه‌اش به ادبیات گفت و مخالفت اطرافیانش با او در این باره و تشویق آنان به تحصیل او در رشته ریاضیات برای تأمین آتیه‌اش گفت. از دوری و اجتناب او از روزمرگی‌های مخرب و بی حاصل و درگیری‌های پیش آمده روزانه زندگی گذشته‌اش گفت و از چگونگی پیوستنش به حرکت آپویی و در اثنای آن به تحلیل شخصیتی خودشان و من و همچنین نقد و خود انتقادی پرداخت و از من درباره هدف و آرمانم پرسید و اینکه چه هدف بلند مدتی را برای ادامه کار و حضورم در حرکت آزادی خواهی در پیش گرفته‌ام و از من خواستند تا با افزایش نیرو و توان سازمانی و پرورش فکری و ایدئولوژیکی خود، او را در انجام پروژه نام‌تمام شهید زاگروس مانی، همراهی کنم و این نشان دهنده باور عمیق او به ادامه راه شهداء و پایبندی به اصول و پرنسیپ‌های حرکتمان بود. روز خداحافظی؛ روزیست که هیچ‌گاه از یاد و خاطر نمی‌رود «خاطرم درآتش است یاسمن‌ها را فرا خوانید با سپیدی کوچکشان» در آن وداع تلخ؛ ترس و نگرانی و دلشوره شدیم را که در هزار توی شوخی و خنده‌هایم پنهان کرده بودم را به آسانی دریافت و در صد رفع آن بود. گفت که عازم رفتن به آکادمی است و به زودی برخواهد گشت و پروژه نام‌تمام را به انجام می‌رساند و در این راه به شهادت رسید. دریغا برخوردار که چنین ناباورانه و به ناگهان از میان ما رفت.

دنبال شناخت هرچه بهتر ابعاد وجودی خود و سرزمینش بود و در این راه با خواندن کتابها و شناخت هرچه بیشتر رهبر آپو به مقصود خویش رسید و در این راه به مرحله‌ای رسیده بود که به هر کجا پای می‌نهاد با خود شور و هیجان و سرزندگی به ارمغان می‌برد. پیوسته در کنکاش و جستجو بود. این روحیه باعث شده بود تا همواره موانع سر راه رشد و تعالی سازمانی شدن را تشخیص دهد و آنها را از میان بردارد و به پیش رود و این روحیه، شأن و لیاقت خاصی را در میان رفقا به او بخشیده بود. پس از پایان دوره «شروان نو» در راه انجام وظایف و اموری که به او محول شده بود به همراه شهید برخوردار در منطقه پنجوین مورد حمله هوایی ارتش متجاوز و ضد بشری ترکیه قرار گرفت و به شهادت رسید. روحشان شاد و راهشان پاینده باد.

در رئای شهید برخوردار:

«فریاد در باد سایه سر روی برجای می‌گذارد»

در میان غباربخت و ناباوری رفتت را با هزار درد تماشا می‌کنم. تو که کوله بار سفرت عشق و آزادی بود در برابرم همچنان با چشمان پر امیدی ایستاده‌ای و آزادی را نوید می‌دهی.

برای اولین بار شهید برخوردار را در مراسم چهارم نیشان همین امسال زیارت کردم و از دیدنش کیف و وجد بی‌نهایتی به من دست داد. آن روحیه شاد و یاغی و سرزنده کلهری و ترکیب آن با فرهنگ حرکت آزادیخواهانه جنبش آپویی شخصیتی استوار و تزلزل ناپذیر و دوست داشتنی به او بخشیده بود؛ چنانکه در همان برخورد اول به قول معروف مهرش به دل نشست. از بخت یاریم این بود که این مایه فرومبامات شورش گری در آموزش یکی از دروس آموزشی، مسئول آموزش امدادگری در شرایط جنگی و اضطراری به ما شد و ما علاوه بر یادگیری این درس فوق العاده حساس و مهم توانستیم مدت زمان بیشتری را با ایشان سپری کنیم و چیزهای زیادی از ایشان بیاموزم. یکی از ویژگیهای بارز

قلمروزدایی از قاب

آرگش آلاسور

و توسط دوربینش مشخص می‌شود. این امر در عین حال که یک امر سیاسی است، یک امر اخلاقی است و در جهان کنونی ما هر دو امر اخلاقی (اتیک) و امر سیاسی (پولتیک) با مشکل و بحران مواجه گشته‌اند.

سرمایه‌داری و قلمروگیری قاب

در حال حاضر اغلب رسانه‌های مجازی بر پایه‌ی تصویر کار می‌کنند و تولید انبوه دستگاه‌های ضبط تصویر و دسترسی و کاربرد آسان این دستگاه‌ها (برای مثال هر گوشی موبایل دارای دوربین است) باعث گشته تا اغلب انسان‌ها بتوانند به تولید و انتشار تصاویر بپردازند. بسیاری از نظریه‌پردازان انتقادی اواخر قرن ۲۰ با نگرشی منفی به این قضیه نگریستند و البته دلایل منطقی برای چنین نگرشی داشتند. به ویژه احاطه‌ی انسان توسط تصویر و صفحه‌نمایش از دید بودریار

انتخاب قاب تصویر یک انتخاب سیاسی است، هر آنچه که از طریق دوربین ضبط می‌شود وابسته به ذهنیت شخص است و این امر تا حد زیادی دوطرفه است، یعنی حتی اگر به صورت اتفاقی جایی از جهان بیرون، از طریق دوربین شخص ضبط گردد، این امر اتفاقی نیز بر شخص تاثیرگذار است و در شکلگیری ذهنیت او موثر است. جایگیری در یک موقعیت (از لحاظ زمانی و مکانی) خود یک جایگیری سیاسی است، و شخصی که در آن لحظه با دوربینش در همان موقعیت در حال ضبط تصویر است در حال انجام یک مداخله‌ی سیاسی است. همانگونه که عالم سیاست همیشه به دو ساحت دموکراتیک و نادموکراتیک تقسیم می‌شود، چنین مداخله‌ی سیاسی نیز به این دو ساحت تقسیم‌پذیر است. شخص چه تصوری از جهان بیرون دارد، تا حد زیادی از طریق چگونگی قابگیری او از جهان بیرون



جایگیری در یک موقعیت (از لحاظ زمانی و مکانی) خود یک جایگیری سیاسی است، و شخصی که در آن لحظه با دوربینش در همان موقعیت در حال ضبط تصویر است در حال انجام یک مداخله‌ی سیاسی است. همانگونه که عالم سیاست همیشه به دو ساحت دموکراتیک و نادموکراتیک تقسیم می‌شود، چنین مداخله‌ی سیاسی نیز به این دو ساحت تقسیم‌پذیر است

بسیار متفاوت است، توریست از طریق اطلاعاتی که قبل از رسیدن به مقصدش دارد بدان جا می‌رود، اما مسافر در حین سفر با جهان آشنا می‌شود. توریست یک غایت‌گرای افراطی است، اما مسافر در پی آشنایی و دوستی است. برای توریست مقصد همه چیز است و هنگامی که به مقصد برسد باید مدرکی برای دیگران ارائه کند تا ثابت کند که به مقصدش رسیده‌است، اما مسافر احتمال دارد هیچگاه به مقصدش نرسد، یا شاید مقصدش را در طی مسیر تغییر دهد، چون مسافر در پی مواجهه‌اش با جهان و انسان‌هاست که سفرش را تکمیل می‌کند. غایت‌گرایی روی سکه‌ی دیگر پوچ‌گرایی است، یک غایت‌گرا هر لحظه امکان دارد به این مسئله پی برد که اراده‌ای از خود ندارد، چرا که همه چیز از پیش برایش تعیین و انتخاب شده است. اما مسافر حقیقت را در طی سفرش می‌سازد، این همان مسیر حقیقت‌جویانه‌ای است که عطار با منطق‌الطیر به ما نشان می‌دهد، اما هیچ حقیقتی در کار توریست وجود ندارد، البته که برای مسافر مقصد بسیار مهم است، حتی مقصد برای مسافر از مقصد برای توریست حیاتی‌تر است، و همه‌ی سختی‌های راه مسافر برای رسیدن به مقصد است، اما در این راه او فاعلانه در این راه قدم می‌گذارد و بسیاری از مسائل پیش‌بینی نشده که بر سر راهش سبز می‌گردند باعث می‌شود تا مقصد او معنادارتر گردد. در عصر ما توریسم به ماندن در هتل و دیدن اماکن شناخته‌شده‌ی فلان شهر یا منطقه محدود شده است. نقاط و زمانی که توریست باید بدان پای بنهد از پیش تعیین شده است، او هیچ انتخابی در این مسئله ندارد، او تنها یک تماشاچی است و با دوربینش قاب او همان تبلیغ برای شرکت‌های توریستی را بازتولید می‌کند. رستوران‌های معروف، هتل‌های مجلل، وسایل نقلیه از طریق قاب دوربین توریست از تبلیغات گسترده‌ای بهره‌مند می‌شوند که اتفاقاً کاملاً برایشان رایگان است، و با توجه به رفتارهای نادرستی از جمله چشم و هم چشمی در جامعه، خیل بسیاری از انسان‌ها با دیدن تصاویری که توریست منتشر کرده است، راغب می‌شوند تا خود نیز به توریست تبدیل شوند. اما اکنون این مسئله با بحرانی دیگر نیز مواجه است، توریست دیگر قرار نیست به شهر، کشور یا جای دوری برود، اکنون کافی پایین خیابان محل کار نیز یک مکان توریستی است و این امر به شدت روزمره گشته است. انسان‌ها درون

تحلیلات وی را در باب "جامعه‌ی مصرفی" ژرف‌تر ساخت و ابعاد دیگری به قضایا بخشید. از سوی دیگر برخی نیز با نگرشی مثبت به این قضیه پرداختند و برای مثال چنین نگرشی را در پیش گرفتند که اکنون هر انسانی می‌تواند از طریق تصویر خود را بیان کند، تا از طریق رسانه‌های مسلط بازنمایی نشود، بلکه انسان‌ها اکنون می‌توانند خود راوی زندگی خویش باشند. به نظر من نگرش منفی بودریار دلایل قانع‌کننده‌تر و انتقادی‌تری نسبت به نگرش مثبت به این قضیه را داراست، با این مسئله هم راستا هستم که در دسترس بودن همگانی قلم یا دوربین خود به خود مساله‌ای دموکراتیک نیست و به بهبود فضای جامعه کمک نمی‌کند، اما هم زمان به این مسئله فکر می‌کنم که در همگانی شدن این مسائل در شرایطی خاص می‌تواند مثبت باشند. در مورد تصویربرداری از طریق دوربین یکی از مهم‌ترین عناصر قاب و چگونگی آن است. چه جایی و چگونه تصویر جهان بیرون را تصویربرداری کرد؟ سوال اساسی من این است، انسان‌ها به چه ذهنیتی قاب‌شان را انتخاب می‌کنند؟ و فرضیه‌ای که در ذهن من شکل گرفته است این است که سرمایه‌داری که اکنون بر جهان مسلط است، و ذهن جوامع را اشغال کرده است، همانگونه که بر بسیاری از انتخاب‌های جامعه مسلط شده است، در انتخاب قاب نیز تاثیر به‌سزایی دارد.

در دوران ما بیشترین تصاویری که تولید می‌شوند به سبک زندگی انسان‌ها ارجاع دارند؛ حوزه‌های مصرفی، خدماتی و ارتباطی جامعه بیشترین چیزهایی را دربرمی‌گیرند که از آنها فیلم گرفته و در اینترنت منتشر می‌شوند. توره‌های سیاحتی، مراسمات، غذا درست کردن/خوردن، کالاهای خریداری شده، روابط اجتماعی، فضاهای تفریحی و ساختن جک و لطیفه‌های تصویری بیشترین موضوعات را دربرمی‌گیرند. مسئله‌ی اساسی نیز این است که تمامی این حوزه‌ها و فضا توسط سرمایه‌داری اشغال شده‌اند. و اشغال این حوزه‌ها و تصاویر در واقع به معنای منحرف ساختنشان از جوهر راستین‌شان است. اگر شخص به تور سیاحتی برود اما از آن تصویری در فضای مجازی منتشر نسازد، عملاً فکر می‌کند که پول رفتن به تور سیاحتی‌اش را دور ریخته است. من عمداً از واژه‌ی تور سیاحتی به جای واژه‌ی "سفر" استفاده می‌کنم، که خود این امر با سفر بسیار متفاوت است، در واقع توریست با مسافر یکی نیست. مواجه توریست با جهان بیرونی‌اش با مواجه مسافر

زندگی عادی‌شان با مسئله‌ی توریست شدن مواجه شده‌اند، بدین صورت که آنان از زندگی خودشان بیگانه گشته‌اند. از خودبیگانگی یکی از مسائل پیچیده‌ای است که در دویست سال اخیر متفکران زیادی آن را تحلیل کرده و بدان پرداخته‌اند. حالا می‌خواهیم این مسئله را بدین گونه بررسی کنیم که انسان از خودبیگانه شده، از چه چیزی تصویربرداری می‌کند؟ آیا او هنوز خودش قاب خود را انتخاب می‌کند؟ به عبارتی سرمایه‌داری نه تنها بر چگونگی تولید جامعه مسلط است بلکه بر چگونگی مصرف جامعه نیز سلطه یافته است. قاب توریست در خدمت بازتولید سرمایه‌داری و قدرتمندتر شدن سیستم مدرنیته‌ی سرمایه‌داری عمل می‌کند، در واقع سرمایه‌داری قلمروی قاب را تسخیر کرده است. این مسئله در مورد عادی‌ترین و به اصطلاح شخصی‌ترین و خصوصی‌ترین تصاویر نیز صدق می‌کند (برای مثال فیلم یک عروسی یا جشن تولد، و یا عکس گرفتن از یک کادوی خریداری شده) و این قلمروگیری سرمایه‌داری در مورد قاب تصاویر در سینمای صنعتی-رسمی، انواع سریال‌ها و دیگر تصاویر حتی با شدت بیشتری اعمال می‌شود؛ یعنی قاب به قدرت آغشته شده است.

قلمروزدایی از قاب

تا بدین جا تقریباً با نگرش منفی در مورد وضعیت کنونی و در سطح تصاویر و قاب هم داستان هستیم، این تنها یک روی قضیه است. به عبارتی در هر جایی که قدرت وجود دارد، مقاومت نیز وجود دارد، حالا سوال اینجاست که در سطح تصویر و قاب این امر چگونه روی می‌دهد؟ اگر سرمایه‌داری و سیستم اقتدار قاب را تسخیر کرده است، گریز قاب به سوی رهایی در کجاها رخ می‌دهد؟ پس در این مسئله، نقاط همپوشانی امر مقاومت‌گر و قاب تصویر می‌توانند ما را به جواب برسانند.

در هر جایی که علیه سرمایه‌داری و اقتدار، مقاومتی شکل می‌گیرد، موجی از امر آفرینشگر سر می‌رسد، آن چیزی که مقاومت می‌کند، بدین معناست که راه نوبی را می‌آفریند، در واقع یک بازسازی فضا اتفاق می‌افتد. بگذارید با مثال خیابان این مسئله را توضیح دهیم، یک خیابان که در وضعیت عادی توسط دولت و نیروهای سرکوبگرش اداره می‌شود، به هنگام قیام‌های مردمی شکل دیگری به خود می‌گیرد. شاید مکان همان باشد، اما فضا تغییر می‌یابد و از آن پس این مکان دیگر

مکان قبلی نخواهد بود، حتی اگر مقاومت مردمی شکست بخورد، و دولت و نیروهای سرکوبگر بار دیگر بتوانند بر خیابان سلطه یابند، اما خاطره‌ی مقاومت آن خیابان کماکان می‌تواند وضعیت قبلی خیابان را از کار بی‌اندازد و این به خرد جمعی حاضر در آن خیابان بستگی دارد، ولی چیزی که حتمی است تغییر فضای خیابان است. خرد جمعی خود را در تاریخ مردم ثبت می‌کند، این ثبت در زمانه ما بیشتر از طریق تصویر (عکس و فیلم) شکل می‌گیرد. قاب تصویر نیز متاثر از این فضا خواهد بود، اگر تا دیروز قاب تصویر در خیابان مورد نظر ما در تسخیر سرمایه‌داری بود، به هنگام قیام دگرگون می‌شود. مردم به هنگام قیام در همه‌ی سطوح دست به قلمروزدایی می‌زنند، و بدیهی است که روی دیگر هر قلمروزدایی، قلمروگیری است. مردم در آن خیابان قلمرو خود را می‌سازند و عنصر اصلی این قلمروگیری امر مقاومت‌گر خود مردم است. مقاومت مردمی فضای خیابان را تغییر می‌دهد، خیابان را از تسخیر اقتدار و سرمایه‌داری بازپس می‌گیرد (یکی از شعارهای مردم در انقلاب زن زندگی آزادی چنین است: می‌میریم، می‌میریم، ایران رو پس می‌گیریم)، به عبارتی مردم می‌گویند که مقاومت می‌کنند تا فضاها را بار دیگر از اشغال رژیم اشغالگر ایران رها سازند.

بدین شیوه قاب در لحظات قیام به شدت رادیکال می‌شود و چیزی که از جهان بیرونی در خود ثبت می‌کند، شمولیت پیدا می‌کند. حتی گاهی جهان شمول می‌شود. و یک قاب می‌تواند جهانی را در خود توضیح دهد، این در مقابل قابی است که همیشه "جهان بیرون" از آن خارج می‌ماند و نمی‌تواند اندک مقداری از حقیقت جهان را توضیح دهد. هنگامی که مردم از لحظات مقاومت خود تصویربرداری می‌کنند، عمل مقاومت و قابی که توسط شخص تنظیم می‌شود بر همدیگر همپوشانی دارند، برای همین انتشار چنین تصاویری خود به تکثیر مقاومت در خیابان، شهر یا مکانی دیگر می‌انجامد. اینجا دیگر قاب امر مقاومت، بر بقیه‌ی قاب‌ها نیز تاثیر می‌گذارد.

قاب زن زندگی آزادی

هزاران سال است که ذهنیت مردسالار تصویر زنان را تحریف و مخدوش کرده است، این تصویر که زن از ندیده‌ی مرد بیرون آمده و به جهان وارد شده است،



انقلاب زن زندگی آزادی توانست قابی که رژیم اشغالگر ایران برای تصویر زنان در نظر گرفته بود، از میان بردارد و به جای آن زنان خودشان سیمای خود را ثبت کردند

خواهد شد، اینبار انقلاب زن زندگی آزادی است که در همه‌ی سطوح مشغول قلمروگذاری خویش است، قلمروگذاری که به دموکراتیک کردن فضاها از هر لحاظ می‌انجامد، بازگشت زنان به قاب با توجه به عاملیت فعال خودشان در این مسئله رقم خورده است. زنان با آغاز این انقلاب توانسته‌اند فضاها را دوباره بدست بیاورند و در آن حضور معنامند داشته باشند، قبلاً نیز زنان در همه‌ی فضاها حضور فیزیکی داشتند، اما این حضور فیزیکی معنامند نبود، انگار محو شدن زنان در فضا اتفاق افتاده بود، در عین حال که حضور دارند، اما غایب هستند؛ چرا که همه‌ی سازوبرگ‌های ایدئولوژیک و سرکوب فیزیکی رژیم در پی محو و حذف روایت و تصویر راستین زنان بود. این قلمروزدایی از قاب مردسالاری رژیم اشغالگر ایران، توسط انقلاب زنان شرق کوردستان و ایران رقم خورد، اگر زنان بتوانند خودشان روایتگر خود باشند، آنگاه جامعه به سوی آزادی سوق می‌یابد.

خود گویای این تحریف تاریخی دردناک است، خوانش راستین زن‌بودگی بیرون از قاب/روایت رسمی ماند، اما مقاومت تاریخی زنان و جنبش زنان در تاریخ، به ویژه در دوران معاصر در صدد است تا این انحراف تاریخی را از کار بی‌اندازد و به جای آن خوانش/قاب صحیحی از زن‌بودگی را ارائه دهد.

عکس‌ها و ویدیوهایی که در انقلاب زن زندگی آزادی منتشر گشتند بسیار سریع توانستند معنای قاب را دگرگون کنند، این دگرگونی در عین حال یک تحول دموکراتیک را چه در تصویر و چه در جهان واقعی به ارمغان آورد. انقلاب زن زندگی آزادی توانست قابی که رژیم اشغالگر ایران برای تصویر زنان در نظر گرفته بود، از میان بردارد و به جای آن زنان خودشان سیمای خود را ثبت کردند.

ابتدا این رژیم اشغالگر بود که همه فضاها را با توجه به ذهنیت مردسالار، دین‌گرا و دولت‌گرای خود قلمروگذاری کرد، سپس در پی مقاومت این ۴ دهه و سپس آغاز انقلاب زن زندگی آزادی، جامعه توانست از فضای رژیم اشغالگر ایران قلمروزدایی کند، اما هر قلمروزدایی، در نهایت منجر به یک قلمروگذاری نوین

در طریق عشق

در آسمان قیرگون اورین
دو ستاره‌ی تابان دیدم
که یکی خوشمهر بود و آن دیگری دارا
ستاره‌های درخشان من!
به آنان چنین گفتم:
راه من از کدام سو خواهد بود؟
در طریق عشق؛ چنین گفتم: خوشمهر
در مسیر باد؛ چنین گفتم: دارا
ومن که تفنگ خویش را بر دوش داشتم و
پیش میرفتم.

برستیغ پر غرور کوه
دو شاه بلوط شاد دیدم
ودسته‌ای از گل‌های نرگس
همسایه‌های شاد من!
به آنان چنین گفتم:
راه من از کدام سو خواهد بود؟
در طریق عشق؛ چنین گفتم: خوشمهر
در مسیر باد؛ چنین گفتم: دارا
بر آسمان قیرگون اورین
دو ستاره‌ی تابان؛ جاودانند



شهید خوشمهر و شهید دارا



هه‌هه

دارستان لیوانلیوی تاریکه
بئ دهنگی له‌سه‌ر زمانی ژیان هه‌لکورماوه
له‌پ‌ر شنه‌یه‌ک هه‌یدی وبه نهرمی له‌شی داری به‌رده‌مم
ده‌بزویئ
له‌ناو تان و پۆی چرۆ و په‌لدا
بریق و باقی ئه‌ستیره‌یه‌ک خۆم پئ ده‌نوئ
ده‌مخاته بپر
که‌چۆن شنه‌ی ئۆمید
درک و دالی چری ئاسته‌نگی ری ده‌له‌ریئ
ترووسکه‌ی بانگه‌پشتی سه‌ر که‌وتن
ده‌می تیژی چه‌قله‌کان کول ده‌کا بۆ خیرا تیبه‌پینی

تشبیه، مجاز، استعاره و اغراق و... می‌تواند اموردهنی و انتزاعی را به تصویر بکشد چنانکه در این شعر؛ امید به وسیله‌ ایماژ تشبیه به نسیمی مانده شده است که می‌تواند موانع سر راه را بردارد..

هه‌هه (امید) قطعه شعری است از رفیق آریو برزن در وصف خویشکاری امید و نقش آن در حرکت و جنبش است ازیک ذره اتم بگیر تا کل کائنات. (جسم خاک از عشق بر افلاک شد — کوه در رقص آمد وچالاک شد) از حیث فرم یا شکل، شعر در قالب آزادوغزل نو است و از نظر محتوا و معنا شعری سمبولیستی است. به زبان ساده یعنی آنکه شاعر حرفهایش را در قالب نمادهاونشانه هابه زبان می‌آورد. اساس و محورا فقی این شعر عاطفه است یعنی ارتباط شاعر با جهان هستی و محور عمودی آن تشبیه و استعاره است

در این شعر از یک طرف دنیای عینی و پدیده‌های طبیعی را داریم ودر سوی دیگر دنیای ذهنی و درونی شاعر، در یک سیر و سلوک ناگهانی یعنی در سفری از ماده به روح که به سرعت نور اتفاق می‌افتد شاعر از سیری آفاقی یا بیرونی یعنی از مشاهده درخت و وزش نسیم و سوسوی ستاره‌ای در طبیعت به سیر انفس یا مشاهده درون می‌رود. بعد ازوزش نسیم و دیده شدن ستاره‌ای از ورای شاخ و برگ بهم پیچیده درختان، شاعر به تفکر وتعمق درباره امید ونقش ونیروی آن در توان گذر از موانع می‌پردازد و با خود می‌گوید همانگونه که وزش نسیمی باعث شد تا شاخ و برگ درختان به کناری رود و ستاره‌ای به دید در آید. امید هم می‌تواند همچون این نسیم مسائل و موانع حرکت را از میان بردارد.

تاریکی جنگل را فراگرفته است و خاموشی بر حیات چمبره زده است. تاریکی و سکوتی که سمبول مرگ است. ناگهان نسیمی که سمبول امیداست، آرام و سبکبال شاخه‌های درهم و برهم درخت مقابل شاعر را به حرکت و جنبش وامی‌دارد و از لای شاخ و برگ بهم پیوسته درخت در یک لحظه، سوسوی ستاره‌ای؛ یکی از انتزاعی‌ترین و در عین حال حیاتی‌ترین مفاهیم انسانی (همچون حقیقت، عشق، آزادی، حیات...)، یعنی امید را در پیشگاه شاعر عینیت وتجسد می‌بخشد. امید واژه و مفهومی است که در عالم خارج؛ مصداقی ندارد. حال آنکه درخت، نسیم، وستاره همگی مفاهیمی هستند که در خارج از ذهن ما وجود دارند. امید را تنها می‌توان در لحظه‌ای ناب و تجربه‌ای شاعرانه دید. سوسوی ستاره‌ای سکوت مرگ آوارا می‌شکند شاعر باخود به سخن در می‌آید و می‌گوید: "چون شنه‌ی ئۆمید... "در واقع در یک رابطه کیهانی، شاعری ستاره‌ای را از زیر شاخ و برگ بهم پیچیده درختان می‌بیند و یا شاید! ستاره‌ای از ورای درختان، شاعری را می‌بیند و گفتگوی درونی شاعر، سکوت را در هم می‌شکند.

در روند آفرینش هنری و به ویژه شعر؛ هنرمند وشاعر در لحظه‌ای ناب ومکاشفه‌ای به رازی از رازهای جهان هستی پی می‌برد. یعنی شاعر در لحظه اشراق یا خلوص و یکی شدن با هستی، در لحظه بی‌خویشتنی و ازکار افتادن قوای عقل و منطق و در ورای دنیای ذهنی و زبانی اش به چنین تجارب نابی می‌رسد که در حالت عادی و برای اشخاص عادی چنین تجاربی قابل بیان و انتقال نیست چونکه وصف ناشدنی اند اما شاعرو هنرمند در طی یک فرایند ذهنی - خیالی- زبانی و به مدد قوه خیال قادر به بیان و انتقال این تجارب ناب و کشف و شهودهای خاص خود می‌شود.

قوه خیال با استفاده از صور خیال یا تصاویر شاعرانه یعنی



مندالانی شار و کەلەبابەکەى گوند!!

میترا کورد

لهخه وهه لدهستاو و بهبى ناشتا خواردن بههپواشى لهحه وشه ی، ماله وه وه كو دز خوى ده كرد به كو لاند و به هاوار هاوار، مندالانى گه ره كى بانگ ده كرد كه وهرنه دهره وه با به به كه وه یارى بكهن. به لام كه س گوئى به هاوار و دهنگه دهنگى نه حمه دى نه ده دا. نه حمه دى دواى نه وه ی ماندوو ده بوو و له شان و بال و له قیرین و هاوار ده كه وت، به نارچه ته دى ده گه راپه وه مأل و له گه ل خه جى خامى داى كى ده بوو به ده ماقالبیان.

خه جى خانم، ژنیكى بیدهنگ، به لام خاتوونى كى هیزا و زور تېگه بشتوو و به نه زموون بوو. خه جى له و كاته وه ی چوو بوونه نه و شاره، ده چوووه مألن و ئیشى پاك و خاوتى ئیومالى خه لكى ده كرد و به وه یارمه تیده رى خه رجى ماله وه یان بوو. نه حمه دیش تا قه مندالى خه جى خانم و كاروان بوو. كاروان تا بلی پیاوئى كى تووره و مؤن و شه پئاشو بوو و له گه ل سیه رى خوشى شه رى ده كرد. روژێك نه حمه د بیری له وه كرده وه له گه ل باوكیدا قسه بكات و نه و خه مه ی خوى بو باس بكا. داخو هوكار چیه كه مندالانى گه ره ك له گه لى یارى ناكهن، خو نه و چى كارێكى خراپه ی له حقه ی نه وان كرده كه نه وان ئاوه ها حه زیان به نیوچاوانى نه و نایه، هه رچه نده نه و زور پى خو شه له گه ل نه و مندالانه بیته هاوړی و له گه لیان یارى بكات. كاتیک ویستی نه مه به كاروانى باوكى بلی یه كسه ر نیوچاوانى گرژ كرد و به تووره یه وه وه لامى نه حمه دى داپه وه،

روژێك له روژان، نه حمه د به غاردان هاته وه مأل، نه وه نده ترسابوو، نزیك بوو ببوو رپته وه و به سه ر پلیكانه كاندا خوى راكیشا. وه كو بابوله یه ك كه داىك بو منداله كه ی ده پپچپته وه، نه حمه د خوى لوول كرده بوو. نازانم سه رمای بوو یا له ترسان بوو كه نه وه نده به شو كابوو و واقى وړ ما بوو. كاروان كه هاته وه مأل به ده نگیكى گر هاواری كرد، نه رى خه جى نه و كوره به ره لایه له كوئیه به خواى هه ر له خوت ده چى، ئابرووی بو نه هیش تووینه ته وه له نیو نه م گه ره كه، خوژگه هه ر له گونده كه ی خومان دهرنه كه وتباين، به س نه بوو كه س لیمان زویر و نارچه ت نه ده بوو و كه سیس خراپه مانى نه ده گووت، به خولای وا بچیت، نه و خه لكه تووره كه ده كه نه سه رماندا و هه ر به شه ق و پى له قه وه دهرمان ده نین.

نه حمه د، مندالانى زور هار و هاج بوو. به چوار په ل خوى به دهر و دیواردا هه لده واسى و به ده كه س راگیر نه ده بوو. له و شاره و له وه گه ره كه ی چوو بوون، هاوړیه كى نه بوو له گه لیدا یارى بكات. منداله كانى گه ره كیش زور حه زیان به وه نه ده كرد كه نه حمه دیش به پینه نیو یاریه مندالیه كانى خویان. هه ر روژ تانه و شه شه رى نه وه یان لیده دا كه مندالی دیهاتیه و بو هه قالیتى هاوړیه تى گونجاو نییه. نه حمه د دلى سوكنایى نه ده گرت و هه ر روژ جارێكى تر پئش نه وه ی مندالانى گه ره ك له خه وه هه لسن، نه حمه د به دهنگى كه له بابه كه ی ماله دراوسیه كه یان

خانم ئەم منداڵەت زۆر خراپ بارهێناوه، وا بچێ ئەو خەڵکە
لێمان وەدەنگ بێن و بەداروبەر بەدووومان کەون و لەم شارە
دەمانپەرێنن.

ئەحمەد کە ئیدی نەیدەزانى چى بکات، زۆر بى هیوا
بوو لەوێ کە بتوانیت دلى ئەو منداڵنە بەدەست بێنیت و
ئەو چاوەروانیەشى لەباوکى بوو کە یارمەتى بدات بى ئەنجام
بوو و ئەو ویستەى ئەو بۆى چوو بوو بەشیخ دەرچوو، ئیدی
بەیانیان لەخەودا تا نزیکى نیوهرۆ لەنیو نوێنەکەى دەرنەدەچوو
و لەحەوشەى مالهوه پای نەدەخستە نیو کۆلانى گەرەبەکان و
نەیدەویست دەنگى منداڵیکى گەرەکی بەر گوێ بکەوێت.
لەهەموو دەنگیکى هەلدهات.

خەجى خانم، زۆر ترسابوو. وای دەزانى ئەحمەد نەخۆش
کەوتوو و دەبى بیبەنە لای دوکتور بۆ ئەوێ برانن، ئاخۆ
نەخۆشى کۆرەکیان چیه؟ کاروان ئەو رۆژ کەمیک لەرۆژانى
دى، درەنگتر هاتەوه مأل. بۆیە خەجى خانم جەسارەتى ئەوێ
نەکرد باسى نەخۆش کەوتنى ئەحمەدى بۆ بکات. دەیزانى
ئەگەر بێتەوه لەو ساتەدا هەواڵیکى وا بەکاروانى بلێ ئەوا
کاروان دەست بەهات و هاوار و شەرفرۆشتن دەکات و دەرو
دراوسى دینیتە سەریان.

رۆژى دواتر، کاتیک کاروان لەئیشى رۆژانە گەراییەوه مأل،
خەجى خانم خواردنیکى خۆشى بۆ لێنابوو، تا بتوانیت لەسەر
خوانى شەو نەخۆش کەوتنى ئەحمەدى پى بلێ. خەجى دەمى
نەکردبووه کە کاروان ووتى؛ ئەرئى خەجى ئەحمەد خیرە چەند
رۆژیکە نان ناخوات و ناچیتە بەردەرگا و بان و لەهات و هاوار



کۆرم دياره خەتاکە هى تۆیە، یا تۆ یاری نازانى و یاریەکیانى
لێ تیکدەدەى، تۆ دەبى لەوانەوه فیر بى کە وەکو منداڵیکى
شارى هەلسوکەوت بکەى. لێرە شارە و ژیان کردن هەروا
ئاسان نییە، دەبى بزانی کەژيانى گوند و شار زۆر لەیەکتەرەوه
جیاوازه. بەدەنگیکى بەرز شیرخاندی بەسەر ئەحمەددا و پى
ووت ئیدی نەتینیم، منداڵانى گەرەک توورە دەکەى و خەجى



که وتوو، شتیک بوویه؟ خه جی خانم به دلّیکی شکاو، دهستی به گریان کرد و ووتی؛ کاروان ئه وه چه ندررۆژه ده مه ویت پیت بلیم، راستت ده ویت؛ ئه حمه دی کورمان نه خۆشه و له گهرم و گوری که وتوو، خواردنیش زۆر ناخوات. ده بیتی بیبهینه لای دوکتوریک تا بزنانن نه خۆشیه که یه چییه؟ کاروان رازی بوو دوای ئه و پیداکریه ی خه جی خانم، رۆژی هه و قی هه فته ئه حمه د به نه لای دوکتوری مندالان و دوای ئه وه ی کاکی دوکتۆر چه ند فه حسیکی بو نووسی و ئه نجامه کانی بینی، گووتی منداله که تان تووشی نه خۆشیه کی ده گهن بووه و بو چاره سه رکردنیشی ده بیت، رۆژانه ئه و ده رمانانه ی بۆم نووسیون به ری ناشتا و پيش خه وی شه وان بو ماوه ی هه فته که ی پیتی بدهن، ئینشالله

ته ندروستی باش ده بیت.

دوای هه فته یه که، ئه حمه دی هه وت سالان که نزیکه ی هه وت مانگ بوو له گونده وه به هۆی ویرانیووی گونده که یان و سووتاندنی خانوو و مال و مۆلکه که یان و راو پروتی و ده ره ده ری چوو بونه شار. ئه حمه د دوای هه وت رۆژ دله گه وره که ی بو هه میشه له کارکه وت و دایک و باوکی بریار یاندا، ته ره که ی ئه حمه د بگه ریننه وه بۆ شوینی له دایک بوونی، گوندی عالیاوا!!! پاش مردنی ئه حمه د، خه جی خانم و کاروان بریار یاندا پاش مردنی ئه حمه د ئیدی نه گه ریننه وه شار و له گونده که ی باو و باپیرانیان به یتنه وه و ژیانیکی نوێ پیکه وه بنین و یارییه کانی گوند، کۆبکه نه وه و له کتیییکدا بو مندالان بنووسنه وه.



وهرزی مه‌عنا

وهرزی لوره‌لوری بای نیو پۆری سوپا
دارینه‌کەبی نییمه و دووکه‌لی شه‌وان
وهرزی داهیتانی ووتەبی جوان و پر
له‌مه‌عنا"

وهرزی هاتنه‌وه لای یه‌کتر و خه‌ونی
زستانه"

هيواکه‌رکوکي

"وهرزی هه‌له‌هرین و سه‌رما!
وهرزی هه‌له‌به‌ست و گوڕانی و سه‌ما
وهرزی قورسی و پالتاوی گه‌رم و
هه‌ناوی نه‌رم
وهرزی ته‌نووری گه‌رم و روچی نارام
وهرزی چیرۆک و یاری کلاوکلۆپته و
گوڕوابازی
وهرزی حیکمه‌ت و دانوله و گه‌نمه‌کوئاو
و دانه‌کولانه



پەدەكەپەكان پيويسته له چارهسەريەك بو خويان بگهريڻ

سەردار ستار

دەکرد، وەك دەولەتانی سۆسیالیستی و پیشکەوتنخواز بەناو دەکران. شەرەكە لە ۱۹۳۹ و لەلایەن ئەلمانیایە دەستیپێکرد، لە ۱۹۴۵ بە رووخان و لەناوچوونی ئەلمانیایا و بەرهی فاشیزم کۆتایی هات. پارتی دیموکراتی کورد که لە مهاباد لەسەر خەباتی رێکخستنی (ژیکاف) دامەزرا، لە ۱۹۴۶/۸/۱۶ دەریازی باشووری کوردستان بوو، خۆشی بەناو کرد بە پارتی دیموکراتی کورد - عێراق.

هەلومەرجی باشووری کوردستان و عێراق تاكو ۱۹۵۸ دەزانرێت که حوکمی پاشایەتی بوو، بۆیەش دەرفەتێکی ئەوتۆ نەبوو بۆ خەباتی سیاسی و رێکخستنی نەتەوویی، خەباتی چەکداریش لە دواي کۆماری کوردستان لە مهاباد گورزێکی گەورە بەرکەوتبوو، بۆیەش هێزە چەکدارەکانیشی تاكو سۆفیهت نەگیرسابوونەوه. لەوێش خەریکی بەردەوامیدان بە ژيانی تايهتی خويان بوون، بۆیە ئەگەر شۆرشى ۱۴ تەمموزى ۱۹۵۸ نەبووایە تا ئیستاش کەسیان کوردستانیان نەدەبینیوه.

له سەرۆبەندی شەری دووهمی جیهان، حیزبایەتی وەك مۆدێلیك بو بەرێكخستن کردنی كۆمه‌لگه‌ دەرکەوتە پیش. وەك سەرەتاش لەباشور حیزبی هیوا، پاشان رزگاری و شۆرش وەك سەرەتای دەستیپێکردن بەخەباتی حیزبایەتی دادەنرێن. بێگومان ئەوانیش لەسەر میراسی كۆمه‌له و رێكخراو و گروپه‌ جیاوازه‌كان دامەزراون، که سەرەتای سەده‌ی بیستەم وەك جەمعیەت بەناو دەکران. واتا هەریەك لەم شیوازه‌کاره‌ رێكخراوه‌یانه، بە خۆرسکی خويان دروست نەبوونە؛ بەلکو پیشینه‌یه‌کیان هەبوو. پارتی دیموکراتی کوردستانیش (پەدەكە) ئەنجامی ئەو هەولانه‌یه‌ که رۆشنبیر و سیاسەتمەدار و دلسۆزانی گەلی کورد لەپێناو ئازادیدا داویانه.

هەلومەرجی بەر له شەری دووهمی جیهانیش، له ژێر هەژموونی دوو بەره‌ی به‌هێزی جیهانی دابوو، که یه‌که‌میان هەلگیرسێنه‌رانی شەهر (نازی ئەلمانی و فاشیزمی ئیتالی) و بەره‌ی دووهمیش که یه‌کیتی سۆفیه‌تی جارن پیشه‌نگایه‌تی



ئەو گۆرانكارىيانەى لە ئەنجامى دەسەلاتى عەبدولكەرىم قاسم دەستەبەر بوون لە عىراق، دەرفەتى لەبەردەم سەرجهەم هېز و لايەنە سياسىيە عىراقى و كوردىيە كان كرده، بۆ ئەوەى گوزارە لە بيروپراى سياسى و رىكخستنى خويان بكەن. تا رووخانى رژىيمى پاشايەتى گەلى كوردىش، زۆرىيەى خۆى لەناو رىكخستەكانى حيزبى شىوعى عىراقى دەدۆزىيە. تەنها ئەوەش نا چەندىن سكرتير و كاديرە پيشەنگەكانى حيزبى شىوعى كورد بوون. ئەمە واى كوردبوو كوردەكانىش داواكارىيەكانىيان لەگەل حيزبى ناوبراو بكەنە يەك. بۆيەش رۆلى پەدەكە لە دواى ۱۹۵۸ زياتر بابەتى گفوتگۆيە، لەوئ بەدواوە دەكرى زياتر لەسەر رۆليان قسە بكرى.

سالانى حوكمى ع.قاسم لە ۱۹۵۸ تاكو ۱۹۶۳ لەلايەن سەرگردايەتى پەدەكەو هەك پيوست سوودى ليوەرنەگيردا، بۆيەش دواى دوو سال لە ژىر دەندەدانى ساواكى ئيرانى و سى ئاى ئەى ئەميرىكى و دەرەبەگە بەكرىگيراوەكانى كورد، لە ۱۱ ئەيلولى ۱۹۶۱ لە دژى حكومەتەكەى قاسم دەست بەشەپ كرا، شەرىك كە ئامانجەكانى زۆر كەمتر بوون لەو دەرفەت و دەسكەوتانەى كە دەسەلاتەكەى ع.قاسم بۆ گەلى كوردى لەباشوور ناسيوون. ئەگەر پيشەنگايەتەكى ژىر و زانا هەبووايە، بيگومان دەيتوانى بەبى شەپ زۆر دەسكەوتى تر بەدەستبىتن و چەندىن هەنگاوى تر دۆزى كورد و كوردستان بەرەوپيشەو هەبات.

لە سالى ۱۹۶۱ تاكو ۱۹۷۰ شەپ بەردەوامبوو، هەر لەم ماوەيەدا سى جار ئاگرەبەست و قۆناغى بى چالاكى راگەيەنراون، بەتايەتيش سالى ۱۹۶۳ لەگەل عەبدولسەلام عارف، پاشانىش لە ۱۹۶۶ لەگەل عەبدولرحمان عارف و جارى سىيەميش لەگەل بەعسىيەكان لە ۱۹۶۸ دەستپيكرد و لە ۱۹۷۰ بە دەركردنى بەياننامەيەك بەناوى بەيانى ۱۱ ئادار گەيشتنە ئەنجام. لە ماوەى ئەو ۹ سالەى شەپدا لەگەل ئەوەى پەدەكە بوو بە دوو بال بەناوى بالى مەكتەبى سياسى كە مامۆستاي كۆچكردو ئيبراهيم ئەحمەد پيشەنگايەتى دەكرد، پاشان جەلال تالەبانى و عەلى عەسكەرى و زۆرىك لە كەسايەتە رۆشنيير و خوئنهوارهكانى هەريئى سليئمانى و گەرميان و كەركوك لىئ كۆبوونەو. بالى مەلا مستەفا بارزانيش كە بە بالى سەرۆك دەناسرا و پاشان كۆنترۆلى سەرجهەم جومگەكانى پەدەكەى كورد، لايەنى خيلەكى و دەرەبەگايەتى و بنەمالەگەريەتى لەپيش بوو. لەگەل ئەوەى تەواوى پىوانە و پرنەسبىيە حيزبىيەكان كەوتنە ژىر بى و لە پيشەنگايەتى زۆرىنە و خاوەن ئيراده و بپيار، پەدەكە بوو حيزبى يەك كەسى، بۆيەش بە سەدان بپيارى هەل و هەلسوكەوتى دەرەوئى پىوانە نەتەوئىي و

ديموكراتىيەكان نراو، نمونە سەرجهەم ناكۆكيەكانى ناوخۆى بە شەپ و كوشتن و لەناوبردن كۆتايان هاتوو، هەرۆهەراوان و كوشتنى سەدان كادير و ئەندامى بالى جيابووئەوى مەكتەبى سياسى، كوشتنى ۱۱ كەس لە خانەوادەى حمەد ئاغاي ميژگەسۆرى، لەگەل راونانى كورەكانى خۆى هەريەكە لە(سابير و لوقمان). ديسان لەلايەنى نەتەوئىي و جموجۆل لەگەل پارچەكانى ترى كوردستان، هەموو هەولتيكى داوە كە لە پارچەكانى ترى كوردستان هىچ جموجۆلتيكى سياسى و چەكدارى نەبى، ئەگەر بووش، پيوستە لەژىر ريكفى ئەواندا بى، بۆ ئەوەى چە كاتيك ويستيان وەكو كەرەستەيەكى سياسى بەكاربىتن. لە رۆژەلات لە ۱۹۶۸ لەناوبردى هەريەك لە سوليمان موئىنى و هاوپيكانى كە دەيانويست بەبى فەرمانى مەلا مستەفا بارزاني دەست بە تيكۆشانى شوپشگيرانه بكەنەو. هەرۆهەراوان لەناوبردن و پيلانگيرى ئەنجامدان لە سەر پەدەكە - توركي و كوشتن و لەناوبردى سكرتيرەكەى(سەعيد ئەلچى) و هەرۆهەرا جىگرەكەى(سەعيد قورمزي تۆپراغ) كە ناسراو بوو بە(دكتور شقان)، هەرۆهەرا خستە زيندانى سكرتيرى پەدەكە - لوبنان. ئەو مپژووو تاكو ۱۹۷۵ بەردەوامى كرد، لەگەل تيكشكان و دەستبەردانى مەلا مستەفا بارزاني و كورەكانى و زۆرىك لە كاديرە لەپيشەكانى لە خەباتى سياسى و چەكدارى، لە ئان و ساتيك بارگە و بنەكيان هەلپيچاو و لە ئيران گيرسانەو.

ئەگەر لە قۆناغى جۆلانەوئى ئەيلول، بەيانى ۱۱ ئادارى ۱۹۷۰ وەك دەسكەوت بەناو دەكرى، هەمانكات تيكچوون و شكستى ۱۹۷۵ يش وەك ئەنجامى پيلانگيرى و گەلەكۆمەى هەريئى و ئيوەوئەتى بەناو دەكرىت، بەلام بەراستى دەست لەسەر برينەكانى دانانريت، بۆيەش ئەگەر

لەگەل يەكەم دەرفەت پەدەكە ئەو خەونەى كوردانى تىكبرد، پەرلەمان و حكومەت و دامودەزگاكانى كردنە شوپنى بپيار لە دژى هېز و لايەنە كوردستانىيەكان، يەكەمىن بپيار لە دژى پەدەكە لە پەرلەمانى هەريئى كوردستان لە ۱۹۹۲ و دواتريش دەستپيكردى شەرىكى نارەوا لە سەرەتاي مانگى تشرىنى يەكەمى هەمان سال و بەكوشتندانى هەزاران رۆلەى بپتوانى كورد، تەنها و تەنها دەوئەتى داگيركەرى توركي لى سوودمەند بوو

له دواى سالى ۱۹۷۵ سەردەمەيکيتەر له بزووتنه‌وهى سياسى کوردستان دەستى پيکرده‌بى، به‌لام له که‌سايه‌تى په‌ده‌که هه‌مان ريياز و شيواى پيشوو به‌رده‌وام ده‌کات؛ چونکه کاتيک رووداوه‌کانى دواى ئەو قوناغه سەير ده‌کەين، ديسان به‌شيويه‌ک له شيوه‌کان دووباره ده‌بنه‌وه، نمونه‌ى کاره‌ساتى هه‌کارى له ۱۹۷۸، هه‌روه‌ها دەست تیکه‌لکردن له‌گه‌ل رژيمى ئيران و کۆمه‌لکوژى کوردانى رۆژه‌لات له ۱۹۷۹ و له‌باربردى ئەو دەرغه‌ته‌ى که ده‌کرا گه‌لى کورد له رۆژه‌لات شيوازينكى له چاره‌سەرى پيشبختبووايه. ديسان له‌به‌رانبەر باکوورى کوردستانيش له ريگه‌ى ئەو ريکخستنانه‌ى به‌ناوى دده‌که‌ده و کوک و ستيرکا سوژ و په‌ده‌که -تورکياوه به‌هاوبه‌شى له‌گه‌ل ميتى تورک و فاشيستى گورگه‌ بۆره‌کان به‌سه‌دان شۆرشگير و ولتپاريز و که‌سايه‌تى نازاديوخوازيان شه‌هيد کردوه، نمونه‌ى شه‌هيد کردنى حه‌قى قه‌رار و کۆمه‌لکوژيه‌کانى ميردين و سه‌دان بکه‌رى به‌وشيويه مشتيتکن له خه‌روارپک.

له ته‌واوى کوردستان سه‌رحه‌م هيز و لايه‌نه سياسيه‌کان له کاتيکدا ئەگه‌ر ناکوژى و نالۆزیه‌يان له نيواندا هه‌بى، به‌لام دواى ماوه‌يه‌ک به‌نپه‌ندگيرى هيز و لايه‌نى سياسى کوردستانى چاره‌سەريان کردوو، به‌لام په‌ده‌که به‌ دريژاى ته‌مه‌نى شه‌رى هه‌موو هيز و لايه‌نه سياسيه‌ کوردستانيه‌کانى کردوو، به‌لام له‌گه‌ل هيج لايه‌نتيکيان ناشتى نه‌کردوو، به‌لکو به‌رده‌وام له بۆسه‌دابوو بۆ ئەوه‌ى يان ئەو هيزه له‌ناو ببات يان بيکات به‌ کۆيله‌ى خۆى و به‌ ئاره‌زووى خۆى هه‌لسوکه‌وتى له‌سه‌ر بکات. بۆه‌ش ده‌بينين شه‌رى ناوخۆ له کوردستان کۆتايى نايه‌ت، هه‌مانکات دەست تیکه‌ل کردن و سيخوراپه‌تيش له که‌سايه‌تى په‌ده‌که کۆتايى نايه‌ت، له سالى ۱۹۶۱وه هه‌ر ماوه‌يه‌ک په‌ده‌که بۆته يارى دەستى ده‌وله‌تیک، له‌وه‌ش خراپتر ده‌زگا هه‌واآگري و سيخورپه‌کان به‌گوڤه‌ى ئاره‌زووى خۆيان له دژى لايه‌نه سياسيه‌کانى پارچه‌کانى تری کوردستان به‌کارى دینن و بزووتنه‌وه‌ى کوردى پى له پارچه‌کانيتر خامۆش ده‌کەن.

دواى کۆمه‌لکوژى به‌دناوى ئەنفال و کيميابارانى هه‌له‌بجه و رووخان و ويرانکردنى هه‌زاران گوند و ديهاى باشوور، راپه‌رين و پاک کردنه‌وه‌ى زۆربه‌ى شار و شارۆچکه‌کان له رژيمى به‌عس، ده‌سه‌کوتیک بوو بۆ ته‌واوى گه‌لى کوردستان. ديسان پرۆسه‌ى ده‌سه‌لاتى خۆجی و په‌رله‌مان و حکومه‌تيش ئەگه‌ر دووباره بووه‌ى ئەزموونى ده‌وله‌ته‌ داگيرکه‌ره‌کانى سه‌ر کوردستانيش بوو، جارپکيتەر خه‌لکى کوردستان به‌گشتى ده‌يويست بيته‌ په‌ناگه و سپه‌ريک و پشتيوانبى تاکو کوردانى پارچه‌کانيتريش ليزه‌وه بتوانن به‌ خه‌بات و تیکۆشان بگه‌ن به‌ مافه‌کانيان. له‌گه‌ل

يه‌که‌م دەرغه‌ت په‌ده‌که ئەو خه‌ونه‌ى کوردانى تیکه‌رد، په‌رله‌مان و حکومه‌ت و داموده‌زگاکانى کردنه شوينى برپار له دژى هيز و لايه‌نه کوردستانيه‌کان، به‌که‌مىن برپار له دژى په‌که‌که له په‌رله‌مانى هه‌ريمى کوردستان له ۱۹۹۲ و دواتريش ده‌ستپيکردنى شه‌رپکى ناپه‌وا له سه‌ره‌تاي مانگى تشرينى يه‌که‌مى هه‌مان سال و به‌کوشتندانى هه‌زاران رۆله‌ى بيتاوانى کورد، ته‌نها و ته‌نها ده‌وله‌تى داگيرکه‌رى تورکيا لى سوودمه‌ند بوو. ئەو پرۆسه‌يه جارپکيتەر له ۱۹۹۳ له دژى حه‌سک به‌رده‌وامى کرد، ديسان له ۱۹۹۴ له دژى يه‌نه‌که و دووباره و سياره له دژى په‌که‌که به‌رده‌وامى پيدا تاکو سالى ۲۰۰۰. بۆيه په‌ده‌که له سالانى نه‌وه‌ت ته‌واوى دەرغه‌ت و ده‌سه‌کوتى باشوور و پارچه‌کانيتريشى به‌کاره‌ينا؛ يه‌که‌م، بۆ قوولکردنه‌وه‌ى شه‌رى ناوخۆ و هه‌مانکات راکيشانى ده‌ستى داگيرکه‌ر و ده‌وله‌ته هه‌ژموونگه‌را جيهانه‌کان بۆ ناو ناکوژيه ناوخۆيه‌کان. دووم، پارچه‌کردن و له‌باربردى ئەو نمونه‌يه‌ى که وه‌ک هيوابه‌ک سەير ده‌کرا. سێهه‌م، ئەگه‌ر تا سالانى نه‌وه‌ت داگيرکه‌ران گه‌لى کورديان کۆمه‌لکوژ ده‌کرد، له سالانى نه‌وه‌ت په‌ده‌که ئەو ئەره‌کى داگيرکه‌رانى بيکه‌موکورى جبه‌جئ کردوو، کۆمه‌لکوژى ۱۶ى گولانى ۱۹۹۷ى هه‌ولپه‌ر که زياتر له هه‌شتا شۆرشگير و ولتپاريز و نازاديوخوازي تيدا شه‌هيد کرا، ته‌نها له‌به‌ر يه‌ک هۆکار ئەويش کۆيلايه‌تيان بۆ په‌ده‌که و داگيرکه‌رانى کوردستان په‌سند نه‌کردوو. وه‌کو خالى کۆتايش په‌ده‌که وای کرد که کورد کوشتن و تيرۆرکردن و له‌ناوکردن و دزى و گه‌نده‌لى و ژن کوشتن و له‌ خيزان و پياوه‌که‌ى ستاندن زۆر ئاسايى بى، ئەمه‌ش هۆکارپکى سه‌ره‌کى بوو که له سالانى نه‌وه‌ت به‌ ده‌ه‌زاران مرۆف به‌ ژن و پياو سه‌رى خۆيان هه‌لبگرن و نه‌فره‌ت له ولات و نازادى و نه‌ته‌وه‌و نيشتمان بکه‌ن.

دواى سالى ۲۰۰۳ و رووخانى رژيمى به‌عس، دەرغه‌تیکى هيشتا زياتر و باشت بۆ گه‌لى کوردستان ره‌خسا که چه‌ندين سه‌ده‌يه کورد دەرغه‌تى به‌و شيويه‌يه‌ى به‌خۆيه‌وه نه‌بينيوو. ده‌وله‌تانى داگيرکه‌ر له‌سه‌ر کوردستان له دۆخیکى زۆر خراپدا بوون، چونکه سيستمى ده‌وله‌ت - نه‌ته‌وه‌ که ببوو هۆکارى دابه‌ش کردن و پارچه‌کردنى کوردستان ئيدى کۆتاي مه‌رگى بوو.

بۆيه له‌وه‌ دەرغه‌ته‌دا؛ يه‌که‌م، کورد ده‌يتوانى له‌باشوور ناو مالى خۆى ریکبختاوه‌وه کۆتاي به‌ شه‌پ و دووبه‌ره‌کى و ناکوژيه ناوخۆيه‌کانى بينيت. دووم، هه‌نگاو بنيت له پيناو يه‌کيتى نه‌ته‌وه‌يه‌ى ديموکراتيانه‌ى گه‌لى کوردستان. سێهه‌م، چاره‌سه‌ر کردنى کيشه‌کان له گه‌ل به‌غداو زمينه‌ خۆشکردن بۆ چاره‌سه‌رى دۆزى کورد له‌گه‌ل ده‌وله‌تانى



میت + پاراستن + گلا دیوی ناتۆ له ئیستادا پیکه وه ده یانه ویت له ریگه ی په ده که سیناریۆ کۆنه کانی سه ر گه لی کورد دووباره بکه نه وه، بۆ ئەمه ش کۆتا رۆل یان داوه ته سه ر کردایه تی و کادیر و ئەندامانی په ده که، ئەویش وه ک سیخو ر کار یان پیده که ن. ئەوه ی جیگه ی پرس یاره، چۆن له ماوه یه کی ئەوه نده که میت توانی ئەو هه موو سیخو ره ی خۆی له باشوور به جیبکات؟

دیموکراتی کوردستان دهستی پیکرد، تا راوه دونانی ئەندامان و لایه نگرانی، هه مانکات سه رکو تکردنه وه ی لایه نه ئیسلامیه کان و سووتاندنی باره گاکانیان. ئەوانه ش له ولا بووه ستن به ناوی سه رۆکی هه ری می کوردستان شۆرشگێران و شه هیدانی دژی داگیرکهری تورک؛ به تیرۆریست به ناو ده کران و په یامی سه ره خۆشیش بۆ سه رباره کو ژراوه داگیرکهره کان ده نێردا. دووباره کێشه کان له گه ل به غدا به فیتی ده ره وه قوولکرانه وه، نه ک چاره سه ر کردنیان، بۆیه ش به ده سپه سی تورکیا و به پشتیوانی ئەمریکا له پیناو به رده وام کردنی ئالۆزیه کان و له په لوپۆ خستنی عێراق و زیاتر چاندنی تۆی بـ متمانە ی و بـیـاوه رپـی فاشیزمی عه ره بیان ده مه زه رده کرده وه.

دامه زراندن و پێشخستن و ده رفه ت بۆ کردنه وه بۆ هێزێکی درنده ی دوور له هه موو پێوانه مرۆفایه تی هه ک داعش، له گه ل تورکیا و قه ته ر و ئیمارات، به پشتیوانی ئەمریکا و ئیسرا ئیل، وه ک به لگه کانی ده ولته تی ئێران ئاشکرایان کرد په ده که ش له ئاستی سه رۆکایه تی به شداری له و کۆنگره یه دا کردوه که له ئوردن پر یاری دامه زرانندی درا. بۆیه ش کاتیک داعش سه ره تا موسڵی داگیرکرد،

تری سه ر کوردستان. خالی چواره م و له هه مووشی گرن گتر خزمه ت کردنی خه لکی کوردستان و کردنی به خاوه ن داها ت و به ره مه می سه ره به خۆی خۆی!!

جاری کیت ژه و ده سه لای تا کو ده رکه وتنی داعش په ده که به سه ر حیسابی سه ره وت و سامانی خه لکی کوردستانی تێبه راند، بۆیه له ژیر ناوی جیا جیا پێشکه شی داگیرکهرانی کرد. فونه ی به ناو ئابووری سه ره به خۆ، ئالوگۆری بازرگانی له گه ل به ناو ده ولته تانی دراوسێ، به ملیاران دۆلار پێشکه شی تورکیا کرا، به ملیاران ته ن که لوپه لی ئیکسپایه ری تورکی هاورد ه کرا، ئەنجام به سه دان که س تووشی نه خۆشیه جوړاو جوړه کانی شێر په نجه بوون، به سه دان مرۆف به ده رمانی ماوه به سه ر چوو چاویان کوێر بوو. ده بـ ئەوه ش له بیر نه که ین له جیاتی پێشکه وتنی ئازادی رۆژنامه گه ری و فه راهه م کردن و پێشخستنی دیموکراتی، به پێچه وانه وه کوشتنی رۆژنامه نووسان دهستی پیکرد فونه ی دیار یشمان شه هید کردنی سه رده شت عوسمان و سوێرانی مامه حه مه و ویداد حسین و کاوه گه رمیانی... هتد. جاری کیت له داخست و راوه دونانی بنکه و باره گاکانی پارتی چاره سه ری

م.م. بارزانی دەرکەوتیبوو بەردەم پەرلەمانی هەرێم و دەیگوت: (ئێتر لەمەو دوا بووینەتە خاوەن دراوسێیەکی نوێ)، هەرۆهە بە ئاسانی شەنگالیان بۆ چۆلکردن، ئەو کۆمەڵکۆژیەکی که داعش لە گوندە کوردەکانی دەورووبەری حەلەبیان کرد، دیسان بەناوی سەرۆکی هەرێمەووە گوتیان کۆمەڵکۆژی نەکراوە. بەردەوام پێداگریان لەسەر ئەوە دەکرد و دەیانگوت پێویست ناکات شەری داعش بکەین. ئەو دەرەفتەکی لە ئەنجامی شەری داعش دروست بوو، بە ناوی ریفارندۆم بۆ سەرەخۆی ۵۱٪ لە خاک و کۆمەڵگەیی باشووری لەدەستدا، هەمانکات بۆ ئەوەی باشوور و رۆژئاوی کوردستان لەیەکتەر نزیک نەبنەووە لە ۲۰۱۲ وە تا رۆژی ئەمرۆ گەمارۆی خستۆتە سەر رۆژئاوا، ئیدی گەیشتۆتە ئاستیک ئەوەی بۆنی شۆرشگێری لێبێ لە سنوور دەستگیر دەکری، رۆژئاوا وەک دوژمن بە ئەندام و لایەنگرانی دەناسیترئ و شۆرشی رۆژئاوا بە نەبوو دەژمێرن. لە دواي دۆران و شکستی ریفارندۆم، پەدەکە لە جاران زیاتر بوووە کۆیلەیی دەولەتی تورکیا و ولاتە هەژمۆنگەراکانی جیهان، ئیدی لە جاران زیاتر دوژمنایەتی هیز و لایەنە کوردستانییەکان دەکات. سنووری ئێوان هەولێر و سلیمانی تۆخت کرایەو، ئەو لایەن و کەس و گروپانەیی کە بۆنی ولاتپاریزی و شۆرشگێریان لێهات یان رەوانەیی سلیمانی کران یان تێردران بۆ رۆژئاوا، رێگری کرد بۆ ئەوەی تەفگەری ئازادی کۆمەڵگەیی کوردستان بەشداري هەلبژاردنەکانی ۲۰۱۸ بکات، دزی و تالانی و گەندەلی زیاتر بەرنامەریژ کرا، بەناوی پاشەکەوتی مووچە دەست بە دزی فەرمی کرا لە فەرمانبەران، بیکاری زیاتر، دەرگای دەرکەوتن لە کوردستان بە هاوکاری میت کرایەو، بۆ ئەمەش بە هەزاران ژن و پیاوی تری کورد لە کوردستان دەرکەوتن و بە سەدانپان لە ئاوەکانی دەریای سپی ناوواست و دەریای ئیجەدا خنکان.

لە دواي سالی ۲۰۱۸ دواي ئەوەی سەرۆکایەتی حکومەت کەوتە دەست مەسرور بارزانی، پەيوەندیەکانی پەدەکە و دەولەتی تورک گەیشتنە قۆناخیککی مەترسیدار؛ چونکە لەیەک کاتدا هەردوو پۆستی دەزگای پاراستن و سەرۆکی حکومەتی بەرپۆه دەبرد، ئیدی پەدەکە و دەولەتی تورکیا پەيوەندیەکانیان لە رێگەیی فۆرمیلەیی پاراستن - میت بەرپۆه دەچن. ئەمەش بۆتە هۆکار کە باشترین کەسەکانی پەدەکە بوونەتە سیخوپی میت، ئیدی میت دەستی خستۆتە هەموو جومگەکانی پەدەکەووە. بۆیە لەئێستادا پێویستە پیناسەبەکی نوێ بۆ پەدەکە بدۆزرێتەو، بەتەنها چەمکی جاش و بەکرێگیرو و ئەلقە لەگوتی بەشی ناکات. لە رابردوو پەدەکە دەیگوت: (ئێمە بۆ پەيوەندی

لەگەل دنیای دەرەو و ئالوگۆپی بازگانی پێویستمان بە تورکیایە)، لەئێستادا دەسەلاتی پەدەکە هیچ پێویستییەکی بە تورکیا نەماوە؛ چونکە پارچەبەکە لە خاکی عێراق و دەتوانی بەشپۆهەبەکی فەرمی ئەو پەيوەندیەیی لەگەل تورکیا بەسەرشۆپی دەیکات، دەتوانی بە سەرەبەری لەگەل عێراقی بکات.

میت + پاراستن + گلایدیۆ ناتۆ لەئێستادا پێکەووە دەیانەویت لە رێگەیی پەدەکە سیناریۆ کۆنەکانی سەر گەلی کورد دووبارە بکەنەو، بۆ ئەمەش کۆتا رۆلیان داووتە سەرکردایەتی و کادیر و ئەندامانی پەدەکە، ئەویش وەک سیخوپی کاریان پێدەکەن. ئەوەی جێگەیی پرسیارە، چۆن لەماوەبەکی ئەوەندە کەم میت توانی ئەو هەموو سیخوپی خۆی لە باشوور بەجێبکات؟ هەمانکات چۆن کوردی باشوور کە لەهەموو کوردێک زیاتر دوژمنی داگیرکەری تورکە، بۆ لە ئێستادا بۆتە کۆیلە و چاوساغ و سیخوپی میت؟ نمونەیی راپەرینی خەلکی شیلادزی لە زستانی ۲۰۱۹ لە دژی بنگە و بارەگاکانی سوپای تورک. چۆن پەدەکە چەکدارەکانی خۆی کردۆتە قەلغانی پاراستنی سەربازگەکانی تورک، بە هەموو کەرەستەکانی رێگەوبان، جادە بۆ دوورترین شوین بۆ سوپای تورکیا دروست دەکات. سەر و مال و راگەیاندن و ئەندامانی پەدەکە هەموویان لە خزمەت دەزگای هەولگری تورکیادانە. بۆ ئەوەی بچوکتیرن دەرەفت نەگاتە دەست گەریلا، چەتەکانی رۆژی لە دەورووبەری گەریلا مۆلداو، هەمانکات بۆ ئەوەی هیزی پەدەک نەگات بە گەریلا بۆ ئەمەش بۆسە لەو رێگە و بانانە دادەنێت کە دەزانن گەریلا پێدا تێپەر دەبیت. دیسان رێگەنادات هیچ کەسایەتی و لایەنی سیاسی و ئاشتیخواز و دیموکراتخواز و دۆستی کوردان بکەونە هەرپۆهەکانی پاراستنی میدیا بۆ ئەوەی تاوانەکانی سوپای تورکیای داگیرکەر لە بەکارهێنانی چەکی کیمیاوی و بۆمی ئەتۆمی سنووردار بەناوی بۆمی تیرمۆ باریک ئاشکرا بکەن. لەلایەکیتر راگەیاندن پەدەکە بەناوی سەرەبەخۆ و هەوال و زانیاری زیاتر، بەر لە ئاژانسە هەوالیەکانی تورکیا هەوالی شەهیدبوون و بۆردومان و تۆپارانەکانی داگیرکەر بلۆ دەکاتەو، هەموو هەولەکەشیان بۆ ئەوەیە بلین سوپا و هەوالگری و دزگای شەری تایبەتی داگیرکەر سەرکەوتوو، ئەوەی لەناو دەچن و دەکوژن و بێ هیز و بێ توانایە ئەویش گەریلا و هیزە شۆرشگێرەکانن. بە واتایەکیتر دەیهوینت بلیت یان دەبن خۆتان بفرۆشن وەکو من و بینە دوژمنی گەلەکەتان، یان بەوشپۆهەیی لەناو دەچن!! هەموو ناپەزای و خۆپیشاندان و هەولیک بۆ ئاشکرا کردنی تاوانەکانی سوپای تورکیای داگیرکەر و دەزگای

لەمەرۆدا پەدە کە کاری سیخووری لە کەسەو دەرخستو کردووێتی بە ریکخستن و دەزگای پاراستن و دژە تیرۆر و ئاسایش لە ریگە ئەندامانیان تۆپری سیخووریان بلاوکردۆتەو، هەموو ناوەندیکی ئەو دەزگایانە وەک ناوەندی میت و دەزگای شەری تایبەت کار لە دژی شۆرشگێران بەرپۆ دەبن، بۆ ئەو مەبەستەش بە ملیاران دۆلار خەرج دەکەن

قێزەوونی میت بە تاوان دەژمێردرێت، نمونە، بۆچی نزیکی ۱۰۰ کەس لە روژنامەنووس و چالاکوانانی بادینان دەسگیرکران و هەندیکیشیان سزای بەسالانیان بەسەردا سەپێناو؟ تەنھا یەک تاوانیان هەیه، ئەویش نارەزایەتیان نیشاندا لە دژی هەبوونی سوپای تورکیا لە بادینان، هەمانکات پشتگیری خۆپیشاندەرانە شیلادزییان کرد؛ بەلکو چەند جارێکیش وەک هەر هاوڵاتیەکی تری ولاتپارێز سەردانی گەریلای کوردستانیان کردبێ و وێنەیان لەگەڵ فەرماندارانی گەریلا گرتبێ. ئەگەرنا هەبوونی تاپریکی ژەنگاوی کە لە سەدەیی بیستەم ماوەتەو، یان تەزویکردنی واژۆ، یان تابلۆی ئۆتۆمبیل... هتد لە دەرەووی گائە جارپوون هیچیت نین. بۆئەش منایکیش لە باشوور باوەری بە دادگا و دادوهرەکان نەماو؛ چونکە بوونەتە بەشێک لە سیناریۆکانی دەزگای میت - پاراستن.

دەزگای هەواڵگری ناوخواوی ناتۆ کە بە گلائیۆ دەناسرێت، زۆربەیی ئەو پەيوەندیانە ئێمەریکا ریکخستن دەکات و بە هاوبەشی لەگەڵ سی ئای ئەی لەگەڵ دەزگا هەواڵگریەکان کارەکانیان ریکخستن دەکەن. دواي ئەوێ حکومەتی هەرێم بەتەواوی کەوتە دەست دەزگای پاراستن، بۆئە کارەکانی دەرەووی لە ریگە گلائیۆی ناوۆو بەرپۆ دەچن، نمونە کاری پسمامان لە کۆنفرانسی میونخی بۆ ئاسایش چییە؟ یان کاریان لە کۆبوونەووی داڤۆسی دەوڵەمەندە جیهانیەکان چییە؟ دیسان کاریان لە کۆنگرەیی ژینگەیی چییە، ئەی چییە هەر ماوەیەک لەناکاو لە ئیمارات دەرەدەکەون، ئەی کاریان لای سەرۆک وەزیرانی بەریتانیا و فەرەنسا چییە؟ کێ ئەو دیدار و چاوپێکەوتنە ریکدەخات و ئامادەسازیان بۆ دەکات، وەلامەکی هەموو ئەو جۆرە کارانە لەلایەن گلائیۆو ئامادە دەکری.

بە ئامادەبوون لەو کۆنفرانس و کۆبوونەووی دیدارانە، دەیانەوێت بە خەلکی کوردستان بلین کە بنەمالەیی بارزانی و دەزگای پاراستن نوێنەری ئیوون، هەرۆهە بە دەسەلاتدارانی عێراقیش دەلین، خۆشیتان بێ یان ترشی دەبێ ئەوانە وەک نوێنەری کورد قەبول بکەن.

سیخووری بەشێکیترە لە خیانەتکردن لە گەل و ولات، بەلام سیخووری ئاستیکی سەرۆترە لە خیانەتیکیی بە زانابوون، واتا بە دل و بە گیان کار بۆ دوژمن دەکات و لە دژی شۆرشگێران و ولاتپارێزان بە نامەردانەترین شیۆه لە شەردایە، ئەمەش تەنھا بۆ ئەوێ جاریک کارمەندیکی داگیرکەر پێبیلێ ئافەرین!! هیچ گومانێ تیا نییە کە دەزگای پاراستنی پەدەکە بەو ئەرکە نامەردانە هەستاو، بەشیۆهییکی فەرمی و ریکخستنی پیکەو لە گەل ئەندامان و کادیرانی میت ئەو دوژمنایەتیە لەبەرانبەر گەریلا لە هەرێمەکانی پاراستنی میدیا دەکات، هەرۆهە ها هەموو شۆرشگێر و خەباتکار و ولاتپارێزانی شەنگال و مەخمور، دیسان سەرچەم خەلکی سلیمانی، بەتایبەت ئەوانەیی رۆژیک لە دژی پەدەکە و داگیرکەری تورک خواوون هەلوێست بوونە.

لەمەرۆدا پەدەکە کاری سیخووری لە کەسەو دەرخستو کردووێتی بە ریکخستن و دەزگای پاراستن و دژە تیرۆر و ئاسایش لە ریگە ئەندامانیان تۆپری سیخووریان بلاوکردۆتەو، هەموو ناوەندیکی ئەو دەزگایانە وەک ناوەندی میت و دەزگای شەری تایبەت کار لە دژی شۆرشگێران بەرپۆ دەبن، بۆ ئەو مەبەستەش بە ملیاران دۆلار خەرج دەکەن. ئەوێ لیترەدا جیگە پرسیارە ئەویش هەندیکی کوردی داماو و هەژار هەبە بەناوی دلسۆزی بۆ کوردایەتی و مووچەیی ئەیلولانە و بپۆهژانە و مجیوری مزگەوت فریویان خواردو و وەک کەرەستەیک بوونەتە بەشێک لەو بۆگەنییە، دەبێ هەرکەس کە خۆی بە کورد و دلسۆزی گەل و نەتەووی کورد دەزانن ئەو پرسیارە لەخۆی بکات، ئەرێ تاکەیی بەقسەیی بنەمالەیی بارزانی هەلبخەلەتین و فریو بخۆین؟ ئەرێ لە بەکرێگراوی و جاشایەتیەو تەواو نەبوون، ئیستاش نۆرەیی سیخواریەتیە؟ ئیدی پەدەکە و بنەمالەیی بارزانی و ئەو سەرکردایەتیە فاشیلە قەدەر نییە و دەکرێ بگۆردرێت، چونکە ناکرێ چیت گەلی کورد و هەتا پەدەکیەکانیش چارەنووسی خۆیان تەسلیم بەوان بکەن. بۆئە بە تەواو بوونی سالی ۲۰۲۳، دەکرێ لە ۲۰۲۴ باشووری کوردستان لەو تۆرە سیخووریە رزگار بێ و هەلومەرج لەبار بکری، تاکو بەرەو دیموکراتی و بەکیتی نەتەوویی هەنگاو بپیت و خزمەتکردنی خەلکی کوردستان بپیت ئەرکی پەکەمی.

شهید رووناهی پيشهنگی شورشی ژن ژيان نازادی

هيوانه حمده

له هاوخه بات و هه فالانی دا چوو هه ریمی که له رهش و له هه ریمه کانی ماکو، سه ماس، خووی و نه سه ندهره و ورمی دهستی به خه باتی ریخهستی گه ل کرد.

له ساللی ۲۰۰۵ دا به راگه یاندنی کوما کومه لانی کوردستان "که جه که"، له تورکیا و باکوری کوردستان قوناخیکی نوئی له تیکوشانی کومه لایه تی و جه ماوه ری و تیکوشانی پاراستنی رهوا له لایه ن گه ریلا گیرایه بهر. نه وه هه ناگوهی رییه ر ئاپو له و قوناخه دهستی پیکردبوو، له بواری ستراتیژی و پارادیگما و سیستمه مه وه بهرچاو روونیه کی هزری، فهلسه فی، ریخهستی زیاتر به خشییه، ریخهستنه کانی گه ریلا و گه ل و وه کو وهرچه رخیکی نوئی و دهست پئ کردنی هیرش و فهله مازیکی نوئی بوو له ململانی له گه ل دهوله تی داگیرکری تورک و رژیمه ده سپۆت و دیکتاتور و شوفا نینیمه کان له هه ریمه که و سیستمی مؤدیرنیه تی سه رمایه داری، نه مه ش هه م دهوله تی داگیرکری تورک و هه م نوینه رانی سیستم له ولاتانی یه کیتی نه وروپا و نه مریکا و ئیسرایلی ته ناگو کردبوو، نه وه بوو له ساللی ۲۰۰۶ له زینداندارییه ر ئاپویان ژهرخوار کرد و نه وه شیان له ژیر ناوی گوایه جیگورکئ و سه رراستکردنی شوینی مانه وهی و به ریگه ی بویاخ کردنی دهر و دیواری شوینه که ی پیکه ئینابوو. هه ر له و کاته دا و دوای ئاشکرابوونی نه وه وه له چه په له ی دهوله تی تورک و کاربه ده ستانی رژیم و سیستمی جیهانی له زینداندارییه ر ئاپویان دابوو و له زیندانی

گه ریلا ئاپویی و ژنی نازاد، شورشگیتریکه که گووته و کرداری وه کو یه ک وایه.

هه فال "سه نه م نه ریشه ن"، به نازناوی "رووناهی دهنیز"، له دایکبووی شاری وانی باکوری کوردستان و نه ندانی ریخهستی ژنانی رۆژه لاتی کوردستان "یه ژهره که" بوو. یه ک له کادیره هه ره دلسۆز و به نه مه ک و پيشه ننگه کانی بزووتنه وهی نازادیخوازی ژنانی رۆژه لاتی کوردستان بوو. ساللی ۲۰۰۵ له نپو خه باتی ریخهستی ژنانی رۆژه لات دا به شیوه یه کی ئاکتیف جیگای خووی گرت و به بن وچان، شانبه شانی هه فالانی تر له به ره کانی تیکوشاندا وه کو ژنیکی گه نج له گۆره پانی تیکوشانی نازادیخوازی دا کاروخه باتی ریخهستی راپه راند. ماوه یه ک له خه باتی پهروه ده یی کادیرانی هه ریمی دا جیگه ی گرت و نه رکی پهروه ده یی گه نجان و ژنانی رۆژه لاتی راده په راند و دوبه دوای کونفرانسی بزافی نازادیخوازی ژنان "یه ژهره که" و کۆنگره ی دووه مینی په ژاک له ساللی ۲۰۰۶ دا له به هاری هه مان سالدا و له چوارچیوه ی جیه جئ کردنی پلان و بهرنامه و نه وه ستراتیژییه ی له کونفرانسی ژنان و کۆنگره ی دووه می په ژاک دا دانرابوو هه فال رووناهی له گه ل پۆلیک



كهوت، به جوړيک كه لهو شهردا فرماندهيه كي پابه رزي رژيمي تيران و هه ليكوپته ريكي شهركه ري سوپاي پاسداران و كوشتني چهند بهرپرسيكي سوپا لهو هه ليكوپته رهي ليكه و ته وه.

هه قائل حه سهن حيكه مت ده مير لهو شهردا داستان و قاره مانتيه كي بي وي نه ي تومار كرده وو و دوا به دواي بريندار بوون و دابړاندني له يه كينه ي هه قائلني بو ماوه ي دوو روژ له گوندي نه لهندي سهر به شاروچكه ي ماكو ده ستگير ده كړيت و به برينداري ده يگوزانه وه بو زيندان و لهويدا به بي نه وه ي برينه كه ي ده رمان بكن و دواي برينه وه ي قاچيكي، سزاي هه تاهه تايبان به سهردا سه پاندا، هه چهنده لهو كاته دا هه ولدرا به ريگه ي پاريزه رانيه وه و ره كرده وه ي سزاكه ي، به لام له ديواني دادگاي بالاي رژيم سزاي له سپداره داني به سهردا سه پيندرا، له نه جامدا دواي چهندين مانگ له زيندان به دار به سته كه يه يوه ده يبه نه بهر په تي سپداره و له سپداره ي ده دن. سزاي له سپداره داني هه قائل حه سهن حيكه مت ده مير و جيبه جي كرندي نه و سزايه له لايه ن رژيمي داگيركهر ي تيران وه، يه كه م رووداوي به وشيوه يه كه له به رامبه ر به هه قائلني بزوتنه وه ي ناپويي جيبه جي ده كړيت. ته نانه ت به دريژايي نه و هه موو ماوه يه له تي كو شاني نازاديخوازي له گه ل ده وله تي تورك سزايه كي به وشيوه يه له به رامبه ر به هه قائلان پيكنه هه تبه وو. نه و هه لوپسته ي تيران له لووتكه دا ناستي دژايه تي كرندي رژيمي داگيركهر ي تيران له به رامبه ر به تي كو شاني نازاديخوازي بزوتنه وه كه مان و خه باتي ري كخستني گه ل و گه ريبا بوو، به تايبه تي هير شيك بوو به نامانجي پاكساوكاري په ژاك و يه زه ره كه و به تايبه تي بي كاريگه ره ي شتته وه و ده سته وه ستاني گه ريبا و چو نيه تي نزيكوونه وه له گه ل رژيمي داگيركهر ي تيران و خه باتي جه ماوه ري گه ل بوو لهو هه ريمه دا. هه ريمي كه له ره ش به گشتي له بزوتنه وه ي نازاديخوازي و پيشتريش له بزافه نه ته وه يي و كومه لايه تيه كاندا رولتيكي دياركهر و بهرچاوي هه بووه و هه يه. بويه رژيمي تيران ويستي به سزاي له سپداره داني هه قائل عه گيد، ترس و توقاندين له ريزه كاني گه ل و گه ريبا بلاوبكاته وه له لايه ك و له لايه كي تر، نه و په يامه ي دايه ده وله تي داگيركهر ي تورك كه تيران به هه موو شيويه كه و له ناستيكي به رزدا دژ به گه ريبا له پال ده وله تي توركدا ده وه ستيته وه، له بهر نه وه ش له سالي ۱۵۲۰۰۷ له نيوان بزوتنه وه ي نازاديخوازي كوردان "په كه كه" له باكوري كوردستان - توركي و ده وله تي تورك ناگر به ستي يه كلايه نه راگه يه ندرابوو، رژيمي تيران ويستي به و هه نگاوه ي له دژي خه باتي گه ريبايي په ژاك و يه زه ره كه هه ليگر تبه وو، ده وله تي تورك له ريبايي چاره سه رثاميز دوور بخته وه و هاوارسته له گه ل سياسه ته ده ره كيه كاني خوي، ده وله تي تورك زياتر په لكيشي نيوشه ري گه ريبا و نه رته شي ده وله تي

تاكه كه سي ئيمر آيدا، سزاي گوشه گيري و قه ده غه كرندي چاوپيكنه و تني له گه ل پاريزه ره كانيان به سهردا سه پاندا. لهو كاته وه ده وله تي تورك به هاوكاري سي بي تي، نوپنه ري كومپته ي ريگرتن له نه شه كنه جي سهر به كو نسه ي نه وروپا ناوه ناوه سزاي گوشه گيري له نيو گوشه گيريان به سهردا سه پاندا و ريگه ي هاووچوي پاريزه ره كانيشيان سنووردار كره.

نه و هه لمه ته ي ربه ر ناپو به ريگه ي ستراتيژي نو ي تي كو شان و پاراديگماي چاره سه ري ديموكراتيه و پاراستني ره و پيشي خستبوو، ره نگدانه وه ي له خه بات و تي كو شاني نازاديخوازي ري كخستني ژناني روژه لات و په ژاك دا دانا و هه ر نه وه ش تين و هيز و مؤراليكي به هيز تر و گوريكي تري دايه خه باتي نازاديخوازانه ي گه ريبا و گه له كه مان له م به شه ي كوردستان و له نه نجامي نه و خاوه نداريه به هيزه ي گه له كه مان له شاري ماكو له ربه ر ناپو نيشانيان دا، ژماره يه كي زور له گه نجان و ژنان بوونه قورباني، به لام نه و سهره لدانه ي گه له كه مان له ماكو و هيرشي وه حشيبانه ي رژيمي داگيركهر و هيزه سه ركوتكاره كاني بو سهر گه له كه مان لهو شاره، دننگدانه وه يه كي به هيزي له سه ر شاره كاني سه لماس و خوي و نه سه نده ره و ورمي و گونده كاني ده وروبه ريش دانا. لهو چوارچيوه يه دا، سه ره لداني گه له كه مان له شاري ماكو به ره هه مي تي كو شاني شهيد رووناهي و نه و هه قائلانه ي لهو هه ريمه كاريان ده كره، له وانه، شه هيدان "مادورا وان" ميسه ر ناسز"، ماني كياكسار "يوسف پيروتي"، ديچله ديرك، د. ثافات "نه شرف كه ره باكان"، فازل "عه بدلره حمان يوروجو" تي كو شين "ناديه ره يحان" و ديچله ديرك "نه وروژ عه بدو" بوو.

رژيم ئيدي هه ستي به وه كرده وو كه هه وله كاني بزافي نازاديخوازي له روژه لاتي كوردستان، هه وليكي بونيادي و ستراتيژي دريژه ودايه، رژيمي داگيركهر ي تيران تا نه و كاته به هه ستيا ريه وه مامه له ي له گه ل جموجوله كاني گه ريبا دا ده كره، به لام له وه به دوا به شيويه كي درنانه و به پيلانگي رپي و به رنامه، رووبه رپوي گه ريبا بوويه وه.

رژيمي داگيركهر ي تيران و ده وله تي توركي فاشيست بو نه وه ي زياتر بهر به جموجوله كاني گه ريبا و كاروخه باتي جه ماوه ري بگرن، لهو قوناخه دا به ده يان جار له سه ر ناستي بالا به مبه ستي توندوتولكردن و چو نيه تي رووبه روو بوونه وه ي گه ريبا كو بوونه وه. يه كي ك له ده رنه نجامه كاني نه و كو بوونه وانه ش كه له سالي ۱۵۲۰۰۷ هاته ناراه، راگه ياندي شه ري هاوبه شي هه ردوو ده وله ت دژ به خاليكي مانه وه ي گه ريبا له جه هه نه م ده ره بوو له به رامبه ر به گه ريبا كاني په ژاك و هيزه كاني پاراستني گه ل، به لام لهو شه ره داسه پاوه ي هه ردوو ده وله تي داگيركهر به سه ر گه ريبا كاني روژه لاتي كوردستان، زه بريكي مه زن به ره يزه كاني رژيمي داگيركهر ي تيران و ده وله تي تورك

تورک بکريت، به لام هەر زوو بهه لۆيستیکی شۆرشگيرپانه، هه قال "رووناھى دەنيز" به چالاکیه کى فیدایانه و گیانبازانه و به تاقى ته نیا هه لیکوتایه سەر بنکه به کى سوپای پاسداران له هه ریتی ماکو و زه بریکى جه رگيرى له داگیرکهرانى رژیمی ئیران وه شانده و بهو چالاکیه گیانبازیه ی هه قال رووناھى رژیمی ئیران ترس و لهرز که وته دل و ده روونیه وه.

ئهو چالاکیه گیانبازیه ی هه قال رووناھى به په له لهو هه ریمه دهنگى دایه وه و کین و رقی هه موانى ئه ستورتر و قوولتکرد له به رامبهر به رژیمی داگیرکهرى ئیران و هاوکارانى له نپوریزه کانى گه ریل.

هه قال رووناھى ده نيز له به یامیکى پرپه واتای خۆیدا که له پیتش چالاکیه گیانبازیه کى به جیتی هیتشبوو وه ها باس له ئامانجى چالاکیه کى ده کات: "سیستهمى داگیرکهر له چوارچێوه ی سیاسه تی ئینکار و له ناوبردنى گه لى کورد، پیلانگيرپه کى هه مه لایه نه سه ربازى، کلتورى و کۆمه لایه تی له به رابه ر به گه له که مان له هه ر چواره شى کوردستان خستوه وه گه ر. زله یزه جیهانیه کانیش به گویره به ره وه ندىه سیاسیه کانى خۆیان له لوتوکه ی ئه م پیلانگيرپه دا جئ ده گرن. ریه ر ئاپۆ که سه رچاوه ی هیز، هیوا و ناسنامه ی ئازادى گه له که مانه، له ژیر گوشار و ئه شکه نجه په کى دژواردايه و رۆژه ره ژو دۆخى ته ندروستى جه سته یی ریه ر ئاپۆ رووبه رووى مه ترسى ده بیته وه. هاوکات هیرشه هه مه لایه نه کانى ده ولته داگیرکهره کانى سه ر کوردستان له به رامبهر به گه له که مان و گه ریل له باکورى کوردستان، باشور و رۆژه لاتى کوردستان به رفرانتر ده بیته وه. بهو شیوه یه هه موو ده ستکه وته کانى گه له که مان که به خوینى ده یان هه زار شه هید به ده ست ها تووه رووبه رووى مه ترسى و له ناوچووون ده که نه وه. هاوکات سیاسه تی سه رکوت و گوشارى رژیمی ئیران به به کارهیتنانى هه رچه شه نه ریاژیکى نامرؤفانه و دژه مرؤفیی و به ده ر له پیوان و پرهنسیه دیموکراتیه کان، هیرشیکى هه مه لایه نه ی به ئامانجى بئ ئیراده کردن و ته سلیمبوون و ده ست به بردان له به ر خۆدان و خۆراگرى له به رامبهر به گه له که مان ئه نجام ده دن و ده یه ویت گه له که مان له رۆژه لاتى کوردستان به ته واوه تی به چۆکدا به یئن و بئ ئیراده ی بکن.

له به رامبهر به بئ هه لۆیستی هه ندئ که سایه ت و گروویگه لیک که راده ستبوون و ته سلیم بوون بۆ خۆیان به ره وا ده یین و ریکه ی خیانته تی دژ به گه له زولمیکراوه کان ده گرنه به ر، پیویسته بمه رووناککه ره وه ی ریکه یه ک که چاندى خیانته ت، به کرگيرپاوتی و سه رشۆرى له به رامبهر به دوژمن و ته سلیم بوون قبوول نه کات. ژن له کۆمه لگه رووبه رووى مه ترسى بئ ناسنامه یی و شکسته ئیراده ی خۆراگریانه ی بووه ته وه. با ئه م چالاکیه ی من بیته ریکه خۆشکهریک بۆ گه راننده وه ی ناسنامه و ئیراده و به ر خۆدان و تیکۆشان بۆ ئازادى و به رابه رى ژنان له رۆژه لاتى

کوردستان. بریار وه رگرتن به پیکهیتنانى چالاکیه که له م قۆناخه دا، وه لامیکى به هیزه به گویره ی پیودانگ و پرهنسیه بنه په تیه کانى شۆرشگيرى له به رامبهر به جیه جئ کردنى سزای له سیداره دانى هه قال عه گید له لایه ن خوینمزانى رژیمی داگیرکهرى ئیرانه وه. له سیداره دانى ئه م هه قاله مان له به رترى لوتوکه ی بئ ئه خلاقى و وه حشیگه رى ئه و رژیمه له به رامبهر به گه لى کورد هه لده سه نگینم..."

هه قال رووناھى شۆرشگيرى گووته و کردار بوو

شۆرشگيرپتی واتا له ئان و سات دا وه لامى هه ر هیرشیک بدریته وه که ده کرىته سه ر گیان و کيان و نرخ و ده ستکه وته کانى ریکخستن و گه ل. ئه گه ر شۆرشگيرپک توانى له به رامبهر به هیرشه کانى دوژمن، به بئ ئه وه ی کات به فیرۆ بدات، وه لامى پیویست بداته وه، به مه رچیک که وه لامدانه وه که ی بیته هوی پووچه لکردنه وه ی ئه و هیرشانه، ئه وا ديار ده بیته ئه و شۆرشگيرپه هه مه لایه نه و به شیوه یه کى کوانتۆمیک بیرده کاته وه و ئه گه ریش ئه و شۆرشگيرپه له به رچه کرداره کیدا له به رامبهر به هیرشه کانى دوژمن دوودل بوو، یاخود توانای بریاردانى نه بوو، ئه وا خویندنه وه ی ئه و شۆرشگيرپه به نیسه ت بارو دۆخه که و هیرشه کان و هه لۆیسته کانى دوژمن لاوازه و ناتوانیت ده ریکى وه های له هیرشه کانى دوژمن هه بیته، ئه مه ش واده کات که هیرشه کان چه ند قات له سه ر بوون و نه بونى هیرشیکى شۆرشگيرپه کاریه گه رى خۆیان به جئ به یئن. هه قال رووناھى کاتیک هه ست به ئاستى هیرشه ده رنده یه کانى رژیمی داگیرکهرى ئیران له سه ر هه قالانى و ریکخسته که ی و ده ستکه وته کانى شۆرش ده کات؛ هاوشیوه ی شه هید زیلان، شه هید فیان، شه هید زه که ئالکان و شه هید ره خشان بریارى چالاکی گیانبازی له به رامبهر به دوژمن ده دات و به تاقى ته نیا په لامارى بنکه یه کى هیزه سه رکوتکاره کانى سوپای سه ر به رژیمی ئیران ده دات و زه برى کوشنده و جه رگير ده وه شینیت، به و هه لۆیست و بریاره ی له به رامبهر به هیرشه کانى دوژمن پیشتراستى ده کاته وه که گه ریلای ئاپویى و ژنى ئازاد، شۆرشگيرپیکه که گووته و کردارى وه کو به ک وایه و له به رترى ئاسته کاندا به گیانى پاریزگارى له نرخیه کانى شۆرش و بزوتنه وه که ی و ده ستکه وته کانى گه له که ی و له به رترى ئاستدا خاوه نداریتى له ناسنامه ی ژنى ئازاد ده کات.

عاشقى ژنانى رۆژه لات و ئیران و خه باتى ته ته وه یی

بوو

هه قال رووناھى وه کو گرکانیک له ناگر و ابوو و له هه ناوی خۆیدا ده کول، وه کو بورکانیکى ناگرین، به تین و به گرپوو. هه قالیکى تا بلیى به دیسپلین و خاوه ن هه لۆیستى شۆرشگيرپانه بوو. به هه ست و نه سته وه

بەشدارى رىزەكانى شۆرشى ئازادى كوردىبو و لەرىزەكانى رىكخستنى ئاپۆيى دا بە زانابوون دەركى بەناسنامەى ژنى ئازاد كوردبو و لەبەرزترىن ئاستەكاندا خاوەندارىتى لى دەكرد. كەم گووتە، بەلام دل و دەروونى پىر بەهەست و بەكردار بوو. پراكىكى مەمىشە و لەهەر سات و كاتدا پىشتەر لەگووتەكانى بوو و بەو شىپوئە جىگابەكى مەزنى لەدلى هەفالايدا بۆ خۆى كوردبوئەو بەو خۆشەوئىستەش لەهەفالاى وەردەگرت نەخشەرژى ژيانى شۆرشگىرانهى دادەپشت. لەچالاكىە گىانبازيەكەيدا بەباشى مروڤ دەتوانىت دەرك بەو راستىە بكات، وەكو بەخۆشى دەلئىت؛ ماوئەبەكى درىژە برىارى چالاكىەكى وەها گىانبازانەى داو، بەلام دەيوئىت گونجوترىن دەرفەت بدۆزىتەو بەو ئەوئەى چالاكىەكى مەزن و پىرەواتا پىكپهئىت و ئەوئەش دەلئىت؛ دەمەوئىت بەرىگەى ئەم چالاكىەم بىمە؛ رىگە خۆشكەرىك بۆ گەپاندنەوئى ناسنامە و ئىرادە و بەرخۇدان و تىكۆشان بۆ ئازادى و بەرابەرى ژنان لەرۆژەلانى كوردستان و بەچالاكى گىانبازي خۆى دەيسەلمىنىت كە چەندە عاشقى گەلەكەمان لەرۆژەلانى كوردستان و خەباتى ئازادىخوئى ژنان لەو بەشەى كوردستان و ئىرانە و بەو هەلوئىست و كاردانەوئەى لەبەرامبەر بەهپرشەكانى دەولەتى داگىركەرى ئىران وەكو شۆرشگىرپكى ژن، ئەركى شۆرشگىرپى و پىشەنگايەتى خەباتى ئازادىخوئى و شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى دەگرىت. هەفالى رووناهى ژيانى خۆى بەرىكخستت كوردبوو، بۆئە تواناى رووبەرووبوونەو و برىاردانى وەها چالاكىەك دەدات. يەكىك لەرەهەندە فەلسەفى و پارادىگمايەكانى شۆرش بەكارهئىنانى مافى پاراستنى رەوايە. هەفالى رووناهى بۆ ئەوئەى بەهەرنخىك بوو، پاراستنى دەستكەوتەكانى بزوتنەوئەكى و بەتايبەتى خەباتى ژنان و نەتەوئەكى بكات. برىارى چالاكى گىانبازي دەدات. شۆرشگىرپانى شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى دەيىت بزنان، لەپاشخانى شۆرشەكەياندا، شۆرشگىرپانىكى وەكو شەهيد رووناهى زۆرن. دەيىت وا هەست نەكەن كە رۆئىمى داگىركەرى ئىران تەنيا لەبەرامبەر بەويست و داواكارىەكانى ئەوان بەزەبرى هپز وەستاوئەتەو؛ بەلكو ئەو رەفتار و هەلسوكەوتانەى رۆئىمى ئىران سەرەتا لەبەرامبەر بە كادىرانى پىشەنگ و لەچىا و گوند و شارەكانى رۆژەلانى كوردستان و ئىران پىكهاوتوو و هەرچەندە شۆرش برەو بەخەبات و بەرىكخستت بوونى خۆى لەئىو رىزەكانى گەلدا بدات، لەو ئاستەدا و بگرە زياتر رۆئىم پەلامارى شۆرشگىرپان و لايەنگرانى شۆرش دەدات. ئەركى سەرەكى شۆرشىش خاوەندارى كردنە لەشەهيدانى پىشەنگى شۆرش. نامەكى هەفالى شەهيد رووناهى دەنىز، مانىفستۆى بەهپزى شۆرشە و شۆرشگىرپان و لايەنگرانى شۆرشى ژن، ژيان، ئازادى دەتوانن ئەو مانىفستۆيە بكەنە رىنما بۆ بەردەوامى دان بەشۆرشەكەيان تا سەرکەوتن.

هەفالى رووناهى كاتىك هەست بەئاستى هپرشە دەردنەيهكانى رۆئىمى داگىركەرى ئىران لەسەر هەفالاى و رىكخستنەكەى و دەستكەوتەكانى شۆرش دەكات؛ هاوشىپوئەى شەهيد زىلان، شەهيد قىان، شەهيد زەكە ئالكان و شەهيد رەخشان برىارى چالاكى گىانبازي لەبەرامبەر بەدوژمن دەدات و بەتاقى تەنيا پەلامارى بنكەيهكى هپزە سەرکوتكارەكانى سوپاى سەر بە رۆئىمى ئىران دەدات



شهید سهره‌لدان چاوگه‌یه‌کی پر له وزه و باوه‌ری

ئارام کهریم

قه‌تاره‌ی له‌ناوقه‌ده و سنگی پینچاو و به‌ره‌و مه‌یدانی به‌ره‌نگار بوونه‌وه‌ی دوژمن کوپه‌رپیه‌کانی گرت‌به‌ر و بوو به‌هاووده‌م و هاوسازی ده‌نگی فیشه‌ک و نه‌عه‌ته‌ی شیرانی چیاکانی زاگرووس، گه‌ریلا، گه‌ریلا تاکه‌ه‌تیزیک بوو که‌ئو هه‌میشه‌ له‌خه‌یاله‌کانیدا له‌گه‌لی گه‌وره و بالای کردبوو. ده‌یوووست به‌واتا و ژیانیکی سهره‌رزانه بژی و دووربی له‌سیاسه‌ته‌ نه‌فره‌تاویه‌کانی نه‌یاران. بۆیه‌ گونجاوترین شوین، بۆ گه‌وره‌کردنی خولیاکانی، له‌ چیاکانی کوردستان و ژیانگی گه‌ریلایی ده‌بینتته‌وه. هه‌قال سهره‌لدان له‌ریزه‌کانی گه‌ریلادا رۆژبه‌رۆژ بالآ ده‌گریت و له‌هونه‌ر و ژیانگی گه‌ریلاییدا فیر ده‌بییت و ده‌بییت به‌جه‌نگاوه‌ریک. ئه‌و ده‌رکی به‌وه کرد که‌ بۆ ئه‌وه‌ی له‌کوردستاندا به‌نازادانه‌ بژی ده‌بییت، جه‌نگاوه‌ریکی مه‌زن وه‌کو "عه‌گید-بی". ئه‌گه‌ر جه‌نگاوه‌ر بی ده‌بییت به‌جیگای ریز و خۆشه‌ویستی و متمانه. جه‌نگاوه‌ر هه‌م له‌لای هه‌قالانی خۆشه‌ویسته و هه‌م به‌لای گه‌له‌که‌یه‌وه. خۆشه‌ویستی راسته‌قینه‌ش له‌جه‌نگاوه‌ری و شه‌رکه‌ریکی به‌تواناوه ده‌سته‌به‌ر ده‌بییت. جوانیه‌تی خۆیشی له‌جه‌نگاوه‌ری و سه‌ره‌که‌وتووپی له‌شه‌ردا ده‌بینتته‌وه. لیهاوتووپی و خه‌یالی مه‌زنی؛ ئه‌وی به‌ره‌و پیشه‌نگایه‌تی خه‌باتی گه‌نجان هان دا و ماوه‌ی چوار سال له‌ "۲۰۰۴ - ۲۰۰۷" ئه‌ندامی کۆردیناسیۆنی گه‌نجانگی هه‌رچواره‌شی کوردستان و ده‌ره‌وه‌ی ولات بوو و دوا‌ی ئه‌و ماوه‌یه‌ له‌خه‌بات ریکخه‌ستی گه‌نجاندا له‌لایه‌ن ریکخه‌ستنه‌وه له‌ده‌ره‌وه‌ی ولات ئه‌رکیکی تری پین سپێردرا. هه‌ر له‌و ماوه‌یه‌دا له‌ولاتی ئه‌رمه‌نستان ده‌ستگیرکرا و چه‌ند سالیک له‌زیندان مایه‌وه. زیندان شوینیک نه‌بوو

شۆرشگێڕیک پر له‌وزه و باوه‌ری و جۆش و خرۆش. پر له‌هیوا و داهاتووپی کی روون. پراوپر له‌ئه‌وین و پیکه‌نین. چیاه‌ک له‌ئاگر و هه‌ناویک پر له‌خۆشه‌ویستی. هاوشیوه‌ی چیا‌ی ئاگری و ئارارات و ئه‌ورین، به‌رخۆدپێر و سه‌ره‌رز. بی‌ری تیز و هه‌زری قوول، قوولتر له‌دنیای بی‌ بن و بی‌ کۆتا. پر له‌جوله‌ و خۆشه‌ویستی. چاو نه‌ترس و به‌حه‌ماسه‌ت. شۆرشگێڕیک له‌کراسی گه‌وره شۆرشگێڕانیک و هه‌کو شه‌هیدان "عه‌گید و سمکۆ و دلپێر و دیار و باز و خۆشمیر و زیلان و مادۆرا و هێرش". پالپشتی گه‌ل و گه‌ریلا و هه‌قالیتی. سه‌رچاوه‌ی مۆرپال و هیز. شۆرشگێڕیک بۆ سه‌ره‌لدان، بۆ به‌رخۆدان، بۆ ئازادی و سه‌ره‌به‌ستی، شه‌هید سهره‌لدان ماکو؛ گه‌نجه‌ خوی‌ن گه‌رم و خوی‌ن شیرینه‌که‌ی ده‌روازه‌ی رۆژه‌لات و باکوهره‌که‌م. تابۆشکین و جه‌نگاوه‌ر و فه‌رماندار و هه‌قال و ریبه‌ر و ریزانی دۆل و ده‌شت و هه‌رد و به‌ردی ولات. ئاسکه‌ کێویه‌که‌ی گه‌رمین و کوپستان. جیگه‌ی متمانه و هه‌لگری راز و ره‌مزی ریکخه‌ستن و بروسکه‌ی ئاشتی له‌گیرفان.

شه‌هید سهره‌لدان ماکو، ئیدی ته‌نیا گه‌نجه‌ خوی‌ن شیرینه‌که‌ی ماکو نه‌بوو. ببوو به‌و گه‌نجه‌ی کوردستان که‌ هه‌موو کوردستانی به‌مالی خۆی سه‌ر ده‌کرد. له‌خۆشی و ناخۆشیان دا به‌شدار ده‌بوو و به‌تیش و ئازاری گه‌لی له‌ناخی دل‌ه‌وه‌ هه‌ست پین ده‌کرد. باش له‌وه‌ ئاگادار بوو که‌ دوژمن وه‌ی له‌جه‌سته‌ی تاکی گه‌له‌که‌ماندا نه‌هیشتووته‌وه. بۆیه‌ هه‌میشه‌ به‌دوا‌ی ئه‌وه‌وه‌ بوو که‌ بناوانی وه‌ و وزه‌ ببینتته‌وه. کاتییک ده‌رکی به‌وه‌ کرد که‌ سه‌رچاوه‌ی وزه‌ ئه‌و به‌خۆیه‌تی، یه‌کسه‌ر قۆلی لیها‌لمالی و

که هه قال سهره لدان لای بی ئاگا بییت. لهویشدا وه کو نه ریتیکی به رزی تیکۆشان، خاوهن هه لوئستیکی نه گۆر بوو دژ به خیانهت و خیانه تکراری و راده ستببون. دوای دهرکه وتنی له زیندان یه کسه ر گه پاره وه ریزه کانی گه ریلدا و له ریزه کانی گه ریلادا بوو به فه رمانده له به ره کانی شه ر و به رخۆدان.

هه قال سهره لدان به ره له ستکاریکی سه رکیش بوو. هه ر ئه و به ره له ستکاریه ی وای لیکردبوو بیته لیکه پینوائتیکی راستیه کان. وه کو مندالیکی لیکه پوان و هاروهاج دهستی ده کرده هه موو کونه به رد و به رده لانیکیدا، شارۆی به جارگه نم ده کرد، خۆی له شاخ و داخ هه لده دایه خواره وه و به لق و پۆی داران و تاشه به ردی چیاکان و به قوولی ده شته کانی کافیه و چه ریر و ده شتی هه یات و برادۆست رۆ ده چوو.

ژیانی هه قال سهره لدان، شاخ بوو و تیکۆشان و هه قالیتی. له بیرمه کاتیک له گه ل گروپیک گه نجی شاخه وانی رۆژه لات وانه ی ده ووتوه، زۆر له سه ر ئه م بابه ته راهه سته ی ده کرد و پیتی وابوو؛ شاخه کان دۆستن و شوینی ژیا نی ئازاد و ئافرانندی بیروه زری هاوچه رخن و تیکۆشان ته نیا له م ژیا نه پر له زه حمه ت و ناقه ت پرۆکینه دا تام و چیز و خۆشه ویستی خۆی ده بینتته وه و ئه وه ی ئه م سیانیه به به که وه ده به سیتته وه له ریزه کانی شو رش دا، ژیا نی هه قالانه و هه قالیتی راسته قینه یه.

هه قال سهره لدان ماکو، سه رچاوه و چاوه ی وزه و ئافرانندی وزه بوو. ئه و وزه بیسنوره وای ده کرد هه قال سهره لدان بیته جیی مۆپال و هه یه جان و جۆش دانی هه قالانی ده ورره یی. فه رمانده یه کی سه رکیش و توله سین له به رامبه ر به دوژمن بوو. هه م خویندکار و هه م مامۆستایه کی راسته قینه ی مه کته بی ئاپۆیی بوو و بی ئه ندازه عاشقی گه فتوگۆیه فه لسه فی و هزری و زانسته یه کان بوو و تیربونی بۆ نه بوو. ئه و لیکه پینه فه لسه فی و هزری و زانسته یه شی ده کرده زه مینه یه کی زیاته ر له دیالۆگ و په ره رده ی هه قالاندا و له هه مانکاتدا ده بووه؛ سه رچاوه ی وزه به خشی و جۆش و هه یه جان و هیز به هه قالان و پالنه ریکی راسته قینه و هاندهریک له وانه په ره رده یه کاند.

ژیانی گه ریلایه تی شاره زایی و تیکه یشتننکی قوولی له بواری ریمان و هزری ریه رتی دا له که سایه تی هه قال سه ره لدان پش خستبوو. له یه ککاندا هه م مامۆستا و

هه م خویندکار بوو، به لام خویندکار و مامۆستایه کی شو رشگیکر بوو. یه ک له گووته باوه کانی هه قال سه ره لدان له ژیا ندا سه ره تا و کۆتایی ووته کانی سه رنجی ده خسته سه ر ئه وه بوو که؛ تۆ له ژیا ندا چی ده بی با بی، گرنگ ئه وه یه که تۆ شو رشگیکر بی. هه قالان؛ شو رشگیکر یه تی ده رمانی هه موو ده ردیکه، ده رمانی کیشه و گرفت و نه خۆشیه کانگریته کانه. هه یچ تافیکه یه کی پزیشکی ناتوائت وه کو شو رشگیکر ده رمانی ده رده کان بدۆژتته وه. شو رشگیکر له هه یچ بارودۆخیکدا لایه نگر نییه، ته نیا ئه و کاته ی که به رژه ونه دیه کانی گه ل له مه ترسیدا بن، ته نیا ئه و کاته ی که یاری به به رژه وه ندی و نرخه کۆمه لایه تیه کان بکریت. شو رشگیکر به دوای به رژه وه ندی تاکه که سیه وه نییه و که سایه تیه کی مادیکه را نییه. شو رشگیکر واتا چاره سه ری، لیکۆلین و ئه زموون و تاقی کردنه وه و باوه ری هینان به هه لوئسته کان. پش روودانی رووداوه کان ده کویت و پش له روودانی مه ترسیه کان ده گریت.

له دل و ده روونی هه قال سه ره لدان، به سه دان هه قال ده ژیا ن. دلی گه و ره وه کو ئوقیانوس، پان و به رین. وه کو هه وری به هار، پرپاران و وه کو بروسکه ی پاییز خرۆشان بوو.

هه قال سه ره لدان خاوهن تاییه مه ندیه کی سۆقرا تیا نه بوو. له گه فتوگۆی زانسته یانه و هزری و فه لسه فی تیر نه ده بوو. په یوه ست به ئامانج و ستراتیژی پارتی، خاوهن ئامانجیکی گه و ره ی ژیا ن بوو.

هه قال سه ره لدان خاوهن تاییه مه ندیه کی سۆقرا تیا نه بوو. له گه فتوگۆی زانسته یانه و هزری و فه لسه فی تیر نه ده بوو. په یوه ست به ئامانج و ستراتیژی پارتی، خاوهن ئامانجیکی گه و ره ی ژیا ن بوو. نرخیکی مه زنی بۆ ژیا نی ریکه ستنی داده نا و پابه ندی به لینه کان بوو



ناو و پاشناو: **علی ئەحمەدپور**
 ناسراو به: **سەرھەڵدان ماکو**
 شوێنی لەدایکبوون: **ماکو**
 ناوی دایک و باوک: **جەمیلە - محی الدین**
 کات و شوێنی شەھادەت: **۲۰۲۳/۸/۹ - بۆتان**

شەھید نامرن

راویژکارێکی راستەقینە ی شەری گەریلائی هاوچەرخی. بەتەنیا بۆ خۆی نەدەژیا، ببوو سەرچاوەیەکی لەوزە و ئەو هەقالانەشی لەگەڵی دەژیا، بێ پار نەبون لەو وزە و ھێزە ی لەھەقال سەرھەڵدان گەشە ی سەندبوو. گەشە سەندنی ئەو وزە لەپادەبەدەرە، نیشانە ی ئاستی جوولە و زیندووپیەتی هەقال سەرھەڵدان بوو.

وھەکو رێبەر ئابۆش دەلیت: "ھەرۆک چۆن ژیا ی شاخ یاسای خۆی ھەیە، ئاوەھاش لەباخچە ی گۆلدا ژیا ن کردنیکی راستەقینە لەگەڵ گۆلەکان یاسای خۆی ھەیە. گۆل لەو جێیە جوان دەگەشێنەو ھە سەختترین تیکۆشانی تێدایە. شوێنیک تیکۆشانی لێنەبیت، وێرانە یە و گۆل لەجێگای وێرانەدا ناگەشیتەو، گۆل تیکۆشانی دەوێت و تیکۆشانی گۆل. ھەر شوێنیک جەنگاوەرێکی گەورە ی لێ بیت گۆل بەباخچە تێدا دەگەشێنەو". شەھید سەرھەڵدان ماکو یەکی لەو جەنگاوەرانە بوو کە لەباخچە ی پەکەکە و گەریلادا گەشایەو.

"علی احمدپور" ناسراو بە هەقال سەرھەڵدان ماکو، لەھەریمی ماکو و لەگوندی "بۆزقەلا" لەبنەمالە یەکی ولاتپاریز و نیشتمانپەرور گەورە بوو و سالی "۱۹۹۹" بەشداری ریزەکانی گەریلا دەبی و لەبەروری "۹" کانوون یەکەمی "۲۰۲۳" لەئەنجامی ھێرش و پەلاماری ئەرتەشی داگیرکەری تورک و بەکارھێنانی چەکی کیمیایی و چەکی قەدەغەکراو و لەشەرێکی نابەرانبەردا گەیشتە کاروانی شەھیدان. رۆحی شاد و رێگە ی پری رێوار بیت. . . شەھید نامریت و شەھیدان خواونی راستەقینە ی ئەم ولاتەن.

گۆل لەو جێیە جوان دەگەشێنەو ھە سەختترین تیکۆشانی تێدایە. شوێنیک تیکۆشانی لێنەبیت، وێرانە یە و گۆل لەجێگای وێرانەدا ناگەشیتەو، گۆل تیکۆشانی دەوێت و تیکۆشانی گۆل. ھەر شوێنیک جەنگاوەرێکی گەورە ی لێ بیت گۆل بەباخچە تێدا دەگەشێنەو". شەھید سەرھەڵدان ماکو یەکی لەو جەنگاوەرانە بوو کە لەباخچە ی پەکەکە و گەریلادا گەشایەو

نرخیکی مەزنی بۆ ژیا ی ریکخستنی دادەنا و پابەندی بەلێنەکان بوو. ئەو بەلێن و پەیمانە ی لەژیا ندا بەیەکتەرمان دابوو، بەلێنیک بوو کە بە شەھیدانی رێگای ئازادیخوازیمان دابوو، پابەندبوون بەئامانج و رێبازەکیەکان و نرخەکانی گەل و شۆرش بوو. دوای سالانیک لەخولیکی پەرورەدە ی شەھید مەزلووم دۆغان یەکتەرمان بینی و بەدیداری شادبوومەو. ئەمجارە جیاواز لە دیدارەکانی رابردوومان؛ سیمای رەنگی گەورە جەنگاوەرانی نێو شەرە مێژوو یەکانی لێنیشتبوو و زیاتر لەھەر جار پربوو لە دلتزمی، عەگیدی و فیداکاری. پری بوو لەئەزمونی ژیا ن و شۆرشگێری. هەقال سەرھەڵدان، لەئاستی شارەزایی و ئەزموون دا بەو رادە یە گەیشتبوو کە ئیدی ببوو



روانگه‌ی گهریلا

حه‌قی باشووری

گهریلا تیشکی خووری نازادییه

گهريلا ئه و پشكۆ روناكهيه كه له سهردهمي تاريكي و بهرزه وهندي په رستي و خراپيه كاني سيسته مي سه رمايه داري و ده سه لاتداريدا، گه رمايي و هيژ و و ره و باوه ري به ته واوي گه لان ده دات و ئيستا و داهاتويان به جوان ترين فكري پي كه وه ئيان و هه قالي تي ده نه خشي ئي تي. هه قالي تي هه كه هاتنه سه ر زمان و گو ئي لي ئوني له فكر و ناخي كۆمه لگه و ئازاديخوازاندا تو ئوي خو شه ويستي و ئه شق ده رو پي ئي تي. هه قال ئه و وشه و واتا و ئيانه نو ئيه يه كه نه مامي ئازادي لي شين ده بي تي. به تايه ت له ناو گه لي كوردا كه هه مي شه هه و لدا و هه تو ئوي خيانه تي زي اتري تي دا بچي ندر ي تي و زه يني گه لان يان پر كرده له و وشانه ي كه كوردا و خيانه ت و بهرزه وهندي سي ئانه يه كي ئاو ئي ته به يه كدين و كوردا هه روا بوه و هه روا ده بي تي. به لام گه ريبلا و هه قال به باوه ري و خو شه ويستي خاك و گه له وه ئه و فكره تاري كانه يان له ناو بردوه. گه ريبلا و هه قال ئه و رو حه به كه له ناخي هه ر تا كي كي كۆمه لگه دا شا روا به وزه ي لي وه رده گرن بو خو را گري به رام به ر دا گير كه ران. گه ريبلا له شاخ حه قي قه تي يه كلا كه ره وه ي مان و نه مان و بوون و نه بووني گه لي كه. چاو گه ي ئيانه وه ي گه لي كوردا و تي كۆ شانه. شاخ مه يداني شه ري باشه و خراپه يه و ناوه ندي خولقاندن و بلا و كور دنه وه ي فكر و ئه ندي شه و ئه خلاق ي ئازادي و پي كه وه ئيانه، هه قالي ئيش هه ر له و لو تكه يه دا رو ژانه نه خشي قاره ماني و داستاني ئازايه تي و بو ئري و ئيراده له سه ر مي ژووي نو ئي مرؤ قايه تي هه لده كو ئن. له ناوه رو چو كدا گه ريبلا ئا فر ي نه ري هه ست و رو ح خورا گري، عاشق ي خاك و ول ات و هه قالي تي هه. گه ريبلا ده نگ و ره نكي به رز و جوان ي گو ره پاني شو ئش و خه با ته؛ به گه رمايي تي كۆ شاني فكره به سه ته لك كرا وه كاني سي سه تم و خاي ئيان ده تو ئي تي هه و فكري ئازادي و دا په ره وي و يه كساني وه ك خه لاتي كي به نه رخي سه رده م پي شه كه شي گه ل و كۆمه لگا و مرؤ قايه تي ده كات.

ئيد ي له كوردا ستاندا گه ريبلا بو وه ته ئه و هيژه ي كه ئه مرؤ به هه موو هيژي له شي هه وه و تا دوا دلؤ بي خوي ئي به رگري له خاك و ني شه تمان و كه رامه تي گه له كه ي و مرؤ قايه تي ده كات و به خولقاندني كه سا به تي ئازاد و رازاندنه وه ي سه روو شه؛ كوردا ستان دلؤ في نتر و رازا وه تر ده كات. گه ريبلا له بهر ئه وه ي له باوه شي سه روو شه تا ئيان و تي كۆ شان ده كات؛ هي ژي كي نه به رد و پؤ لاي نه و به چه كي ده ستي و پي لا وي سو ري خه ون ي دا گير كه راني زرا ندوه بو دا گير كور دن ي ني شه تمان و ناسنامه و خاك و سه روو شه تمان؛ گه ريبلا سه روو شه به سه رچا وه ي في ربووني

ئيان و پاراستني خو ئي له قه له م ده دات و سه رچا وه ي ئيلهام ي گه ريبلا سه روو شه ته و ده وله مه ندي تا كي كي تي كۆ شاني، ده گه ر ي ته وه بو په يوه ندي به هي ژي له گه ل ناخي سه روو شه ت و ئه شه كه وت و به و ئيراده و باوه ري هه ي كه له فكر و راماني ري به ر ئا پؤ وه ري گرتو وه، تو انيو به تي هه مي شه و به رده وام له دژي نه ياران و دو ژماني كوردا و ئازادي؛ سه ركه وتن له دوا ي سه ركه وتن تو مار بكا ت و رو ژانه گو رزي به هي ژ له دا گير كه ران بدات و خه ون ي ده سه لات داري و سه رده ستيان له چا و بتا ري ئي تي و تو وي ئيانه وه و خو را گري له سه ر خا كي ني شه تمان به به ره هه م بگه يه ني تي و بي تي به و دا ره به رزه هه مي شه سه رسه وزه ي كه هه رگي ز بي ئازادي نا ژي تي.

هه ربؤ يه گه ريبلا ئيراده و و ره و بر واي پؤ لاي ني گه له. گه راندنه وه و ئيان دنه وه ي كو لتو وري هه زاران سا له ي به تا لان بر واي كوردا ستانه، به في ربوون، په رو وه ده، ري كخس ت و چالا كي تو انيو به تي بي تي به ري بواري هه مي شه يي حه قي قه ت و هي ژ و باوه ري خا وه نده ركه وتن و در ئي شه پي ندي ري ري گه ي شه هي دان. گه ريبلا ري و ري يازي سه ركه وتني گه و ره ترين په گه زو نه ته وه ي دا گير كرا وي مي ژو و ياني ئزان و گه نجان و ريزه كاني گه ريبلا له مرؤ دا بو ونه به شو ئي گه نجان و ئزاني ره نجه در و تي كۆ شه ر. گه ريبلا؛ هي وايه، ئيراده يه، شه ره فه، دل تري هه، گياني (پو ح ي) في دا ئيه، به رپر سي ار ئي ته، ئا وا كه ري داهاتو ويه كي ئازاده، تو له سي نه، لي تر سي نه وه كا ره له زال مان، پشت به سه تو وه به شاخ و گه ل و باوه ري خو ئي، به ويژ دانه وه ئه ركي خو ئي را ده په ر ئي تي و به رام به ر دو ژماني گيان به زه... گه ريبلا خو شه وي ستي و عه شق ي له پي نا و په نچ و خاك دا يه. گه ريبلا بي ئو قره و بي سه بره له به رام به ر ناعه داله تي و ناحه ق ي و هه مو و هه ول داني بو له ناو بردني ئه وانه و ئا و كور دن ي په ر گالي نه ته وه ي دي مۆ كرا ئي كه كه سه رجه م نه ته وه و باوه ري به جيا وازه كان به شو ئازي كي ئازاد و ئاشتي انه هه مو ان تي دا بژين. گه ريبلا سه ره ره لدا نه، سه ره ره لدا ئي كي در ئي خاي نه و به رده وام. گه ريبلا كۆ كرا وه ي وزه و ئيراده ي هي ژي كي گه و ره يه له كه سي كدا. له هه ر شو ئي تي ك كه دا گير كه ران كر دو و يانه ته بي بان و فكر و ئه ندي شه يان وو شك كر دو وه، گه ريبلا له وي له ما وه يه كي كوردا چرو ئي گو ئي ئيان سه وز ده كات. بؤ يه گه ريبلا هي وا و سه ره رزي هه و ها و ئا وازي سه ره ره خو ئي و ئازادي گه لاني سه تم لي كرا وه.



شەھید ھېرش بەرخۇدان

شەھید ئاریەن ئاری

یەرەكە: شەھید ئاریەن و ھېرش بوونە رئیشاندەری رینگەى حەقیقەت

فرۆكەوانەكانى تورکیا و پەيوەستى كاروانى شەھیدان دەبن. پېش ھەر شتىك پرسە و سەرەخۆشى خۇمان لەگەلى وڵاتپارېزمان، بنەمالەى نىشتمان پەرور و تىكۆشەرى ھەر دوو ھەقآلمان دەكەین و رايدەگەيەنن؛ لەم قۇناخەدا لەسەر گەلەكەمان ھېرشى بەرفراوان پىكدئ و دەبىت لەھىچ ھەل و مەرچىكدە ئەرکی پاراستن پاش گوئ نەخرىت. دوژمن لەپىوانەكانى مرؤقىى بەدووورە و بەشپۆيەكى نامرؤفانە ھېرش و پەلامار دەكات و دەبىت ئووش بزانیت كە ئەم ھېرشانە، بئ وەلام و بئ حىساب نامىنن. وەك ھەقآل و ھاوړپىازى ھەقآل ئاریەن و ھېرش، ھىچ كاتىك لەگۆرەپانى تىكۆشاندا لەیادیان ناكەین.

ھەندئ سات و رووداو ھەيە كە مرؤف خۆى لەنپودا دەبىنپتەو و لەئافراندى ئایاندا ئافرینەرى دەخولقینىت،

ناوھندى راگەیاندن و چاپەمەنى یەكینەكانى رۆژھەلاتى كوردستان، ناسنامەى دوو گەریلاى راگەیاند كە لەئەنجامى ھېرشى ئاسمانى دەولەتى فاشىستى داگیرى تورك لەھەرىمى پىنجوین شەھیدبوونە.

بۆ گەلە وڵاتپارېزەكەمان و رای گشتى:

لەبەرورارى سئ كانوونى یەكەمى ۱۲ى سەرماووزى ۲۰۲۳ د، لەئەنجامى ھېرشىكى ئاسمانى كە لەلایەن دەولەتى داگیركەرى توركەو لەھەرىمى پىنجوین پىكھات، دوو ھەقآلمان دەبنە ئامانجى ئەو ھېرشە داگیركارىە. لەئەنجامدا ھەر دوو ھەقآلمان بە ناوھەكانى "ئاریەن ئاری و ھېرش بەرخۇدان" لەكاتى راپەراندنى ئەرکی رىكخستنى و شۆرشگىرپىاندا، دەبنە ئامانجى ھېرشى فرۆكە بئ

به لأم هه لۆیستی شۆرشگیری لههه ندى کات و سات دا ده توانیت به کرده وى خۆى بپیتته هیزیک که گه لیک بپاریزیت و ریگه ی رووباریکیش بگۆریت. بۆ ئه وهى ئەم ریگه به ژيانى مپینیتته وه هه لۆیستی ژن و گه نجانى کورد له میژوو دا بهرچاوه. بپگۆمان پیتشه نگانى گه لى کوردستان به و هیز و بهر خۆدان هه بوونه ته خاوهن ئه و ئیراده یه. بهرۆحی بهر خۆدانفانى گه لى کورد که ئاواته خوازی ئازادی، زانا بوونی دیرۆک و هیزی کۆمه لایه تی بوونه بهر خۆدان و تیکۆشانى گه ش تر ده کات و له تیکۆشان و هیزی بهر نیکخست بووندا خاوهن چالاکى به ته وژم تر ببین. واته یه کى دیکه ی ئازادی، کۆمه لایه تی بوونه. ئەمڕۆکه رۆله ئازا و بویره کانی گه لى کورد به و رۆحیه، گه وهه ر، هه ست و پێوانه وه تیکۆشان ده که ن. هیز و باوه رى هه فالیتى ده ئافرینن و به ژيانى ده که ن.

بپگومان هه ر دوو هه فالمان شهرفانى ئازادی بوون، له به رامبه ر به راستینه ی دوژمن له نیو هه لۆیست و چالاکى دا بوون. له چالاکى خۆیان دا به ئافرینه رى بوونیدیان نا، پیتش ئه وه ی خۆیان پیناسه بکه ن، بوونه رپیتشاندهرى ریگه ی حه قیقه ت. له ساتى هه فالیتى دا، بوونه هه ست و دهنگى هه فالانه. واتا مرۆف به شوین چیه وه بیت ئه وه ش به جئ ده هینیت. له راستینه ی شه هیدان دا رهنجیکى مه زن و پیرۆز ده بپزیت. هه ستیان به شه رپکى به رفراوان و قورس ده کرد و به گویره ی ئه و رۆحه ش ده ژیان. ئه وه ش راستیه که چهنده هه ولبدات به گشتى ناتوانزیت وه ک پێویست پیناسه ی قاره مانیه تی بکات. چونکه له واندا هیزی چالاکى بوونی هه یه و پێویستی به پیناسه کردنیکی به هیزتر هه یه. ئه وانه ی پیتش به کردنه وه کان ده که نه وه، ئه وانه ن که ده زانن چپیان ده ویت. هه فالانى ئیمه ئه مه یان فیر کردوین.

هه فال ئاریه ن ئاری، فه رمانده یه کى هیژا و رۆله ی ئه و گه له یه که به دریزایى میژوو زولم و سته مى قه بول نه کردوه. له بنه ماله یه کى ولاتپاریزدا له ته مه نى مندالیه وه تیکۆشانى ئازادی ناسیوه. به هۆى سیاسه تی به کۆیله کردنى رژیمی ئیران، چه په لى سیسته مى ره گه زپه رسته ی ده سه لاتدارى له ئاستیکى به زردا بینیوه. له گه ل چیرۆکى گه ریلایه تی کوردستاندا گه وه بووه. سه رشۆرى قه بول نه کردوه و ریگه ی ئازادی گرته به ر. له به رامبه ر به زولمى ده ولت بۆ پاراستنى نرخه نه ته وه یی و نیشتمانى و چاندی و ره گه زیه کان و پاراستنى بوونی که سایه تی خۆى، له سالی ۱۳۰۶ له هه رتیمى سه لماس رووی له ریزه کانی ئازادی گه ریل کرد. خۆى پهروه رده و بهر نیکخست کرد. له زۆربه ی هه رتیمه کانی رۆژه لاتى کوردستان ئه رکی فه رماندارى هه په ژه "هیزی پاراستنى ژنانى رۆژه لات" ی کرد. و له زۆربه ی گۆره پانه کانی

خه بات دا چیکه ی گرت و ئه رکی پیتشه نگایه تی له ئه ستۆ بوو. له شاهۆوه بگره تا ورمى گه ریلایه تی کرد، وه ک فه رمانداریک ئه رکی به شداری راپه راندنى ئه رکه ژيانه کان و شه ر بوو. وه ک ئه ندامى کۆنسه ی له شکه رى هه په ژه له م قۆناخه دا پیتشه نگایه تی شۆرشى "ژن، ژیان، ئازادى" کرد و له خه بات و ئه رکی گۆره پانه که ش دا ئه رکی پیتشه نگایه تی له ئه ستۆ بوو. ئه رکی پهروه رده کردن و بهر نیکخستنى کردنى ده گیړا و به بى دوودلى به شداری هه موو ئه رک و خه باتیکى رینکخستنى ده بوو. بهرۆحى هه فالیتى ئاپۆچیتى له دل و ده روونى هه فالاندا چیکه ی خۆى کردبوویه وه. به رهنج و زهحمه تی خۆى خۆشه وىستی و په یوه سته بوونى به ژيانى هه فالیتى بوونیدان بوو و بووه سیمبۆلى هه فالیتى و رهنج. په یوه ست بوون بهرۆحى "ژن، ژیان، ئازادى" له گۆره پانى تیکۆشاندا به بیروباوه رى شۆرشگیرانه وه ده جولایه وه. هه چ کاتیک راوه ستانى بۆ نه بوو. به هه یه جان و جۆش و خۆشه وه له بهر نیکخستنى بوونى ژنانى رۆژه لات، هه میشه بۆ شۆرش ئاماده بوو. به بى راوه ستان خۆى بۆ ئه رکه هاوچه رخنه کان ئاماده ده کرد. له به رامبه ر به زپه نیه تی ده سه لاتداریه تی شۆرشى وه ک ئامانجیک له که سایه تی خۆى و هه فالانیدا بینى. چونکه باوه رى وابوو که ده بیت سه رته تا مرۆف شۆرش له که سایه تی خۆى دا پیک به پیت و هیزی خوبه ر نیکخست بوون بوونیدان بیت. وه ک فه رمانداریک بووه شوین پى هه لگری شه هیدان. بووه فه رمانده یه کى هاوچه رخی رۆژه لاتى کوردستان. هه میشه هه ولیده دا شپوازی شه ر و ژيانى گه ریلایه تی مۆدێرنیه تی دیمۆکراتیک به ژيانى بکات. خاوه ن که سایه تیه کى دلنزم بوو و له هه موو که م و کوریه کاندای خۆى به بهر پرسیار ده بینى. به و هه لۆیسته و به ره خنه دان نزیکى که سایه تی خۆى ده بوویه وه. هه فال ئاریه ن ئاری بووه هیزی شۆرشى ژن، ژیان، ئازادى. به په یوه ست بوون به رۆحى هه فالیتى، هه فال ئاریه ن ئاری ئیمه جاریکى تر که سایه تی خومان بگرینه وه ده ست و به هه لۆیسته کامان له به رامبه ر به راپه راندنى ئه رک و خه بات و بهر پرسیاریه تی خۆماندا بچینه وه. ئیمه خاوه ن له خه یال و ئامانجه کانی شه هید ئاریه ن ده رده که وین و به لیتى تیکۆشان و بهر زکردنه وه ی ئاستى خه بات دووپات ده که ینه وه.

هه فال هیرش بهر خۆدانیش:

رۆحیکه که له گۆره پانى بهر خۆدانه وه به ره و چپا شوپ ده بیته وه. به نه ویندارى و خۆشه وىستی هه فالیتى ریگه ی حه قیقه ت، له که لتورى بهر خۆدان، روو له گۆره پانى تیکۆشان ده کات. له بنه ماله یه کى ولاتپاریز له دیرۆکى ۱۳۰۶ دا به شداری ریزه کانی ئازادىخوازی گه لى کوردستان ده بیت.

ناسنامه‌ی هەر دوو هه‌فالی شه‌هیدمان بهم شه‌پوه‌یه‌ی خواره‌ویه:



ناوو و پاشناو: زه‌ینه‌ب شه‌پوه‌یه
ناسراو به: ئاریه‌ن ئاری

شه‌پوه‌یه‌ی شه‌هیدمان و سالی به‌شدار بوون: ۲۰۰۶ - سه‌ماس شه‌پوه‌یه‌ی شه‌هیدمان و سالی به‌شدار بوون: ۲۰۲۳ - پینج‌جین



ناوو و پاشناو: سادق شه‌پوه‌یه
ناسراو به: شه‌پوه‌یه‌ی شه‌هیدمان

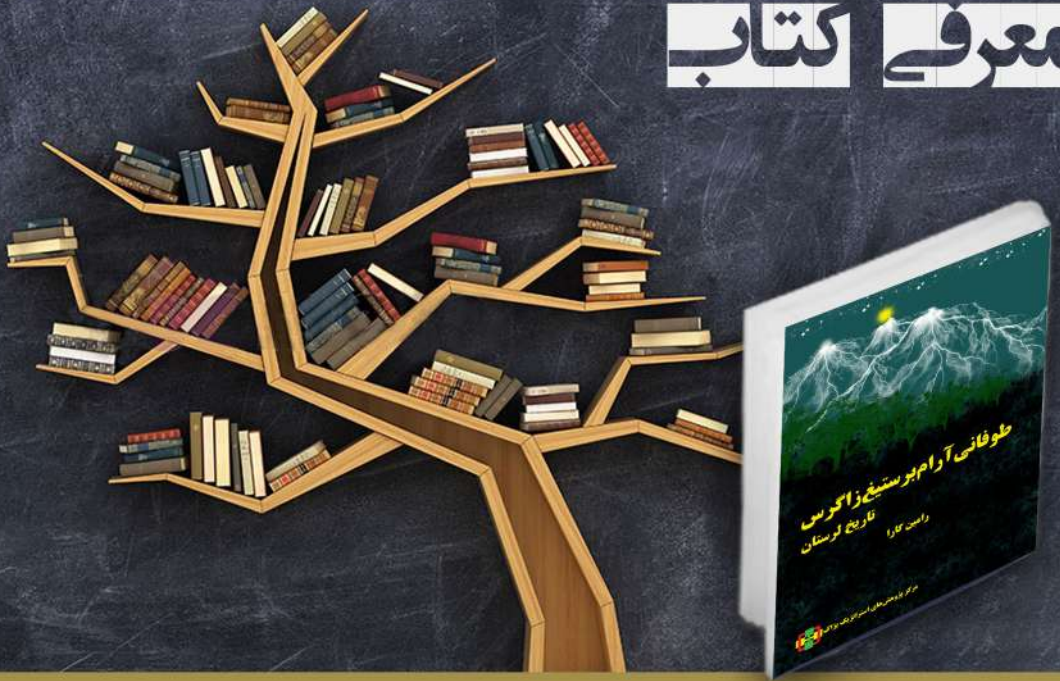
شه‌پوه‌یه‌ی شه‌هیدمان و سالی به‌شدار بوون: ۲۰۱۶ - شه‌پوه‌یه‌ی شه‌هیدمان و سالی به‌شدار بوون: ۲۰۲۳ - پینج‌جین

۲۰۲۳۱۲۲۴

ناوه‌ندی راگه‌ی پانده‌ی شه‌پوه‌یه‌ی شه‌هیدمان - YRK

هه‌فالیته‌ی راست له‌گه‌ل ژن دا و هه‌لوپه‌ستی له‌ژياندا ئاشکرا و گه‌وه‌ریانه‌ بوو. شه‌ و لایه‌نه‌ی هه‌فالی هه‌پرش وای ده‌کرد که هه‌موو هه‌فالی له‌ئامه‌ز بگره‌ت. عه‌شقی ته‌یکۆشه‌پانگی مه‌زن له‌دایدا جیگای گرتبوو، له‌به‌ر شه‌وه‌ش ده‌یتوانی هه‌موو هه‌فالی له‌ئامه‌ز بگره‌ت. رووی له‌گۆره‌پانی ته‌یکۆشه‌پانگی رۆژه‌ه‌لاتی کوردستان کرد. به‌بێ وه‌ستانه‌وه به‌شدار کاروخه‌بات ده‌بوو. له‌قسه و کرده‌وه‌ی خۆی دا خاوه‌ن مۆپال و هه‌یه‌جانه‌ی مه‌زن بوو. شه‌ و هه‌لوپه‌ستی وای ده‌کرد که شه‌گه‌ر زه‌حمه‌ته‌په‌کیش هه‌با، ریکه‌ی نه‌ده‌دا بیه‌ته‌ کۆسه‌په‌ک له‌به‌رده‌می دا. هه‌فالی ده‌رووبه‌ری هه‌میشه‌ خاوه‌ن مۆپال و جۆش بوون. هه‌فالیته‌ی وه‌ها بوو که له‌کاتیکه‌ی زۆر کورتدا خۆی گه‌یانده‌ ئاستیکه‌ بلنده‌ له‌ریکخه‌ستن دا و خۆشه‌ویستی هه‌فالیته‌ی له‌دل و ده‌روونی خۆی دا زیاتر کرد. له‌هه‌ره‌ه‌فالیته‌ی لایه‌نه‌ی هه‌فالی هه‌پرش بگه‌شه‌په‌وه و جوانتر و به‌هه‌تر گه‌شه‌ بکات. ئیمه‌ هه‌چ کات هه‌فالیته‌ی رۆحی گه‌نجانیه‌ی شه‌ و له‌بهر ناکه‌ین. هه‌فالی هه‌پرش ده‌یزانی چی ده‌وێ و بۆچی شه‌ ده‌کات. له‌به‌ر شه‌وه‌ش ده‌یزانی به‌جوانی بژی. شه‌ و گه‌رانه‌ی بۆ خۆناسه‌ین ده‌ستی پێ کردبوو و به‌په‌روه‌رده‌کردن که‌سایه‌تی خۆی زیاتر به‌هه‌تر کرد و شه‌وه‌شی به‌یان ده‌کرد. له‌هه‌موو بابه‌ته‌یکه‌دا شه‌اره‌زایی به‌ده‌سته‌په‌نابوو و وه‌ها نزیکی که‌سایه‌تی خۆی ده‌بوو به‌وه. خاوه‌نی که‌سایه‌ته‌کی به‌هه‌تر و دروست بوو. بیه‌گومان له‌هه‌ر کات و ساتیکه‌ دا شه‌وه‌ی به‌که‌سایه‌تی خۆی نیشان ده‌دا. خاوه‌ن هه‌په‌زی وانادان بوو. مرۆف له‌رۆح و جوانبوون و خۆشه‌ویستی دا له‌هه‌فالی هه‌پرش تهر نه‌ده‌بوو. وه‌که‌ هه‌فالی و هاوڕیپه‌زانیه‌ی هه‌فالی هه‌پرش به‌رخۆدان هه‌میشه‌ هه‌ولمانده‌دا ژیاگه‌مان له‌گه‌لیدا به‌ش بگه‌ین. له‌به‌ر شه‌وه‌ش له‌ژياندا زۆر شه‌ت له‌هه‌فالی هه‌پرش فیه‌ر بووین. به‌رۆحی گه‌نجانیه‌ی ئیمه‌ی فیه‌ری خۆشه‌ویستی و جوانی و ریه‌زی ته‌یکۆشه‌پانگی کرد و ئیمه‌ هه‌میشه‌ قه‌رزدار شه‌ و شه‌وه‌ رۆحه‌ گه‌نجانیه‌ین و بۆ پیکه‌په‌نانه‌ی خه‌پال و هیواکانی جاریکه‌ تر سۆز و به‌ئینه‌ی خۆمان دووپات ده‌که‌ینه‌وه.

وه‌که‌ به‌کینه‌کانی رۆژه‌ه‌لاتی کوردستان جاریکه‌ تر له‌بنه‌ماله‌ و که‌س و کاری هه‌ر دووه‌ه‌فالیته‌ی شه‌هیدانه‌ "ئاریه‌ن ئاری و شه‌په‌ر به‌رخۆدان" و هه‌موو گه‌لی کوردستانه‌ی وڵاته‌په‌ریزه‌ و هه‌فالیته‌ی په‌سه‌ و سه‌ره‌خۆشی ده‌که‌ین و سۆز و به‌ئینه‌ی خۆمان دووپات ده‌که‌ینه‌وه و خاوه‌نداری له‌میرات و ئامانجه‌کانی شه‌ و هه‌فالیته‌ی ده‌که‌ین. سۆز و به‌ئینه‌مان بۆ شه‌وه‌ی خه‌پال و هیواکانی شه‌ و شه‌هیدانه‌ بگه‌یه‌ننه‌ سه‌ره‌که‌وتن، په‌ره‌ به‌ته‌یکۆشه‌پانگی و خه‌باتی ئازادیه‌خوازانمان ده‌ین.



کتاب «طوفانی آرام بر ستیغ زاگرس (تاریخ لرستان)» به تحقیق «رامین گارا و با پشتیبانی مرکز پژوهش‌های استراتژیک پژاک» در زمستان سال ۲۰۲۲ میلادی توسط مرکز نشر زاگرس وابسته به «حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)» منتشر شد. این کتاب شامل ۱۵ بخش است:

«پیدایش انسان و ادوار سنگ و نوسنگی در لرستان؛ تمدن عیلام و دولت‌گرایی سومری همچو تاریخ کهن خلق لر؛ قوم کاسی همچو پروتوتیپ و نیای لرها؛ عیلام تا ظهور ماد؛ برآمدن تمدن الیمائی و اوضاع خلق لر تا ورود اسلام؛ تاریخ‌گردهای پارس و کرمان همچو حلقه‌ای پیرامون خلق لر؛ لر کوچک و لر بزرگ، دوره زندیه، والیان لرستان؛ آئین یارسان همچو باور مشترک زاگرسی؛ جنبش بختیاری و مشروطه؛ قتل‌عام خلق لر توسط پهلوی و مصائب نسل‌کشی دوران جمهوری ولایی».

با توجه به منابع اصیل پژوهشی مورد استفاده و استناد به سندهای موثق تاریخی، با بازنمایی بر حق هویت اصیل لر در ادوار مختلف چند هزار سال گذشته، دوره نوسنگی را بنیان تاریخ شفاف لر قرار داده و با گذر از لایه‌های پر عظمت تمدن عیلام و شکوه لر بختیاری و خرم‌آبادی، بالاگریوه، مینجایی و بروجردی در مسیر گردهادهای کوبنده که آه از نهاد آن برنیامد، خلق لر را در یک دوره طوفانی‌طور و تکامل‌قرار داده و امروز نه یک خرده‌فرهنگ بلکه یک خلق است که «تاریخ آن یک معما نیست، شفاف است».

جهت دریافت فایل این کتاب به سایت رسمی پژاک مراجعه نمایید

شهیدان والاترین ارزش ما هستند



شهید فیراز سرحد



شهید هیمن بیکس



شهید فصیح یاسمنی



شهید مالک خابور



شهید هورام ژیان



شهید ابراهیم لطف‌الهی

ما خط شهیدان را ادامه می‌دهیم

رهبر آپو



شهید
هیرش بهرخودان



شهید
تاریق



Alternative 25